L2620
S.No:- 2595
24

گزارش های سیاسی علاءالملک

تألیف :

ابراهیم صفائی

472
908
570
1950

Call No. A [illegible] Date

Acc. No. [illegible]

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of *.06 P.* will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

0164

Date 12. 4. 55

Call No. ....

Account No. ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

Call No.......... Date...12 : 4 : 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, the book is kept beyond that day.

65

منابع تاریخ وجغرافیای ایران -۱۳-

گزارش های سیاسی علاء الملک

تألیف وتحقیق

از

ابراهیم صفائی

618

K UNIVERSITY LIB.
Acc No. 156995
Date 26-2-79

Stor
GN

چاپخانه رشدیه

چاپ دوم ۱۳۵۲

تقدیمی مؤلف به پیشگاه مبارک علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی دانش پرور ایران

Call No. ....

Account No. ....

Date. 12.4.55....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.



علاءالملك

Call No. ....

Account No. ....

Date 12.4.55

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

دیباچهٔ چاپ دوم

چاپ اول گزارش‌های سیاسی علاءالملك در آبان ۱۳۴۷ بوسیله بنیاد فرهنگ ایران انتشاریافت و اینك پس از پنجسال که چاپ اول نایاب شده است چاپ دوم را شخصاً منتشر می‌سازم و در دسترس پژوهشگران و دوستداران بررسی های تاریخی قرار میدهم.

من بمنظور خدمت بتاریخ ایران سالیان دراز باکوشش پی گیر و پذیرش زحمت وزیان بسیار بگردآوری اسنادسیاسی دوران قاجاریه پرداخته وتاکنون هشت جلدکتاب ازاسنادتاریخی آن دوران‌را منتشرساخته وراهی‌تازه ومطمئن برای‌تنظیم یك‌تاریخ مستنددرپیش گرفته‌ام، این تألیفات من‌توجه ایرانشناسان و محققان‌را جلب‌نموده ومأخذ تحقیق واستنادپژوهندگان‌تاریخ گردیده‌است‌وامید آن را دارم که ازین پس نیز در ادامهٔ این خدمت ملی وفرهنگی کامیاب گردم.

درمیان هشت جلدکتاب اسناد سیاسی که تاکنون انتشار داده‌ام گزارشهای علاءالملك از این لحاظ ویژگی داردکه فصلی حساس ازتاریخ روابط‌سیاسی ایران و روسیه تزاری را دراواخر دوران ناصری روشن می کند ، فصلی که در بارهٔ آن کمتر سندی منتشر شده و کمتر پژوهشی انجام‌گردیده است . این اسناد جوانان را به ضعف و انحطاط سیاسی ایران و نظریات استعماری روسیه تزاری درآن دوران آگاه می‌سازد واسرار مهم تاریخ گذشته راآشکار میدارد .

امیداست چاپ دوم کتاب نیز از طرف دوستداران پژوهش های تاریخی بخوبی استقبال شود .

فروردین ۱۳۵۲ - ابراهیم صفائی

شماره ثبت چاپ اول
۱۰۱۰

۱۳۴۷/۸/۲۵

فهرست گزارش‌ها

Call No. [illegible] Date 12.4.55

Account No. [illegible]

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

مقدمه

میرزا محمودخان علاء الملک طباطبائی (نیای پدر بزرگوار علیاحضرت شهبانوی ایران) از رجال نیکنام و وطنخواه و از خاندان اصیل و محترم دیبا در ماه شعبان سال ۱۲۵۸ قمری (شهریور ۱۲۲۱ خورشیدی) در شهر تبریز متولد شد تحصیلات مقدماتی و ادبیات فارسی و صرف ونحو عربی را در تبریز فرا گرفت از آن پس سه سال در تفلیس به تکمیل دانش پرداخت و زبان فرانسه و روسی را در مدارس تفلیس آموخت و پس از بازگشت به آذربایجان در دیوانخانهٔ تبریز به خدمت دولت در آمد و بعد از چند سال رهسپار طهران شد و در دورهٔ اول وزارت میرزا سعیدخان مؤتمن الملک[1] (در حدود سال ۱۲۸۶) در وزارت خارجه آغاز خدمت نمود و به اتفاق صدیق الملک چند ماه مأمور تفلیس شد، در بازگشت لقب «وکیل دفتر» گرفت و به یك مأموریت چند ماهه به لندن رفت و پیش از نخستین سفر ناصرالدینشاه به فرنگستان به کنسولی حاجی ترخان منصوب گردید و چندی پس از بازگشت شاه مأمور تفلیس و بعد از چند سال خدمت به سرکنسولی ایران در آن شهر ارتقا جست

(۱) میرزا سعید خان مؤتمن الملک یکبار از ۱۲۶۹ تا ۱۲۹۰ و بار دیگر از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ مقام وزارت خارجه را داشته و در ۱۳۰۰ درگذشته است.

و بیش از شش سال در این مقام بود ، از آن پس به مستشاری سفارت ایران در روسیه مأمور شد و پس از سالهای چند که در این مقام بود در سال ۱۳۰۵ به مقام وزیر مختاری ایران در روسیه نائل آمد ؛ این مأموریت علاء الملک مأموریتی حساس و پر اهمیت بود زیرا در آن سالها از سوئی خطر تجاوزات دولت استعماری روسیه در کشور ما و از سوی دیگر رقابت های شدید آن دولت با دولت انگلیس (برای گسترش نفوذ سیاسی و به دست‌گرفتن منابع طبیعی و بازار تجارت ایران) به اوج شدت رسیده بود و امتیازاتی‌که اتباع انگلیس در ایران به دست آورده بودند مانند اجازهٔ کشتیرانی در کارون و قرار داد رویتر (تأسیس بانك شاهنشاهی و امتیاز راهسازی و استخراج معادن) دولت روسیه را آشکارا به دشمنی با ایران و تهدید نظامی‌کشور ما وادار می نمود .

در چنان موقعیتی مأموریت علاء الملك در دربار تزار وظیفه‌ای بس دشوار بود و او با هوشیاری وظیفهٔ خود را انجام می‌داد و پیوسته جریان تحولات سیاست روس را نسبت به ایران مراقب بود و در بهبود مناسبات دو دولت و رفع سوء تفاهم می‌کوشید تا آنکه زمینهٔ پذیرائی شکوهمند ناصرالدینشاه را در روسیه (در سفر سوم اروپا) فراهم آورد و خدمات او چندان مؤثر افتاد که پرنس دالغوروکی وزیر مختار مغرور و ماجراجوی روسیه[1] به تقاضای اتابك و به اصرار او به روسیه احضار شد[1] ولی از آن پس موضوع قرار داد رژی و اختلاف های مرزی علاء الملك را با سیاست خشن روسیه گرفتار می داشت . به جبران همین خدمات بود که ازطرف شاه در سال ۱۳۰۹ لقب و فرمان و نشان همایون‌گرفت و او که به « میرزا محمود خان وزیر مختار »

(۱)در اوایل ۱۳۰۷ دالغوروکی به تقاضای دولت ایران به روسیه احضارشد و بتسوف وزیر مختار روسیه در یونان مأمور طهران گردید .

شهرت یافته بود به عنوان علاءالملك نامبردار گردید [۱] علاءالملك در این دورهٔ مأموریت خود گزارشهای مهمی به طهران فرستاده که اگر روزی مجموع آن گزارش ها به دست آید و منتشر گردد از مناسبات سیاسی ایران و روس در پایانهای دوران سلطنت ناصرالدینشاه گوشه های بس حساس و نکته های بسیار مهم روشن می شود و دشواریهای توان فرسای سیاسی دولت ایران را در آن سالها آشکارتر می سازد .

آنچه را من از اسناد علاءالملك جمع آوری کرده ام و اینك در این کتاب عرضه می‌شود پانزده گزارش وچند ضمیمه است .

این گزارشها درخاندانهای میرزاعلی اصغرخان اتابك، میرزا عباسخان قوام‌الدوله و محمد علیشاه بوده و با چند واسطه به دست من رسیده است .

از پانزده گزارش که در این کتاب به نظر می‌رسد شش گزارش (گزارش اول و دوم و سوم و ششم و نهم و دهم) مربوط به مناسبات سیاسی ایران و روس و دو گزارش (گزارش پنجم و هشتم)مربوط به بعضی مسائل مشترك سیاسی بین ایران وانگلیس و روس وسه گزارش (گزارش چهارم وهفتم ویازدهم)دربارهٔ امور سیاسی و اداری کشور ویك گزارش (گزارش دوازدهم)در بارهٔ اختلاف نظر ولیعهد با علاءالملك و گزارش سیزدهم مربوط به حوادث مرزی ایران وعثمانی است .

گزارش چهاردهم و پانزدهم شامل ترجمهٔ دومقاله‌از روزنامهٔ «نووری‌میا» می‌باشد که در موضوع همان مسائل مورد اختلاف بین دو دولت قلم فرسائی شده است .

---

(۱) لقب علاءالملك پیش ازین ازآن میرزا عبدالله خان، فرزند میرزا نبی خان قزوینی و برادر میرزاحسینخان سپهسالار بود که در آغاز سال ۱۳۰۸ درگذشت .

بطوریکه از مفاد گزارش ها بر می آید علاءالملک از یازده گزارش اول. گزارش دوم را برای قوام‌الدوله وزیرخارجه و گزارش چهارم را بوسیله وزارت خارجه‌و نه گزارش دیگر را مستقیماً برای میرزا علی اصغرخان امین السلطان (اتابك)فرستاده است.

گزارش دوازدهم را از اسلامبول مستقیماً برای ولیعهد (محمدعلی میرزا) نوشته و گزارش سیزدهم را برای اتابك به اروپا فرستاده و گزارش چهاردهم و پانزدهم (مندرجات مطبوعات روسیه در بارهٔ ایران) را برای قوام‌الدوله وزیرخارجه ارسال داشته است [۱] وشاید این ترجمه‌ها هر یك همراه نامه ای بوده که اکنون در دسترس نمی‌باشد.

این گزارش ها ویژه آنها که وابسته به روابط ایران و روسیه است از لحاظ تاریخ سیاسی ایران اهمیت بسیار دارد بخصوص گزارش سوم که‌حاکی از اطلاعات و بررسیهای جامع و دقیق روس‌ها از سازمان نظامی و بنیهٔ دفاعی ایران و مناسبات ایران و روس است و روشنگر هدف‌های خطرناك استعماری ونقشه‌های تجاوز دولت روسیه در مناطق شمالی‌ایران می‌باشد.

باری، علاءالملك در آغاز ۱۳۱۰ قمری(همزمان با تابستان سال ۱۲۹۲ شمسی) برای رسیدگی به کارهای شخصی خود از روسیه به ایران آمده وپس از چند ماه‌اقامت درطهران وتبریز به روسیه بازگشته است.

او در سال ۱۳۱۲ قمری به سفارت ایران درپایتخت عثمانی منصوب گردیده و تاپایان سال ۱۳۱۸ قمری در اسلامبول می‌زیسته و در سال ۱۳۱۶ یك سفر هم برای درمان میرزا عبدالرحیم قائم مقام تبریزی که مبتلای به سرطان استخوان شده بود به فرانسه و آلمان رفته است.

دوران سفارت علاء الملك در اسلامبول نیز همزمان با تحولات شگرفی

---

(۱) میرزا عباسخان قوام‌الدوله از ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ قمری وزیر خارجهٔ ایران بوده است.

در روابط سیاسی ایران و عثمانی بوده ، منتهای کوشش سلطان عبدالحمید برای تحقق بخشیدن به اتحاد کشورهای اسلامی و تثبیت قدرت خلافت و توطئهٔ قتل ناصرالدینشاه (که با این نقشه ارتباط داشته) در این زمان واقع شده است.

علاء الملک برای تعقیب ومجازات عوامل این توطئه (که تحت حمایت سلطان بودند) تلاش‌های بسیار کرده وکوشش‌های صمیمانهٔ او در این زمینه حاکی از سرشت شاهدوستی ومیهن خواهی و حقشناسی وی می باشد [1] علاء الملک در اوائل سال ۱۳۱۷ به‌نمایندگی مخصوص ازطرف مظفرالدینشاه در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت یا خلافت سلطان عبدالحمید شرکت کرد و یك شمشیر مرصع از طرف مظفر الدینشاه به سلطان تقدیم داشت و هم او با مذاکراتی که با سلطان وخلیل رفعت پاشا صدر اعظم و توفیق پاشا وزیر خارجه بعمل آورد موجبات سفر مظفرالدینشاه را در بازگشت از اروپا (ج ۲، ۱۳۱۸) به اسلامبول فراهم نمود و با این مسافرت و با پذیرائی های گرم سلطان عبدالحمید از مظفرالدینشاه مناسبات ایران وعثمانی تاحدی به بهبودی گرائید.

علاء الملک در آغاز سال ۱۳۱۹ به‌ایران بازگشت و به‌استانداری کرمان منصوب شد. ناظم الاسلام کرمانی نویسندهٔ تاریخ بیداری ایرانیان نوشته است «با اینکه زمان استبداد بود وحاکم فعال‌مایشاء قسمی سلوك نمودکه الی کنون اهالی کرمان آرزوی حکومت او را دارند» [2] او در نخستین دولت مشروطه (کابینهٔ مشیرالدولهٔ نائینی) به وزارت علوم برگزیده شد(۱۳۲۴ قمری) وهم‌دراین سال برای اعلام سلطنت محمد علیشاه به دربار ایتالیا و اسپانیا رفت و در ۱۳۲۵ درکابینهٔ اتابك به‌وزارت عدلیه (دادگستری) منصوب شد ، هم درین

---

(۱) در کتاب سیاستگران قاجار تألیف خان ملك ساسانی صفحهٔ ۲۱۲ تا ۲۱۹ و کتاب بازیگر انقلاب شرق تألیف امیری صفحه ۱۵۸ تا صفحهٔ ۱۶۵ شمه‌ای از اقدامات علاءالملک در این زمینه شرح داده شده است.

(۲) صفحه ۴۱۸ تاریخ بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی

سال پس از عزل ظل‌السلطان از طرف محمد علیشاه با موافقت مجلس حکومت اصفهان به علاءالملک تفویض گردید.

پس از بمباران مجلس اقبال‌الدولهٔ کاشی حکومت اصفهان یافت و علاءالملک به طهران احضار شد و از طرف محمدعلیشاه به مأموریت فوق‌العاده عازم پایتخت روسیه گردید و در باز گشت محمدعلیشاه را از سازشی که برمبنای قرار داد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس نسبت به مسائل ایران حاصل شده بود مستحضر نمود و او را از اعتماد به‌روس‌ها برحذر داشت‌و به گشودن مجلس توصیه کرد ولی شاه نصایح او را نشنید، او مدتی شغلی نپذیرفت، در ۱۳۳۴ قمری (۱۲۹۵ شمسی) در کابینهٔ سپهدار تنکابنی وزیر دادگستری (عدلیه) شد و سرانجام درجمادی‌الثانی ۱۳۴۴ قمری (آذرماه ۱۳۰۴ خورشیدی) در گذشت و اکنون این نامه ها معرف شخصیت سیاسی و روح میهن‌خواهی و شاه دوستی ومعتقدات پاك مذهبی اوست وکمال صمیمیت وصداقت واحترام اورا نسبت به اتابك نیز نشان می‌دهد[1].

ابراهیم صفائی
شهریورماه ۱۳۴۷

---

(۱) در ذیل صفحات هر جاکه بایسته می‌نمود توضیح کوتاهی ازطرف مؤلف نوشته شد.

گزارشهای سیاسی

علاء الملک

Call No.......... Date....12 : 4 : 55....
Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

گزارش اول

این گزارش را علاء الملک در پاسخ تلگراف امین السلطان (اتابک) نوشته و ازمذاکرات خود با وزیر خارجهٔ دولت روسیه دربارهٔ قرارداد رویتر و دیگر مسائل مربوط به ایران مطالبی ذکر کرده است . متن گزارش به خط میرزا اسحق خان مستشار سفارت می باشد .

شیروخورشید

سفارت‌دولت علیهٔ ایران در پطرزبورغ[1]

نمرهٔ ۸۹ چهارم جمادی‌الاخری ۱۳۰۶

هو. تصدقت شوم، تلغراف بندگان اجل امجد عالی در باب قرارنامهٔ جدید «ریطر»[2]، در خصوص معادن و بانك و منسوخ و باطل نمودن قرارنامهٔ سابق او، شرف وصول ارزانی داشت. فردای همان روز وزیر امور خارجه «مسیو غرس» را ملاقات کرده تقریر نمود که دولت علیه به یك قسم خوبی الحمدلله‌تعالی از مسئولیت امتیازنامهٔ ریطر خلاص شد. چنانکه می‌دانید بواسطهٔ امتیازنامهٔ مزبور به‌ریطر اختیار نامحدودی در ایران از بابت راه‌آهن

---

۱ ــ مارك برجستهٔ سفید

۲ ــ در سال ۱۲۸۹ قمری‌امتیاز تأسیس خط‌آهن واستخراج معادن‌واگذار نشدهٔ ایران (بجز طلا و جواهر) وتأسیس بانك و نگاهداری‌آب‌ها و جنگل‌های ایران ضمن قراردادی که بوسیلهٔ میرزا حسینخان سپهسالار به امضاء رسید به «بارون ژولیوس رویتر» (Baron Julius de Reuter) تبعهٔ بریتانیا داده‌شد اما این‌قرارداد در اثر تحریکات دولت روس و مخالفت و قیامی‌که از طرف روحانیان ومخالفان سپهسالار در مراجعت‌شاه از اروپا برپاشد و بواسطهٔ بی‌میلی شاه عملی نگردید ولی رویتر همیشه اجراء قرارداد یا دریافت خسارات خود را می‌خواست، مدت این قرار داد هفتاد سال بود. قرارداد مزبور با سعی اتابك باطل شد وبه‌جای‌آن امتیاز تأسیس بانك شاهی واستخراج بعضی معادن به«جرج رویتر» فرزند ژولیوس رویتر داده‌شد (۱۳۰۶ قمری).

و معادن و آب‌ها و گمرك و غیره و غیره داده شده بود. اگر چه دولت علیه اجرای او را به دست آویزی مانع شد ولی همیشه مشارالیه در مقام مطالبه و اجرای آن امتیازنامه و دعوی حق خود بود و این دفعه پسرخود را به طهران فرستاده بتوسط سفارت انگلیس ادعای حقوق خود را می کرد و خیلی ممکن بود در آتیه ودر یك موقعی اسباب اشکالات و خسارت عمده برای دولت علیه بشود و این دفعه ازسه تکلیف یکی را به‌تقویت سفارت انگلیس می کرد؛ یکی اینکه یا دولت علیه بگذارد ریطر امتیازنامهٔ خودرا مجری بدارد و یا اینکه راضی به تغییر و تبدیل و اصلاح امتیازنامه قدیم بشود. سیم اینکه یا سه کرور خسارت او را بدهد، برای قطع وفصل دعاوی او بانکی که یك‌نفر انگلیسی در طهران باز کرده بود به‌شروط لازمه به‌اسم ریطر نمود(مخصوصا نخواست بگوید آن بانك بی‌مداخلهٔ دولت بود و این کارجدیداست وحالا به‌اسم دولت شده. اینجافرق این دوکار محسوس نیست آن بانك را کار گذشته می‌دانند منتها حالا به اسم ریطر شده) دیگر اینکه پارهٔ معادن غیر منکشفه را به ریطر اجاره داده است که‌کار کرده سالی در صد شانزده به‌دولت علیه بدهد وعمده تر این است که هیچگونه حق تقدم به ریطر نداده حالا دولت‌علیه مبسوط الید است به‌هر کس‌هر کاررا بخواهدبدهد مختار است وشارژدافر شماهم از این‌کار مطلع‌شده است.

مسیوغرس گفتند: من دراین باب اطلاع درست ندارم؛ اظهارعقیده‌نمی‌توانم بکنم‌ولی‌نمی‌دانم اگرعمل راه‌آهن‌سر گرفت بواسطهٔ زغال معدنی ممانعت ومماطله در کار کمپانی راه‌آهن نمی‌شود؟ جواب دادم که کمپانی زغال را که درهرصورت باید بخرد خواه از دولت، خواه ازملاك، خواه‌از اجاره دار، زغال معدن برای او یکی است؛ البته این ملاحظات را هم کرده اند.

«مسیوزناویف»[1] گفت شارژ دافر به ما نوشته بود ولیکن ننوشته بودکه عمل تمام است، گفتم: تمام شده؛ الحمدلله دولت علیه ازادعای ریطر خلاص‌شد. گفت:

1 ـ زناویف معاون وزارت خارجهٔ روسیه.

Kashmir University Library
Accession No.........

هیجده سال که ریطر این ادعا را کرده و می کند چه کرده است؟ گفتم: بقای دعوا خوب نیست دیر و زود می‌بایست قطع شود هرقدر زودتر وبهتر قطع بشود البته بهتر است .

گفت کار بزرگی است، بانك را به انگلیس‌ها دادن کار عمده است . گفتم حق‌اختصاص وتقدم داده نشده است دریك مملکت سیصد تا بانك می‌شود باز کرد چنانکه همه‌جا هست . روس‌هاهم بروند باز کنند این کار تجارتی است. باری همین قدرها (برای‌اینکه نگویند از آنها پنهان و بااتفاق انگلیس‌ها دولت علیه‌کارمی کند) اظهار کافی بود وهست چنانکه خود اولیای دولت علیه مکرر اظهار فرموده‌اند اینها امور داخلی‌است، رجوع به دول دوست همسایه حدی دارد .

ولی چنانکه تلغرافاً هم عرض کرده است این کارها مبارك و میمون است ولی بشرطها و شروطها ، درآن ممالکی که وضع ادارات دولتی ترتیب مخصوص دارد ومراقبت کافی وکلی درهرکار است ومکافات خدمت وخیانت بسختی منظور است. بانك‌و امتیازاتی که به‌تبعهٔ خارجه داده می‌شود گاهی منتج خطرها می شود ، امیدوار است که در جنب این خیالات حسنه «اندازه‌های با بنا هم [1]» اولیای دولت.علیه برداشته اند و کما فی‌السابق رهن املاك را غدغن [2] فرموده و سایر ملاحظات‌را به‌نظر آورده‌اند .انشاءالله تعالی در زیر سایهٔ سرکار اعلیحضرت اقدس شهریار همایونی روحی فداه و مربی اول دولت و ملت ایران به مبارکی و اقبال اسباب ثروت و قوت و افتخار این مملکت و ملت قدیمه حاصل خواهد بود . خداوند عزاسمه سایهٔ وجود مقدس همایونی را در سر جمیع رعایا و نوکر مستظل بدارد. این دعا از من واز خیل‌ملك آمین[3]باد، الامرالعالی مطاع .

محمودالطباطبائی

۱- مفهوم این جمله معلوم نشد . ۲ - در اصل سند «قدغن» ۳- دراصل سند «عامّین»

Call No. .... Date. 12. 4. 55....

Account No. ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

نمره ۸۹ — ۴ جمادی الاولی ۱۳۰۶

تلغراف [illegible] در باب قرارنامه جدید رویتر در خصوص معادن و بانک و منسوخ [illegible] — تصدیق شد

قرارنامه سابق را شرف وصول ارزانی داشت [illegible] وزیر امور خارجه [illegible] را ملاقات کرده تقریر نمود که دولت علیه

بیک قسم خوبی الحمدلله [illegible] از مسئولیت امتیازنامه رویتر خلاص شد چنانکه میدانید بواسطه امتیازنامه مزبور رویتر اختیار عمومی

در همه [illegible] ارباب راه‌آهن و معادن و [illegible] و گمرک و غیره و غیره مالک شده بود اگرچه دولت علیه اجرای او را [illegible]

منع شد ولی همیشه [illegible] درمقام مطالبه و اجرای آن امتیازنامه و دعوی حق خود بود و این دفعه [illegible]

سفارت انگلیس ادعای حقوق خود را میکرد و چنانکه ممکن بود در آتیه دور [illegible] اسباب [illegible]

برای دولت علیه بود و این دفعه از سه کیفیت [illegible] یا به تقویت سفارت انگلیس میکرد یا اینکه با دولت علیه [illegible]

امتیازنامه خود را اجرا بدارد و یا اینکه راضی به تغییر و تبدیل و اصلاح امتیازنامه قدیم بود [illegible]

[illegible] برای قطع و فصل دعاوی او با [illegible] انگلیس در طهران باز کرده بود [illegible]

(خصوصاً [illegible] آن بانک [illegible] دولتی بود و [illegible] جدید است [illegible]

[illegible] آن بانک [illegible] گذشته [illegible] رویتر شده.)

دیگر اینکه [illegible] معادن غیر [illegible] رویتر اجاره [illegible] از صد شانزده [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] حق تقدم به رویتر نداده [illegible] دولت علیه [illegible] هرکس [illegible]

[illegible] مطلع شده است [illegible] در این باب [illegible]

[illegible] راه‌آهن [illegible] راه‌آهن [illegible]

جواب [illegible] خواه از دولت خواه از [illegible] اجاره [illegible]

در عالی سعد الملک ... است البته این مطلب لو کرده اند میرزا نایب گفت شاه زده واقف بار نوشته بود ولیکن نوشته بود تمام است

گفتم تمام شد الحمدالله دولت علیه از اول این ربط خلاص شد گفت هر ساله در ربط این اوقات اگر ده هزار کند چه کرده است

گفتم تقاضای دعوا خوب نیست دیروز معلوم بود قطع شود هر قدر زودتر و بهتر قطع شود البته بهتر است گفت کار بزرگی است

بانک ها را با کمپانی ها کار بوده است گفتم حق اختصاص و تقدم داده نشده است در یک مملکت سی سال با بانک میشود باز کرد

چنانکه همه جا است روسها هم بروند باز کنند این کار ثبت است باری هیچ قدرها برای اینکه نکو سینه از آنها پنهان و با اتفاق

کمپانی دولت علیه کار میکنند اظهار کافی بود راست چنانکه هم اولیای دولت علیه مکرر اظهار فرموده اند ابدا امروز حاجت

رجوع به دول در تصاحب ... ضرری دارد

و اما چنانکه تلغرافا عرض کرده است انگلیسها را مبارک و میمون است ولی اینکه ... در آن مملکت وضع اولیای دولتی

ترتیب مخصوصی دارد و مراقبت کافی دقیق در هر کار است ملاحظات ... سیاسی منظور است بانک و امتیاز ...

به تبعه خارجه داده میشود که هیچ خطایی نشود امیدوار است در وجه این معاهدت حسنه اندازه ها با بنیان ولایی

دولت علیه برداشته اند و کلا مطابق روابط اتحاد کامل قوی فرموده و سایر مطلب را انجام آمده اند البته ...

در زیر سایه ... اعلیحضرت اقدس شهریاری همایون روحی فداه و مربی اقدس دولت ... ابعین ... اقبال اسباب

ثروت و قوت و افتخار این مملکت و ملت قدیمه حامی خواهد بود خداوند عمر همه ... سایه وجود مقدس همایون شو

در ترویج رعایا و فکر مستقلی برآورد این دعا از من و از خیر ... عالی بار الها ...

گزارش دوم

این گزارش را علاءالملك برای اتابك فرستاده و از امکان اعزام نمایندهٔ سیاسی ایران بهعشق‌آباد و موضوع بانك ایران و انگلیس و قتل یك نفر بابی از قول زناویف معاون وزارت خارجهٔ روسیه سخن رانده و متن گزارش به خط خود اوست .

هو، تصدقت شوم، دیشب درخانهٔ مسیو غرس وزیرخارجه مهمان بود بامسیوزناویف درباب مأمورعشق آباد صحبت می کرد گفت: اولاً به قونسول‌های دول خارجه در فرنگستان حق مداخله به امور و مرافعه‌جات نمی‌دهند، اگر مأموری هم درعشق آباد باشد وجودش مثل عدم است. قونسول‌ها فقط برای امور تجارت و رواج آنها است. ثانیاً در ولایت روسیه قاتل را حکماً تنبیه می کنند اگرچه سبب قتل مذهب و غیره باشد. ثالثاً حکومت آخال کلیهٔ تحقیقات لازمه را درباب قتل محمد رضای اصفهانی به عمل آورده است[1] و می آرد، لکن عمده چیزی که به این جانب گفت و مقصود عرض آن می‌باشد این است که می گفت ما منتظریم از اعلیحضرت همایونی چه برهان دوستی نسبت به دولت روس بروز خواهد کرد. با همهٔ تعهدات، در لندن پاره‌ای فصول قرارنامهٔ بانک را تغییر داده دولت انگلیس هم اجازهٔ بانک را داده است، ما خوب خبر داریم که اگر آن فصول را تغییر نمی‌دادند دولت انگلیس اجازهٔ باز نمودن بانک را نمی دادند، از طرفی وعده

---

۱ ـ در سال ۱۳۰۷ بین ایرانیان مسلمان و بابی مقیم عشق‌آباد نزاعی روی داد ویک بابی (بهائی) بنام محمد رضا اصفهانی کشته شد. دولت روسیه که علی رغم ایران از بهائی‌ها حمایت می‌کرد و همیشه برای ایران در صدد بهانه جوئی بود گروهی از ایرانیان را توقیف کرده آنان را به اعدام دسته جمعی تهدید می نمود، دولت ایران برای رهایی آنان دست به اقداماتی زد که این گزارش و نامهٔ پیوست آن تا حدی آن اقدامات را روشن می کند.

می کنند و از طرفی خلاف اوظاهر می‌شود .

بنده جواب داد که در این باب چون از کم و کیف خبر ندارم درست نمی‌توانم جواب بگویم ولی شنیده‌ام برعکس پاره‌ای امتیازات را پس گرفته‌اند، خوب شده نه بد مثل معادن مثلاً .

گفت بلی حق داده‌اند به دیگری اجاره بدهند، گفتم گویا به شرط رضا و تصدیق دولت علیه باشد .گفت هیچ شك نداریم که اگر پاره‌ای فصول‌را تصدیق و عوض نمی کردند کار بانك به‌هم‌خورده بود . حالاتمام ایران به دست انگلیس‌ها افتاد، این‌طور دعوی دوستی نمی‌شود .

دیگر نمی‌داند این‌طورراپورت‌ها را کی به‌اینها داده وافساد می کند؟ حقیقت ادارهٔ امور دولت علیه در چنین مواقع باریك با این اجزاء و مامورین حالیه خیلی مشکل‌است. مأمور دولت درخارجه باید مثل پیراهن تن‌دولت‌باشد، چگونه‌می‌باشد درمواقع‌عمده پاره‌کسانی مأمور وطرف اعتماد باشندکه نطفهٔ درست ندارند ؟ این قبیل اشخاص را دخیل کار نمودن ضررش بیشتر از حد تصور است . مسیو زناویف گفت حالا « دالقوروکی » هم معزول شد ، « بدسوف » که در یونان وزیر مختار بود به جای آن منصوب گردید برود ببینم چه علامت دوستی ظهور خواهند داد که ما بدانیم ایران با دولت روس دوست صدیق‌است نه با دیگران .

هنوز هم در امید آن هستند بلکه عمل بانك به‌هم بخورد یعنی این خیال هم را پاره‌ای از فضولین به اینها داده‌اند . بنده گفتم که چنین چیز به‌عقل بنده که محال می آید مگر علاجی باشد که بنده ندانم. مراتب را برای اطلاع خاطر مبارك لازم دید به عرض رساند .

تصدقت شوم دیشب در خانه مسیو غیرس وزیر خارجه مهمان بود

با مسیو زینوویف در باب مأمور عشق آباد صحبت میکرد گفت اولاً

بقونسولهای دول خارجه در ترکستان حق مداخله بامور و مرافعه جات نمیدهند

اگر مأموری در عشق آباد بفرستید بجهت رسیدگی تبعه است قونسولها فقط بکارهای تجارتی

و رواج انهاست ثانیاً در ورود دولت روسیه قاتل را بحکام تبعه میدهند

سبب قتل مذهب و شرع بشود ثالثاً حکومت اهل محکمه تحقیقات نمایند

در باب قتل محمد رضا اصفهانی بعد اطلاع است میتوان گفت عده جزئیه مجازات

گفت بعضی عرض‌حال‌ها این است بگفت ما منتظریم از اعلیحضرت

همایونی به راه افتی بدولت روس روز خواهد کرد

ما همه تعهدات در لندن باره فصول قرارنامه بانک انوندر

دولت انگلیس را اجازه بانک را داده است ما خوب خبر داریم

در اگر آن فصلها را تغییر نمیداده دولت انگلیس اجازه بانک را

ما نمیداده از طرف وعده میکشند از طرف خلاف اولی

بنده جواب داده در این باب خبر از کم و کیف خبر ندارم

جواب بگویم ولی شنیده ام بر عکس باره امتیازات را

خوب شده نه بد مشتعل دن مشغول گفت با حق داده اند

به بندگی اجازه بدانسته گفتم که شرط رضا و تصدیق دولت علیه عثمانی گفتند هیچ یک اقدام ننمایم

و اگر مادهٔ مفصول را تصدیق و خصوص نمی‌کردند که کار بانک بهم خورده بود

در این باب انگلیسها افتاد اینطور دعوی درست می‌شود

دیگر نمی‌دانند اینطور را این وقتها را که با شهامت و فساد می‌کنند حقیقت اداره امور

دولت علیه و چنین مواقع بانک مایل اجرا و مأمورین حالیه تحمل مشکلات دولت چگونه‌ها شده و در مواضع

مأمورین دولت و تجارت‌خانه باید مثل تراش از دولت خود نطفه و تربیت شده‌اند

عده‌ای ماده کسانی مأمور و طرف اعتماد باشند تصورات بی

این قبیل اشخاص را وحشت کامل و صدر بیشتر از حد تصورات

مسئول رأساً و تنها گفت حالا در الحقوق و کلاهم مسئول شده به حقوق دولتی

وزیر حتی ربطی به ایران منصوب کرده بود و به منشی هم به علاوه دولت

ظهور خواهند داد و باید بدانیم ایران با دولت روس و دولت

نه با دیگران اینطور راه داشته‌اند بلکه عهد بانک بهم بخورد

بعضی این خیالها را ماده از فضولی تنها داده‌اند بنده گفتم چنین خبر

یقین بنده در خیال نمی‌آید مگر عقب چشمی بنده ندانم مراتب را

لعل الطف خاطر مبارک لازم دید معروض رسانید

پیوست گزارش دوم

دستوری است به خط ناصرالدین شاه ، دربارهٔ اختلاف ایرانیان مسلمان و بابی مقیم عشق آباد به امین السلطان نوشته است .

جناب امین السلطان فقرهٔ بابیهٔ عشق آباد را خواندم[1] کار بسیار بد جوری است ، فوراً رقعه به وزیرمختار روسیه بنویسید و او را بخواهید همین امروز عصر یا فردا صبح یا عصر بیاید پیش شما و حسب الامر در این فقره با او حرف بزنید و روزنامهٔ قفقازیه را که نطق آن بابی پدر سوخته را نوشته‌اند به او بدهید وصریح بگوئید که اولاً این جماعت را شما نمی‌دانید که دشمن دین و دولت ایران هستند چرا در عشق آباد جمع کرده‌اند ؟ خواهش شاه این است که اینها را از آنجا بدوانید و هرکس به این اسم در آنجا بیاید و اقامت نماید راهش ندهید . اینها مثل نهلیست‌های[2] شما بلکه بدتر هستند اگر ما یك نفر نهلیست را بیاوریم در ایران و مهربانی بکنیم و نگاه بداریم و تبعهٔ خودمان بکنیم آیا شما راضی می‌شوید ؟ و خوشتان می‌آید ؟ بخصوص چیزی که در این روزنامه

---

۱ - ناصرالدین‌شاه در رسم‌الخط خود گاه‌واو معدوله را حذف می‌کرده، در اینجا هم«خواندم»را بصورت «خاندم» نوشته است .

۲ - نهلیست فرقه‌ای انقلابی درروسیه بودندکه هدفشان ازمیان برداشتن شئون اجتماعی و مبارزه با عقاید و رسوم دیرین بود .

نوشته‌اند که آنها خواهش رعیتی و تبعیت شما را خواسته‌اند ؛ اگر این فقره قبول بشود یك شورش بزرگی در ایران در میان تمام علما و ملت ایران خواهد شد که از آن بالاتر به تصور نیاید.

همین طورها خیلی سخت به وزیرمختار بگو و به همین مضامین هم تلگراف رمز به میرزا محمود خان بکن در پطرحرف بزند.

درباب مأمور ما به عشق‌آباد یا مرو هم با وزیرمختار حرف بزن و لزوم آن‌را حالی کن مطالبه بکند[۱].

---

۱ - تاریخ گزارش دوم و یادداشت شاه مطابق مندرجات هر دو سند مربوط به‌ماه‌های آخر سال ۱۳۰۷ق می‌باشد.

[illegible]

[illegible]

قصه با بنیه عشق اجالر بعد خانم کالری

معذرتی کی نوبرا رقعه به وزیر فنی

بیوک بیر وادیده - بکوئه یه [illegible]

عمر یا وداعی یا مکتوب بر بیلینه

و حضرت ایلده ایلی قصه با او حرف [illegible]

و روز نامه قفقاز یه شو و لطف

ال با بر [illegible] سلاملری [illegible]

و حسن البکوئه اعتقاد ایلی جمعیت [illegible]

[illegible]

Call No. .... Date 12.4.55....

Account No. ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. If The book is kept beyond that day.

گزارش سوم

این گزارش همراه با ترجمهٔ کتابچهٔ محرمانه‌ای است که« کلنل زالاطارف» دربارهٔ مناسبات ایران وروس و سازمان نظامی و بنیهٔ دفاعی و طرق سوق‌الجیشی ایران نوشته و در مجمع سران ارتش روسیه با حضور برادر امپراطور قرائت نموده و راه های حمله به ایران وطریق تصرف مناطق‌شمالی ایران را با پیش‌بینی‌های دقیق‌نظامی‌درآن طرح نموده‌است. مندرجات این‌سند ازنظرروابط سیاسی ایران و روس اهمیت بسیار دارد و قصد تجاوز دولت روس و تصرف مناطق شمالی ایران را آشکار می‌کند و نشان می‌دهدکه ناصرالدین‌شاه و اتابك باچه مشکلات خطرناکی روبرو بوده و چگونه در برابر آن دشواری‌ها مقاومت نموده‌اند و نیز مراقبت و کوشش علاءالملك در اطلاع از مذاکرات محرمانهٔ مجمع سران ارتش روسیه و به‌دست‌آوردن این گزارش مهم دلیل کمال وطنخواهی و هوشیاری اوست . متن گزارش وترجمه به خط میرزا اسحق‌خان می‌باشد .

شیروخورشید[1]

سفارت دولت علیهٔ ایران در پطرزبورغ .

نمرهٔ ۹۰، ۴جمادی‌الاخری ۱۳۰۶

هو ، سابق درضمن عریضه‌جات خود عرض کرده بود که کولونل زالاطارف در مجمع صنادید[2] لشکری و برادر اعلیحضرت امپراطور و سایر شاهزادگان کتابچه‌ای که در خصوص ایران نوشته بود خوانده‌است و اشاره از آن در روزنامه بود . بتوسطی فصول اهم آن را که به فرانسه ترجمه کرده بودند محرمانه به دست آورده ترجمه و در ضمن ارسال حضور نمود و شرحی هم خود نوشته به مأمور نظامی فرانسه، که این فصول را به دولت خود راپورت می کرد، داد که ضمیمهٔ راپورت خودکند . درفرنگستان نباید گذاشت که عقاید دول و حتی خود روس‌ها درباب ایران سست باشد . بازباید ابراز قوه و توانائی نمود ؛ از مضمون راپورت و عریضهٔ بنده مطلع خواهید بود . ولی اولیای دولت علیه که در مسند حراست و حفظ یك ملت قدیم و مملکت قویم متمکن شده‌اند و این بندگان خدا و شیعگان حضرت ختمی مآب که به امید آنها در بستر غفلت غنوده‌اندبه‌نظر انصاف باید بنگرند . اگر اینها را که دشمن‌ها انتشارمی‌دهند

---

۱ ـ مارك سفیدبرجسته .

۲ـ اصل «سنادید».

کذب است الحمدلله رب العالمین چه بهتر ، و اگر خدا نکرده راستی هم درضمن آنها هست برعهدهٔ تعصب و دیانت آنها است که یکدفعه زودتر در این عصر تنگ و مقام باریك و فرصت کم به اصلاح و تعمیر آنها بکوشند .

و نیزجسارت کرده عرض می کند چنانکه الآن در راه حضرت عبدالعظیم‌ص می‌بینید ماشینی است که لوکوموطیف می‌نامند تا پرکار است جمیع چرخ ها را کشیده می‌برد و به سلامت مراجعت می‌دهد ؛ هر دولت هم برای ادارهٔ مملکت یك لوکوموطیف روحانی وعلمی منظم وپرکار تا نداشته باشد همیشه اولیای دولت و تمام نفوس در زندگانی در تعب می‌شوند .

زورهای فوری وهجوم گاهی اموردولت را پیش‌می‌توانند ببرند ولی اینجور راه بردن مقصودرا حاصل نکرده همه را به‌رنج می آورد و لذت وتعیش و کبریایی آن خیلی کم می‌شود، چنانکه بمثل عرض می کند یك کالسکه را در سر همان راه جمعی زور داده براه انداختند چنان رفت که عنان اختیار دردست نماند و پیشانیش به کالسکهٔ دیگر خورد خودش خورد و سکنه‌اش را هلاك و شکست کرد ؛ مثل ممالك ودول هم با همسایه‌ها این طوراست: بی لوکوموطیف یاامور دولت پیشرفت ندارد یا چنان تند می‌رودکه موجب پشیمانی می گردد . دراین باب تا حال درایران پاره‌ای کتابچه‌ها از روی اوضاع فرنگ نوشته، فرستاده‌اندآنهاهم‌ناقص‌است. ملت ایران مسلم وشیعه است وخود شریعت دارد ؛ باید ترتیب آنجا مطابق شریعت بوده نه‌فرنگی‌مآبی،وپسند اهالی بشودکه نه به‌زور بلکه باتمام‌جان وسرهمه مطیع باشند. اگر حضرت اجل در این مقام‌ها بوده و عرایض بنده را مقرون‌به‌صلاح‌بشمارند اشاره فرمایند. کتابچه در این باب عرض نموده ارسال بدارد . الامرالاجل‌العالی مطاع .

محمود الطباطبائی

نمره ۸۰
۲۴ [illegible] ۱۳۰۶

سابق در مجلس [illegible] عرض کرده بود که [illegible] از اطراف در مجلس [illegible]
لشکری و [illegible] حضرت امپراطور و سایر شاهزادگان کتابچه در خصوص
ایمنی نوشته بود خوانده است و اشاره از آن در روزنامه بود بعضی فصول
لازم آن را ایلچی انگلیس ترجمه کرده بودند محرمانه بدست آورده در مجلس ارسال
حضور مبارک نمود [illegible] نوشته [illegible] این فصول [illegible] دولت
[illegible] می‌کند [illegible] در [illegible] ترکستان [illegible]
عقاید [illegible] در باب ایمنی [illegible] باید
ابراز قوه و توانایی نمود از مضمون [illegible] خواهید
ولی اولیای دولت علیه [illegible] خطی [illegible] قدیم و
مملکت قدیم [illegible] شده و این بندگان [illegible] حضرت
[illegible] آنها در بستر غفلت غنوده که [illegible] باید
بکنند اگر اینها را دشمنها [illegible] رسیده [illegible] الحمد لله
رب العالمین چه بهتر و اگر [illegible] در مجلس [illegible]
[illegible] تعصب و دیانت [illegible] در این عصر

تنگ است بعضی‌ها هم درست کم با صلح و تعمیر آنها جور شده

دیگر جسارت کرده عرض می‌کند چنانکه اطفال در راه حضرت عبدالعظیم همه می‌بینید

ماشینی است که لوکوموطیف می‌نامند تا پرکارات جمیع چرخ‌ها را کشیده می‌برد

و بعد از مرحمت سیرها [illegible] هم بعضی اداره مملکت [illegible] لوکوموطیف

روحانی و علمی منتظم و بر کار [illegible] تا هزار نفر سوار باشد همیشه اهلی دولت و تمام نفوس در

زندگانی در تعجب بشوند نقدهای ضروری و هجوم کاری امور دولت [illegible]

می‌توانند ببرند ولی این‌جور راه بعضی معتمدین [illegible] [illegible] بیاورد

و لذت و تعیش دیگر باید از آن خیال‌ها هم شود چنانکه بعضی عرض می‌کنند [illegible]

کالسکه‌ای که در سر همان راه جمعی زور دادم برای اینکه [illegible] زمانی رفت

عنان اختیار در دست ندارند و بیش از پیش کالسکه [illegible] خرد و خورد [illegible] وجود

شکسته [illegible] هلاک و شکست کلی [illegible] حال هم [illegible] بیا

انتظار است به لوکوموطیف یا امور دولت پیش رفته [illegible] یا جای آن [illegible]

سیر [illegible] موجب پشیمانی می‌گردد

در این باب تا حال در بعضی بلاد که بچه‌ها از روی [illegible] فرنگ نوشته

و ترجمه کرده‌اند آنها هم ناقص است ملت [illegible] و شعبات [illegible]

[illegible] دارد به ترتیب آنها مطابق شریعت [illegible] تا به

[illegible] این‌ها [illegible] با تمام [illegible] باشند

اگر حضرت اقدس در تحقیق مطالب چیزی شده که مقرون بصلاح

بدانند اشاره فرمایند کتابچه در این باب عرض نموده ارسال میشود [illegible]

محمد الطباطبائی

Call No. ۷۹۸۰۴۱۳ ۵۹۱۴ Date 12.4.55

Account No. ~~[illegible]~~

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

پیوست گزارش سوم

گزارش کلنل زالاطاروف در مجمع سالیانهٔ ارتش روسیه

قشون ایران:

قشون ایران مرکب است اولاً از عساکر منظمه که از اول قرن حالیه نواب عباس میرزا معمول داشت؛ ثانیاً از عساکر دائمی که بعضی ایالت‌های مملکت می‌دهند؛ ثالثاً از عساکر میلیس[1] که عبارت از عساکر موقتی باشد که در وقت جنگ موقتاً از قبایل صحرانشین گرفته می‌شود. قشون میلیس ازجمله قرارداد معمول قدیم ایران است. اگر چه دولت ایران از مخارج قشونی مضایقه ندارد و اهالی ایران خیلی قابل و مستعد خدمات نظامی هستند با وجود این مساعی موفورهٔ عباس میرزا که می‌خواست قشون ایران را به وضع قشون فرنگستان بیندازد نتیجه نداده وقشون حالیهٔ ایران خیلی پست‌تر از قشون قدیم آنجا است که در جنگ خراسان در زیرفرمان عباس میرزا، در یك حمله شورشی راکه فتحعلی‌شاه سی وپنج‌سال بود نمی‌توانست ساکت بکند، معدوم کرد.

نصف عواید ایران مخارج قشون آنجا می‌شود. در سال ۱۸۷۷[2] مخارج نظامی به سیزده ملیون منات رسیده بود و حال آنکه جمیع عواید ایران بیست‌وپنج

۱- میلیس (Milice) چریك و ارتش‌ملی.

۲ ـ ۱۲۹۴ قمری مطابق ۱۲۵۶/۱۲۵۵ شمسی.

ملیون است . دولت ایران برای نگاهداری قشون خود بالنسبه بـه دول فرنگستان زیادتر ازهمه خرج می کند (ولی چه جورها این مبلغ را خرج می کنند؟). چندین مرتبه دولت ایران برای‌تربیت قشون خود به صاحب‌منصبان فرنگستان رجوع کرده ولی از آنها حاصل و بهرهٔ زیادی برنداشته‌است. حالا هم در ایران جمعیت قلیلی از صاحب منصبان فـرنگی هستندکه از جمله آنها چند نفر روس مشغول تربیت و تعلیم برگاد قزاق ها هستند .

چندی قبل دولت ایران از صاحب‌منصبان ایرانی خود نیز به خارجه فرستاد که علم‌نظام و تاکتیک[۱] فرنگستان را یادگرفته مراجعت به وطن نموده به‌قشون آنجا تربیت بدهند ؛ این فقره هم نتیجه نبخشید زیرا که صاحب منصبان ایرانی که غالباً به فرانسه فرستاده می‌شدند درمراجعت غیراز زبان فرانسه چیزی یاد نگرفته بودند. علمای فن نظام، که قشون ایران را برأی العین دیده و کمال معرفت در حق آنها به‌هم رسانیده‌اند ، می‌گویند که قشون مزبور دارای جمیع خصایص سربازان خوب می‌باشند . درسنهٔ ۱۸۱۷ «یرمولوف» می‌گفت که سربازان ایران خیلی‌تاب خستگی را دارند ، کم‌خوراك و راه‌رو می‌باشند. « بلدنبرق» نام سرهنگ روسی که از سال ۱۸۳۷ تا سال ۱۸۴۰ در طهران اقامت داشت اقرار داشت که سرباز دهاتی ایران بـا کمـال میل بـه خدمت نظامی داخل شده و لبـاس سربـازی می‌پوشند و دارای جمیع خصایص‌لازمه به سرباز خوب می‌باشند؛ با بنیه وعادی به خستگی وزیرك و کم خوراك و سرباز خیلی اعلی هستند .

«جنرال فرانکلن» که معرفت کامل در حق ایران حالیه دارد در سال ۱۸۷۷ می‌گفت که کلیهٔ سرباز ایران و بخصوصه آنهائی که از ایالت های ترك هستند دارای‌جمیع خصایص سربازی از حیثیت خلقت وطبیعت بوده ومتحمل به خستگی و طی‌مسافت زیاد می‌باشند؛ وقطع نظر ازاین خصایص کم خوراك و قانـع و با هوش و تیرانداز خوب می‌باشند ؛ در جای دیگر می گوید سرباز قابلیت دارد که مثل«سالدات» خوب فرنگستان باشد ولی بدبختانه نه پوشاك دارند و نه خوراك و

۱ - در اصل، تاکتك .

رؤسای آنها از هرجهت مکروه می‌باشند.

عیب بزرگ قشون ایران دو چیز است یکی وضع سرباز گیری و دیگری درتعلیم وتربیت آنها، مادامی که در این دو باب عمده تغییرات کلیه داده نشود جمیع مساعی شاه و مخارج زیاد دولت بی‌بهره خواهد شد. سربازگیری در ایران به‌موجب قدر مالیات می‌باشد نه به اندازهٔ جمعیت، هرملکی که سالی از ۲۵ تا ۴۸ منات مالیات می‌دهد باید یك سربازبدهد و چون مالیات ایالت‌ها معین است و اگر درسکنهٔ ایالتی‌تغییری بشود در مالیات توفیری نمی‌شود. پس خدمت نظامی آنجا از روی جمعیت و سکنه نیست. سکنهٔ شهرهای بزرگ مالیات وسرباز نمی‌دهند و جمعی هم از قبایل صحرا نشین از سربازی‌معاف هستند. بار سنگین خدمت نظامی به گردن سکنهٔ زارع یعنی آنهائی که بازویشان در فلاحت لازم است می‌باشد؛ این یکی هم قرار معتدلی ندارد؛ گاهی از محالاتی‌که فرضاً یك هزار و هشتصد نفر جمعیت دارد چهل و سه نفر سرباز می‌گیرند و در محالات دیگر که هفتصد نفرسکنه دارد سی و سه نفر می‌گیرند علاوه براین هیچگونه قراری در سن و اندازهٔ قوای طبیعی ومدت خدمت سربازان نیست چنانکه در میان قشون جوانان شانزده ساله را می‌بینی که در پهلوی پیران شصت ساله ایستاده وسربازان ضعیف و لاغر با سربازان قوی و تنومند در یك صف می‌باشند؛ همچنین در میان آنها بعضی هستند که یك سال است خدمت می‌کنند و بعضی دیگر که در سربازی پیر شده‌اند.

سوای ازاین‌هرسربازمی‌تواند پول داده کسی دیگر را به‌جای خود معین کند و رئیس هر فوج به اختیار خود می‌تواند عدد سربازان فوج را زیاد یا کم کند. این تفصیلات باعث بی‌نظمی تمام برای سرباز گرفتن می‌شود. انتخاب و تعیین صاحب منصب از سربازگرفتن هم بی‌قاعده‌تر است زیرا که صاحب منصب‌ها لازم نیست که اطلاعات از علم نظامی داشته باشند و گاهی هم اتفاق می‌افتد که صاحب منصب خواندن ونوشتن را هم بلد نیست. از قراری که فرانکلین می‌گوید صاحب منصبی را که مشق و حرکت اسلحه را بداند وبتواند به دو سه دسته قشون

فرمان بدهد عالم می‌دانند؛ این‌جور صاحب منصبان هم خیلی کم اند . با واسطه و با پول شغل‌ها و درجه های عمده تحصیل می‌شود . هر سرتیپی حق‌دارد به‌هر کس بخواهد ازو کیلی تا سلطانی درجه و منصب بدهد و غالباً سرباز هاخودشان کسی را معین می کنند بعد سرتیپ او را تصدیق و به‌منصب مأمول معین‌می کند .

از درجهٔ سلطانی گرفته تا درجهٔ سرتیپی وزیر جنگ می دهد و سرتیپی را خود شاه می دهد ، وضع سرتیپ ها خیلی غریب و منصبشان ثبات ندارد؛ در سال ۱۸۷۷ فیروز میرزا عموی شاه [1] پنجاه هزار منات داد وریاست سه باطالیون [2] را گرفت ولی سه ماه نگذشت که اورا معزول کردند و کسی دیگر که یقینا وجه جدیدی داده بود به‌جای‌او معین شد .[3]

در ایران دو مکتب نظامی هست ولی پروگرام [4] (قواعد تحصیل و تربیت) آنها منظم نیست و حقوق شاگرد ها بعد از بیرون آمدن ازآنجا معلوم نیست .

چنانکه در مکتب‌حربی که پسرهای معتبرین‌مملکت در آنجاتحصیل می کنند شاگردان مرتبهٔ اول وقتی که بیرون می‌آیند درجهٔ سرهنگی دارند و از مکتب دارالفنون تاسال ۱۸۷۷ یك نفرصاحب منصب بیرون نیامده بود . به‌خدمات شخصی و عالم بودن به خدمات نظامی و غیرت در قشون ایران وقعی نمی‌گذارند [5] همه چیز در زیرسررشوه‌هائی‌است که صاحب منصب به رئیس‌خود می‌دهد .

چون بواسطهٔ پول مدارج و مناصب عالیه تحصیل می شود همه‌کس طالب است به‌هر وسیله که ممکن باشد تحصیل جاه و شأن و درجه نماید. بخصوص که

---

۱ - نصرت الدوله فیروز میرزا فرزند عباس میرزا (پدر عبدالحسین‌فرمانفرما).

۲ - Batailion گردان.

۳ - شاید این تغییر را بی‌کفایتی فیروز میرزا ایجاب می‌کرده است .

۴ - در اصل « پروغرام » نوشته شده است .

۵ - این موضوع کلیت نداشته وچه بسیار افسران و سربازان‌که بواسطهٔ خدمت و رشادت خود ترقی کرده و تشویق های زیاد دیده اند .

بواسطهٔ پول از همه قسم تنبیه ومؤاخذه می‌توان معاف شد .

از این بابت صاحب منصب‌ها مواجب سربازهارا نمی‌دهند و برای حصول این مقصود آنها را مرخص‌خانه می کنند و رؤسای با طالیون‌ها ازسربازان مرخص خانه تعارف هم می گیرند . خزانه دو ده یك ازمواجب ها برمی‌دارد؛ خزانه دارها هم مبلغی برای خودشان موضوع می کنند ، گاهی می‌شود که رؤسای افواج در وقت دادن جیره ومواجب به‌همدیگر سرباز عاریه می‌دهند تا اینکه جیره ومواجب فوج را تمام بگیرند . هرگاه رئیس باطالیون صاحب ملك است سربازهارا از ملك خود می گیرد و مواجب آنها را با جنس و غیره به‌هر قسمی که دلش می‌خواهد می‌دهد و سربازهارا می‌فرستد که محصولات خود را فروخته به‌او مالیات بدهند و اومواجب آنهارا به‌جیب خود می گذارد .

بااین وضع حالت‌سربازهای ایران را خوب می‌توان فهمید . آیا بااین‌حالت ممکن است که نظمی و قراری در آنها باشد ؟

سرباز ایران در رئیس خود حمایت و مواظبت به استراحت و آسودگی خود نمی‌بیند بلکه می‌داند رئیس اوعبارت از کسی است که هر چه بخواهد در حق او می کند و هر چه مالك است رئیس می‌تواند بدون اینکه کسی از او حق سؤال و جواب داشته باشد از دست او بگیرد . لهذا در میان لشکر ایران اغتشاش و شورش هم غالباً اتفاق می‌افتد . فرانکلین نقل می کند در این اواخر در پیش چشم شاه دو فوج که ازدست رؤسای خود به‌جان آمده بودند صاحب منصب های خودشان را کتک[1] کاری‌کامل کرده و آنها را از میان خودشان بیرون کردند و آن‌قدر اصرار کردند تا اینکه صاحب منصب های دیگر به‌جای آنها معین شدند . دراین‌صورت تعلیمات نظامی چه می‌تواند بشود ؟

صاحب منصب ها جرأت ندارند به سربازان که پوشاك و خوراك و کفش ندارند تعلیم بدهند. به سربازها هروقت که هواخوش‌است هفته‌ای پنج دفعه تعلیم و

۱ ــ دراصل ؛کوتك .

مشق داده می‌شود و مدت تعلیم هر دفعه بیشتر از دو ساعت نیست و مقصود اصلی از تعلیم سرباز این است که بتواند در حضور شاه دفیله بکند. ادارهٔ منظمی برای آذوقه و پوشاك قشون معین نیست. سرباز حق دارد یك دست لباس تابستانی و یك‌دست لباس زمستانی بگیرد که روی هم‌رفته این دو لباس چهارده منات[1] قیمت دارد و سالی از چهل و دوتا شصت منات جیره می‌گیرد. از این مبلغ پانزده منات برای نان است (روزی سه گروانکه[2] و نیم) با تتمهٔ وجه سرباز باید خوراك و پوشاك و کفش و غیره خود را فراهم کند ولی این تتمه تا اینکه به‌دست سرباز برسد خیلی از او کاسته شده است. این است که سرباز ایران همیشه چرك و با لباس کهنه وپاره ملبس و با نان خالی زندگی می کنند.

در صحرا قشون ایران به طایفهٔ «فیوج»[3] شبیه است و هنگام شب به بازار بی نظم، و دلیل‌اینکه هرفوج را بعد از یك‌سال خدمت در ساخلو وغیره یك سال مرخص خانه می کنند. یقیناً این است که رفته در خانه های خودشان از چیزهایی که محروم بودند از قبیل پوشاك و خوراك خوب و غیره بهره‌مند باشند. عساکر منظمهٔ ایران مرکب هستند از پیاده و توپخانه و سواره. پیاده نظام افواج جداگانه دارد که مرکب از هشت تا ده دسته می‌باشند. هردسته صد نفر است و هر دسته مرکب‌از دو رسد و هر رسد مرکب از دو بهره می‌باشد.

پیاده نظام روی هم هفتاد و هفت باطالیون است که مرکب از شصت و سه هزار و نهصد وپنجاه نفر می‌باشد. درسال ۱۸۷۷ شانزده باطالیون مرخص نمودند و شصت ویك باطالیون باقی‌ماند که در دفترآنها را پنجاه و دوهزار نفر شمرده‌اند و دولت به آنها جیره و مواجب می‌دهد ولی در حقیقت نصف این جمعیت در زیر اسلحه نیست. نه عشر پیاده نظام از طوایف ترك هستند که تقریباً همهٔ

---

۱ ــ قریب هفت تومان

۲ ــ گروانکه واحد وزن روسی،قریب چهارصد گرم.

۳ ــ از تیره‌های ترکمن روس.

ایشان غیر از جمع قلیلی از یك نژاد می‌باشند در سال ۱۸۷۷ چهارده باطالیون باتفنگ‌های‌شنایدیرویك باطالیون باتفنگ‌های‌شاسپو وسایرین‌باتفنگ‌های قدیم‌مسلح بودند .

اغلب تفنگ‌هائی که دولت ایران خریده‌است یااز تفنگ‌هایی هستند که تغییر داده و تعمیر کرده‌اند و یا از تفنگ‌های بد می‌باشند . این اسلحه را خیلی بدنگاه می‌دارند و سربازها تیر اندازی یاد نگرفته‌اند .

سوارهٔ منظم فی الحقیقه مرکب از دو برگاد قزاق است [1] که صاحب منصبان روس به‌آنها تعلیم می‌دهند اماتوپخانه، نظم و ترتیب اوخیلی غریب است توپچی‌ها و اسب ها و توپ ها از هم بالکلیه دورند . توپچی‌ها که مثل سربازها از دهات گرفته می‌شوند باطالیون‌های‌دویست‌وپنجاه نفری ترکیب می کنند تاکتیك[2] توپخانه تنها عبارت از این فقره است .

جمیع‌توپها در دو جبه‌خانه‌های[3] طهران و تبریز می‌باشد و اسب ها به‌ادارهٔ مخصوص موسوم به طویلهٔ توپخانه سپرده شده اند . این اداره در تحت ریاست وزارت جنگ است و برای قناعت این طویله ها را به ایالت‌های مملکت قسمت نموده اند . اسب ها اغلب اخته هستند و آموخته نیستند و برای توپ ها کفایت ندارند .

توپ هایی که با آنها مشق می کنند عبارت از توپ‌های کهنهٔ مهره دار می‌باشند‌وعدد تیروگلوله وغیره بقدرعدداسلحه می‌باشد(زیرا که می‌ترسند بدزدند). وتوپچی‌ها در وقت‌جنگ و لزوم نمی توانند اینهارا به‌کارببرند [4]. همه چیز چنانچه «کلونبتسکی» که درسال ۱۸۸۳[5] در طهران توپخانهٔ ایران را دیده است می گوید

---

۱ ــ تیپ (Brigade)   ۲ـ دراصل ، تاکتیک ۳ ــ اسلحه‌خانه .

۴ ــ بعضی از این قضاوت ها جنبهٔ تحقیر دارد و خالی از اغراق نیست و دور از حد باور می‌باشد .   ۵ ــ ۱۳۰۰ قمری .

از برای نما است و تعلیم توپچی‌ها عبارت از حرکت بازو و سایر اعضای بدن و صداهایی که هیچ‌کس نمی‌فهمد ، می‌باشد .

آلات حرب توپخانه خیلی بد می‌باشد . بیشتراز هزار توپ هست ولی در میان آنها همین صدتا در موقع جنگ می‌توانند کار بکنند که از جملهٔ آنها تنها سی وچهارتا در فرنگستان ساخته شده‌است . توپ‌هایی که در جبه‌خانهٔ طهران و تبریز ساخته شده بسیار بد و محتاج تعمیر هستند و جبه‌خانه‌ها فقط آلتی برای جلب پول خزانه می‌باشند. «کلونبطسکی» می‌گوید که جبه‌خانه‌ها در خیال توپ نیستند بلکه مجسمه و کالسکه وظروف می‌سازند وخیلی نادر از اسلحهٔ بسیار بد هم می‌سازند و برای مشتبه‌کردن شاه و مدلل کردن به ایشان که دستگاه و کارخانجات ایران کم‌تر از کارخانجات‌فرنگستان نیستند از روی‌نمونهٔ هر اسبابی که از فرنگستان به‌ایران می‌آید مثل او را که صورةً خیلی شبیه ولی باطناً خیلی پست‌تراست درست می‌کنند .

اما در باب ساختن توپ هیچ‌گونه تحقیق وغوری نیست. اندازه و ضمانت توپ‌هائی که از یك‌جور هستند خیلی مختلف می‌باشند .

فرانکلین‌نقل می‌کند که یك ماه قبل شاه خواست جبه‌خانهٔ طهران را سرکشی نماید وخواستند به‌شاه چندتا توپ خانه‌دار که وزیرجنگ مدعی بود که در جبه‌خانهٔ طهران‌هم می‌توانند بسازند نشان بدهند ؛ سی‌عراده توپ نه پوند تا روز معین حاضر کرده و در موقع خود به شاه نشان دادند و شاه از وزیرجنگ خیلی خوشدل شده اظهار تشکر کرد ولی این توپ‌ها آنقدر با عجله ساخته شده وخانه‌دارگشته بود که وقتی خواستند تیراندازی بکنند هیچ‌گلوله داخل آنها نشده و مجبور شدند تغییر بدهند .

قنداق توپ‌ها ضایع ودر روزجنگ به‌کار نمی‌آیند؛ چنانکه هنگام مراجعت شاه از فرنگستان در انزلی خواستند توپ‌هارا شنلك بکنند به مقصود نایل نشدند. جلو توپ‌ها بدتراز قنداقشان است(!) صندوق وقورخانه به شرح ایضاً .

اینها تقریرات کلونبطسکی است که در طهران توپ‌های خوب را که در مد

نظرشاه‌است دیده‌است. گلوله و باروت وغیره و غیره وجود ندارد و اگر هم هست خیلی کم است و در قورخانه‌ها هستند.

آلات واسباب توپ غیر ازسنبهٔ توپ پاك کن وجود ندارد واز برای آموختن ترتیب وترکیب یك باطری قاعده وقانون منظمی ندارند ؛ همهٔ اینها به‌موقع جنگ گذاشته شده‌است. عساکر غیرمنتظمه مرکب‌است از پیاده وسواره‌که خیلی تفاوت از همدیگر درعدد و در اهمیت دارند. پیادهٔ غیرمنتظمه از ایالات گیلان و مازندران وخراسان وبلوچستان می‌باشد ومرکب از دسته‌های پنجاه تا صد نفری هستندکه در ولایات خود باید خدمت‌کنند وعدد آنها در جای خودشان تا چهار هزار می‌تواند بالغ بشود.

سوارهٔ غیرمنتظم خیلی اهمیت دارد و منقسم است به‌سوارهٔ دائمی‌که بعضی طوایف باید بدهند ؛ عدد آنها از بیست تا بیست پنج هزار می‌رسد و به دسته‌های مرکب ازدویست وپنجاه الی سیصد نفرمنقسم می‌باشند. سواره‌ای‌که دولت ایران می‌تواند امید خیرداشته باشد همین‌هااست و به سوارهٔ موقتی‌که طوایف صحرانشین در وقت‌جنگ باید بدهند. عدد این سوارها ازصدوپنجاه تادویست هزار نفرمی‌رسد ولی احتمال داردکه در وقت لزوم همین هفتاد وهشتاد هزارنفر بتوانند جمع نمایند. این‌هم درصورتی است‌که طوایف مزبور قایل به جنگ باشند.

از قراری‌که فرانکلین می‌گوید این سوارها مثل «باش بوزوك»های عثمانی هستند[1].

درایران قشون مهندس‌نیست وقاعده وقراری برای ازدیاد عدد قشون در وقت جنگ وقانونی به حاضرکردن قشون فوراً به جهة جنگ ندارند.

ردیف«لشکراحتیاط» هم در ایران‌نیست وهرگاه بخواهند عدد لشکر را زیاد کنند باید سربازان جدید بگیرند. در وقت جنگ آخری روس و عثمانی که شاه مصمم شد بیطرف بماند ولی در ضمن مسلح شده و به روسیه مساعدت نشان بدهد

۱- گروهی از سواران محلی عثمانی.

قرار شد که دو اردو قشون یکی در کرمانشاهان و دیگری در خوی منعقد بشود. اردوی کرمانشاهان مرکب بود از هشت باطالیون وسه اسکادرون [۱] و بیست و شش عراده توپ، و اردوی خوی مرکب بود از چهار باطالیون وهفت اسکادرون وبیست دو عراده توپ.

در میان همهٔ این توپ‌ها که روی هم رفته چهل و هشت عراده بود هشت عراده توپ خاندار چهار پوند ونیم بود با وجود این استعمال آنها امکان نداشت زیرا که از طهران گلوله و غیره را سهو کرده برای توپ‌های شش پوندی فرستاده بودند. از قراری که فرانکلین می‌گوید سربازان مسلح بودند از تفنگ‌های کهنه وقدیم که بعضی از آنها خاندار وبعضی غیر خاندار و چخماقدار [۲] بودند.

دوماه بعد از انعقاد اردوی خوی مقرر شدکه به سربازان آنجا از تفنگ‌های شنایدیر که در جبه‌خانهٔ تبریز انبار کرده بودند بدهند. تفنگ‌ها را فرستادند و مقرر شد که معلمی از طهران آمده به سربازان استعمال تفنگ جدید را یاد بدهد ولی تا پائیز سال مزبور که اردو مرخص شد معلم از طهران نرسید.

مراودات روس با ایران

جنگ سال ۲۸ - ۱۸۲۶ - آخرین مخاصمهٔ روس با ایران شد. بعد از این جنگ نفوذ روس روز بروز در طهران زیادتر شد. وسواس و حیلهٔ انگلیس‌ها تا امروز نتوانسته است در میان دولتین مزبورتین برودت و نفاقی بیندازد. عهد نامهٔ ترکمن چای [۳] نه تنها فصول عهدنامهٔ گلستان را تصدیق ومحکم نمود بلکه خانات نخجوان وایروان را هم به روسیه واگذار کرد.

۱- یك گردان سواره‌نظام (Escadron)

۲- در اصل «چاقماق» نوشته شده‌است.

۳- عهدنامهٔ ترکمن‌چای ۱۵ سال پس از عهدنامهٔ گلستان در پنجم شعبان ۱۲۴۳ بین دولت ایران و روس به‌امضاء رسید.

در سنهٔ ۱۸۳۵[1] وقتی که محمدشاه به هرات قشون کشید ازصاحب منصب‌های روس در اردو بودند و بعضی از آنها مثل «بلارمبرك» به لشکر ایران راهنمایی در اقدامات جنگی می کردند.

درسال ۱۸۴۱ دولت‌ایران جزیرهٔ عاشوراده را به‌ما تسلیم کرد که آنجا را نقطهٔ نظامی بحری خود قرار بدهیم[2]. در سال ۱۸۴۷ در تحدید حدود ایران و عثمانی که از جانب دولتین انگلیس و روس‌هم مأمور معین شد؛ «چیریکوف» نام سرهنگ روس صرفه وطرف ایران را ملاحظه نموده در مقابل سرهنگ انگلیسی «ویلیام» نام که مصالح عثمانی را حامی بود اقدامات بکار برد[3].

در سنهٔ ۱۸۵۴ ایران خواست به ما مساعدت نشان داده به بغداد حمله مانندی بکند. در سنهٔ ۱۸۷۷ شاه امر کرد دو اردو در سرحد عثمانی منعقد شود. وسوسه و حیلهٔ انگلیس‌ها که می‌خواستند ایران تراکمهٔ مرو را به تحت حمایت خود برداشته ونگذارد که آن سامان جزو خاك روسیه باشد ثمری نبخشید ودر فصل نهم عهدنامهٔ سال ۱۸۸۱ دولت ایران متعهد شد که نگذارد اسلحه به خاك تراکمه عبور داده‌شود[4]. حالا نفوذ روس در ایران به نفوذ دیگران غلبه دارد و شاه ظاهراً به

۱- ۱۲۵۳ قمری.

۲- بطوری‌که درنامهٔ اتابك به لردسالیزبوری نوشته‌شده نخست روس‌ها از حاج میرزا آقاسی اذن ساختن یك‌گورستان برای ملوانان‌خود در جزیرهٔ عاشوراده گرفتند. سپس به‌این بهانه عاشوراده را تصرف نظامی نمودند (اصل ومتن نامهٔ اتابك در صفحهٔ ۴۴۹ تا ۴۶۶ کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه. چاپ شده‌است).

۳- مقصود قرارداد ارزنةالروم است‌که در جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ قمری تنظیم‌گردید. نمایندهٔ‌انگلیس، کلنل‌ویلیامز» بوده‌است به‌اتفاق «میجرفرانت»و«رابرت‌کرزن» ونمایندهٔ روس سرهنگ چیریکوف و«سرهنگ دنیز»

۴-در سال ۱۸۸۱(۱۲۹۸ قمری) مرزایران و روس‌در ترکمان‌تحدیدحدودشد و رود اترك سرحدطرفین‌تعیین‌گردید و دولت‌ایران متعهد شدکه نگذارداسلحه ازخاك‌ایران برای‌ترکمن‌های تبعهٔ روس‌فرستاده‌شود. دولت روس هم متقابلا همین تعهد را در بارهٔ‌ترکمن‌های‌ایران نموده‌بود.

هیچ‌وجه خیال استعمال اسلحه با ما ندارد. نفوذ انگلیس هم در طهران بلاشك خیلی است ولی از قراری که حوادث اخری نشان می‌دهد به آن درجه نیست که بتواند به‌نفوذ روس صدمه برساند ودلیل این واضح است زیرا که قوه واقتدار روس در آسیا نسبت به‌اقتدار انگلیس که رقیب روس‌ها است خیلی زیاد است. وخطری که از طرف ایشان می‌تواند به دولت ایران برسد چندان بزرگ نیست واین فقره به‌زیادتی نفوذ روس خیلی مساعدت دارد.

انگلیس از پایتخت ایران وهم چنین از سرحد آن دور است ولی روسیه در یك مسافت متجاوز از هزار کیلومطر محیط‌ایران است وطهران در ده منزلی دریای «حاجی ترخان» ما واقع است. روس‌ها همیشه به ایرانی‌ها غالب بوده‌اند ولی انگلیس‌ها تنها یك دفعه در ۱۸۵۴ به‌ایران غالب شدند [1] و نتیجه زیادی از آن برنداشتند. به‌انگلیس‌ها چند دفعه افغان‌هاهم غالب‌شدند ولی روس‌ها تقریباً بدون زحمت تراکمه‌راکه مایهٔ وحشت واضطراب ایران بود به‌زیر اطاعت درآوردند.

در وضع وبیان عملیات جنگی در موقعی که روس در ایران دعوا نماید.

خیلی مشکل به نظر می‌آید که ایران بتواند دوام نموده ولشکر ما را درطرف جنوب خط جنگ به اشتغال عملیات‌جنگ مجبورنماید. خط خانقین و کرمانشاهان و همدان وطهران در مغرب وخط طهران و شاهرود و بوشهر و خاف در مشرق، جمیع قطعهٔ واقعه در شمال این خط نه تنها عبارت است از اینکه نقاط حاصلخیز وآباد مملکت ایران است و دولت استعداد وقوای‌جنگی خود را از آنجاها تحصیل می‌کند بلکه مهم‌ترین جاهای ایران مثل طهران وتبریز که می‌توانند مانع ازعملیات جنگی ما باشند در آنجا واقعند.

۱- مقصود هجوم انگلیس‌ها وتصرف بوشهر وخارك وخرمشهر واهواز می‌باشدکه برای جلوگیری از پیشرفت قوای ایران در افغانستان وتخلیهٔ هرات و غوریان به‌عمل‌آمد (۱۲۷۳) ولی تاریخ میلادی آن حادثه ۱۸۵۶ بوده است.

در آن طرف این خط قشون ما در مغرب به اماکن بیحاصل و در مشرق به طهران واصفهان وصحرای شور کویر که مانع از اقدامات جنگی هستند خواهد رسید . در این صورت ما می‌توانیم طوری پیش برویم که حوالی خلیج ایران را متصرف باشیم؛ ولی این خیال و این نقشه که در حقیقت تسخیر جمیع تمام ایران است در زمان حالیه غیر محتمل است و جای آن نیست که به این فقره نظر دقت خودمان را معطوف داریم .

این عملیات جنگی بطوری که در فوق گفته شد در قطعه زمینی که تقریباً پنج هزار مطرمربع مسافت دارد واقع خواهد شد . آب و هوا ومحصولات این قطعه خیلی تغییر پذیر است .

دریای حاجی‌ترخان و سلسله جبال البرز منقسم به سه قطعه است؛ اول قطعهٔ آذربایجان در شمال غربی ، دویم قطعهٔ خزر در مرکز ، سیمی قطعهٔ خراسان در شمال غربی ، این دریا که تماماً متعلق به دولت روسیه است نه تنها می‌تواند وسیلهٔ مخابرات با دو میدان جنگ شمال غربی و شمال‌شرقی باشد بلکه به توسط آن بطور سهولت می‌توان به خشکی رفته وعملیات هر دو میدان جنگ را به هم متصل ومساعد کرده و همچنین به طرف طهران که نقطهٔ عمده است حمله برد[1] . طهران در ۱۵۰ کیلومطری دریای خزر است و راه طهران از تبریز ۸۷۴ کیلومطر و از کوک تپه-۷۶۱ کیلومطر است .

دریای حاجی‌ترخان به توسط رود ولقا متصل به وسط و به مرکز روسیه است ؛ ولی این رود در بالای حاجی‌ترخان به بیشتر از هشتاد شقه منقسم می‌شود که تنها در دو شقهٔ آن کشتی رانی ممکن است ؛ شقهٔ اول عبارت از « باخطمیر » است که نود وپنج ورسط طول دارد و در مصب ازسه الی چهار پا ونیم عمق دارد که گاهی به توسط باد به دو پا می‌رسد ،

۱- این فصل گزارش نظریات استعماری دولت روس را نسبت به کشور ما بخوبی حکایت می‌کند .

شقهٔ دویم عبارت از «کانیراك» است که هفتاد و پنج ورسط طول وهشت پا عمق دارد ولی این شقه هم وقتی که به دریـا می‌رسد عمقش سه پا و نیم می‌شود . هرچه اقدامات درتعمیر این شقه کرده‌اند تا حال بی‌نتیجه مانده‌است واز این جهت است که شقهٔ اولی حالا به‌کار کشتیرانی می‌خورد .

در این شقه دو دفعه باید بارکشتی را به کنار رسانیده مجدداً به کشتی دیگر بار کرد . دفعهٔ اول در حاجی ترخان ودفعهٔ دویم در بندر موسوم به «کاروان سکوی سفید» یا بندر «کاروان مرکوریف» .

چیزی که از قدر حاجی‌ترخان می‌کاهد انجماد چهارماههٔ قطعهٔ شمالی دریای خزر و رود ولقا است . درمدت ۱۳۳ روز در بندر « ساراطرف » و ۱۵۲ روز در «کازان» که نقطهٔ شرقی اهم روسیه است .

طرف مغرب دریای خزر با وجود اینکه عمق معتادی دارد باز بندرهای‌خوب برای کشتیرانی وتوقف‌کشتی‌ها با اطمینان ندارد . بندرهای عمده عبارت از بنادر بادکوبه و «پطروفسك» و «دربند» و «لنکران» می‌باشند .

بادکوبه یکی از بنادر جدید دریای خزراست وحسنی‌هم داردکه به «تفلیس» و «باتوم» به توسط راه‌آهن متصل است و از این جهت می‌تواند مخابرات فوری با مراکز نظامی قفقازیه وبحر سیاه داشته‌باشد . عمق بندر بادکوبه از پنج تا شش متر است از جهت وسعت و آرامی آب‌ها این بندر توقفگاه بحری خوب وخـاطر جمعی است .

بندر پطروفسك به توسط سکوی مصنوعی که برای حفظ کشتی‌ها ازتلاطم ساخته شده است و از پانزده تا هفده پا عمق دارد و وسعت آن نیم ورسط است و چندان اعتباری ندارد وتوقفگاه خوبی نیست .

بندر دربندکوچك‌تر از بندر پطروفسك است وعمقش پانزده مطراست ولی خیلی خطرناك است . لنکران هم بندر خطرناکی است همین که مختصر بادی وزید کشتی‌ها باید رفته بارشان را به بندر آستارا بگذارند .

بندر آستارا خیلی بزرگ است و کشتی‌های بزرگ با کمال خاطر جمعی می‌توانند از معبر جنوبی بگذرند . این بندر بهترین بنادر و لنگرگاه‌های حاجی ترخان است .

خلیج «کراسنوودسک» بهترین توقفگاه‌ها، و بندر «بکرویچ» که سه کیلومطر طول و یك کیلومطر ونیم عرض و هجده پا عمق دارد در این خلیج واقع است . بندر «صویمونف» وبندر «مواردیف» هم آنجا واقعند .

«کراسنوودسك» نقطه‌ای نزدیك‌تر به بادکوبه است ولی به راه‌آهن ماوراء خزر متصل نمی‌شود . راه‌آهن مزبور منتهی به «میخائیلوفسکی» است و این بندر از جهت جزایر ریگ و تغییرات عمقی که دارد به کشتی‌رانی مساعد نیست . تنها کشتی‌های کوچك که در شش پا عمق می‌توانند حرکت نمایند آنجا می‌روند .

«اوزون آدا» که در این اواخر از آن زیاد حرف زدند تفصیلی ندارد . جزیرهٔ کوچکی است که در قسمت غربی بندر میخائیکوفسکی واقع است و کشتی‌های هشت‌پایی می‌توانند به‌آنجابروند؛ آب شیرینی هم ندارد وجای لازم برای‌تعمیرات لازمهٔ بندری ندارد . اما بندر حسن‌قلی که در مصب اترك واقع است و می‌تواند به بندر «قلعه چکیشلر»متصل باشد عمقش چهار پا است .

قطعهٔ جنوب دریای خزر متعلق به ایران است و دو خلیج کوچك دارد یکی بندر استرآباد است دو پارچه زمین « پاطریکتن » از طرف شمال او را فرا گرفته است و سه جزیرهٔ عاشوراده در امتداد آن واقع است . بندر مزبور در چهار صد مطری‌جنوب شرقی جزیرهٔ بزرگ عاشوراده می‌باشد؛ بندر خوبی است وباد به‌آنجا راه ندارد . طولش از مشرق به مغرب شصت وسه ورسط وعرضش دوانزده ورسط وعمقش از شش تا هفت مطر درقسمت شرقی و در قسمت غربی شش پا می‌شود . در فاصلهٔ سه میلی ساحل عمق خود بندر پنج مطر است که برای همهٔ کشتی‌های بزرگ دریای خزر کافی است .

خلیج استرآباد به توسط چهارگذرگاه به دریای خزر متصل است . دو معبر

وسطی از دو تا سه پا عمق دارند . سیّمی که در طرف غربی است و میانهٔ زمین «پاتملکین» و «عاشوراده» واقع است شش پا ، وچهارمی که کشتی‌ها در آن تردد دارند پنج مطر عمق دارند .

در امتداد ساحل عمق آب کم است ولی در نزدیکی بنادر عمیق‌تر می‌باشد بخصوص در نزدیکی عاشوراده که توقفگاه بحری روس است ؛ کشتی‌های بخاری به سهولت آنجا حرکت می کنند . در عاشوراده که از سنهٔ ۱۸۵۰ توقفگاه کشتی‌ها معین شده‌است یك کلیسه وچند باب خانه برای صاحب منصب‌های روس ومغازن‌ها[1] ساخته شده‌است و در آنجا دائماً چند کشتی بخاری و بادی که از بندر بادکوبه برداشته‌اند گذاشته شده است .

ساحل آنجا پست و باتلاق و نی‌زاراست بخصوص درمغرب سد وجای بیرون آمدن از کشتی عبارت از کارخانهٔ قدیم غاضی‌نام ما است که در طرف جنوب واقع است . دوکترخیج می‌گوید او را هم ایرانیان قصداً خراب می کنند .

از ساحل هم راهی جز جادهٔ کوچك کارخانهٔ قدیم مذکور نیست که به داخلهٔ اراضی رود . اگرچه از این تفاصیل فوق عدم مساعدت به بیرون آمدن از دریا به خاك ایران دیده می‌شود با وجود این بدون زحمت می‌توان بیرون از کشتی آمده به‌خاك ایران رفت زیراکه اگر هم غیرقابل بودن ساحل برای توقف وغیره‌اشکالات زیاد وارد می‌آورد ولی در مقابل این به‌خود ایرانیان هم امکان محافظت سواحل آنجا نیست ونمی‌توانند به‌کشتی‌ها تیر و صدمه برسانند . مستحفظین ساحل وقشون ایران نمی‌توانند به توسط نبودن راه در نقطهٔ لازمه جمع شوند . اردوی روس که از دریا به‌آنجا رسیده بعد از طی پنج وشش ورسط راه بد به راه کاروان استرآباد و بارفروش می‌رسد . مختصراً این است که ایران در ساحل هیچ‌گونه اسباب دفاع ندارد وسربازی هم درآن نزدیکی‌ها نگاه نمی‌دارد ؛ ولی ما در چهارده کیلومطری یك قوهٔ بحری دائمی داریم که در ظرف یك ساعت و نیم اردوبی را می‌تواند

---

۱ - از کلمهٔ مغازن‌ها مقصود مغازه‌ها است.

به ساحل آنجا برساند .

خلیج دویم انزلی است که سی وهشت کیلومطر طول و چهارده کیلومطر عرض و از پانزده تاشانزده مطر عمق دارد ولی مدخل آن خیلی تنگ است . موج و تلاطم آنجا خیلی سخت است . کشتی‌های کوچك هم با کمال صعوبت داخل خلیج می‌شوند و بندر آنجا درجز در قطعه‌ای که خیلی باد دارد واقع است . در مدخل خلیج در روی ساحل قلعه‌های زیاد ساخته‌اند . سواحل این‌خلیج برای بیرون آمدن از کشتی‌ها و پیش‌رفتن قشون خیلی مساعد است . آب آنجا هم عمق لازم را دارد ومصب «پیره‌بازار» سد خوبی است که کشتی‌ها باکمال خوبی می‌توانند نزدیك بروند . سوای از این در هشت ورسطی ساحل راه بزرگی از رشت برای کاروان شروع می‌شود که هم راه خوب است و هم نزدیك .

از بندر انزلی تا سرحد روس ساحل بالنسبه بلند است و دریا عمیق ولی لنگرگاه نیست و چون از هرگونه موانع عمده دور است لهذا حمله بردن از آنجا غیرمحتمل است . این فقره در خلیج استرآباد و بندر حسن قلی هم هست زیرا که ساحل آنجا لم یزرع است وآبش عمیق نیست ولی وضع‌های آنها مختلف هستند .

در حسن‌آباد وسرداب رود کشتی‌های بزرگ موسوم به « سلوپ» می‌توانند تقریباً به ساحل برسند . در نزدیکی «مزار»[1] عمق آب به هفت پا می‌رسد ولی بنادر خاطرجمعی در آنجا نیست . بنادر سفید رود و چپ قلعه و مشهدسر نیز خطرناك هستند ساحل‌آنجا پست و باتلاق و به داخلهٔ مملکت به توسط جاده‌های کوچك لیزو مشکل العبور وصل است چنانچه که با وجود نزدیك بودن به طهران هیچ وقت احتمال نمی‌رود که بتوان به‌توسط آن‌نقاط مستقیماً به خاك ایران داخل‌شده به‌طهران حمله برد[2] .

۱- صحیح کلمه مفهوم نشد .

۲- سوء نیت روس‌ها وتصمیم آن دولت برای تجاوز به‌ایران ازاین‌گزارش بخوبی‌آشکار می‌شود و نشان می‌دهد که در آن هنگام‌ها ناصرالدین‌شاه و امین‌السلطان باچه دشواری‌هایی روبروبوده وبرای حفظ استقلال ایران چه زحماتی متحمل شده‌اند .

از طرف دیگر ما اطلاعات کامله در خصوص راه‌های البرز میانهٔ دریا و طهران نداریم و نمی‌توانیم درباب عبور از این سلسله جبال میانهٔ دماوند و «سلامبار»[۱] اشکالات واقعی را بیان نمائیم . ما تنها می‌دانیم که راهی میانهٔ شهرستانك و عباس آباد است که شاه هم در سال ۱۸۷۵ وقتی که به مازندران رفت از آن راه عبور کرد . در سفرنامهٔ شاه دیده می‌شود که حکم شده بود راه مزبور را قبل از سفر شاه تعمیر نمایند ولی با وجود این معبر کندی‌وان[۲] بنهایت مشکل بوده و در چندجا لابد بوده‌اند که پیاده راه بروند . در داخل کوه در طرف شمال شوسه هم هست .

در دریای حاجی‌ترخان بادهای شمال غربی و جنوب شرقی می‌وزد ؛ در زمستان غالباً بادشمال درطرف جنوب و باد جنوب در طرف شرقی می‌وزد .

از قرار اخبارات رسمی کمپانی قفقاز ومرکور درسال ۱۸۸۳ در دریای خزر نوزده کشتی بخاری داشت که دویست وبیست وهشت هزار پوت[۳] بار حمل می‌کرد و هجده کشتی بادی که سی وسه هزار پوت[۴] بار برمی‌داشت وهجده قایق (بارك) که هفتصد وهشتاد وپنج هزار پوت بار حمل می‌کرد که روی هم یك ملیان وسیصد وچهل وشش هزار پوت بشود . در موقع لزوم این کمپانی باید به وزارت جنگ دوانزده کشتی جنگی که بتواند ده هزار نفر آدم وسی وپنج هزار پوت خوراك و غیره نقل بکند بدهد .

این وسایل حمل ونقل بطور سهولت می‌توانند زیاد شوند ؛ هرگاه از سایر کمپانی‌ها هم کشتی بخواهند .

مدت حمل

از حاجی‌ترخان تا انزلی که ششصد وهفتاد وشش میل از هم فاصله دارند ؛

۱- دانسته نشد «سلامبار» کجاست .
۲- کندوان
۳و۴- پوت دراصل «پوط» نوشته شده، واحد وزن روسی معادل ۱۶ کیلوگرام.

از نه تا ده روز .

از حاجی‌ترخان تا کراسنودسك که ششصد و شصت و نه میل از هم فاصله دارند ؛ از نه تا ده روز .

از حاجی‌ترخان تا استرآباد که ششصد وهفتاد وپنج میل فاصله دارند ؛ از دوانزده تا سیزده روز .

از بادکوبه تا کراسنودسك که یکصد و نود میل فاصله دارند ؛ از دو تا سه روز .

از بادکوبه تااسترآباد که سیصد ونود وشش میل ازهم فاصله دارند ؛ از پنج تا شش روز .

از بادکوبه تا انزلی که یکصد ونود وهفت میل از هم فاصله دارند ؛ از دو الی سه روز .

در بیان وتعریف سواحل دریای خزر

از بیانات قبل ما معلوم شد که به توسط وجود قوهٔ بحریهٔ ما در دریای خزر وترقی عمدهٔ کشتی‌های تجارتی ما در آنجا و داشتن ایستگاه عاشوراده واقع در چهارده ورسطی سرحد ایران ، و از طرف دیگر به توسط اینکه دولت ایران نه کشتی‌های‌جنگی ونه کشتی‌های تجارتی دارد وهیچ‌گونه اسباب دفاع را دارا نیست؛ بیرون آمدن قشون ما از کشتی‌ها و داخل شدن‌آنها به خاك ایران خیلی به سهولت صورت می‌گیرد ؛ و بندر استرآباد به جهت این‌عملیات خیلی مناسب وخاطرجمع است و حسن‌آبـاد و مشهدسر و گز که نقاط استراتژیك [۱] هستند به واسطهٔ اینکه به طهران نزدیك هستند خیلی اهم و درموقع خود خیلی به کار می‌توانند بیایند .

خلیج انزلی هم خیلی اهمیت دارد زیرا که فاصلهٔ آن از رشت بیست وسه ورسط است و پانزده ورسط این مسافت با آب است و از رشت راه کالسکه که از

۱- در متن « سطراطژیك»

البرز عبور می کند شروع می‌شود . امتداد این راه دویست و هفتاد وهفت ورسط است که برای عبور و حرکت قشون هم خیلی مناسب و مساعد است و قوهٔ دفاعیهٔ این خلیج چنانچه کلوبنیطصکی در سال ۱۸۸۳ دیده‌است تفصیلی ندارد . توپ‌ها که به جهت گذرگاه آنجـا معین هستند در روی خاك در ساحل گذاشته شده‌اند و قنداق‌هایشان خیلی کوتاه هستند به‌قسمی که هرگاه با آنها تیراندازی،توپ‌ها به‌خاك می‌نشینند. ایرانیان هرگز آنها را امتحان نکرده‌اند و وزن گلوله و باروت آنها را نمی‌دانند غیر از این توپ‌ها چند عرادهٔ توپ دیگر از شش تا بیست وچهار پوندی در انبار آنجا هستند ولی لوازم و اسباب آنها بدتر از اسباب‌های طهران هستند و به هیچ چیز نمی‌ارزند .

بنا به‌این تفصیل جای شك نیست که هرگاه با ایران جنگ شود ما می‌توانیم از دریای خزر به خاك ایران رسیده میانهٔ دو اردوی خودمان را که یکی از طرف قفقاز و دیگری از طرف ماوراء خزر حرکت خواهند کرد وصل کرده و جناح‌های آنها را از هر قسم حمله و غیره محافظت و در میان آنها مخابرات قرارداده و در موقع لزوم هرگـاه بقدر کفایت قشون باشد از راه مستقیم وکوتاه رو به‌طهران حرکت نمائیم .

از هر نقطهٔ دریای خزر که به‌خاك ایران بگذریم بعد از طی پنج الی پانزده ورسط قشون ما به ولایات آباد ایران می‌رسد که در هر یك‌میل مربع آنجاها از نهصد تا هزار نفر سکنه می‌باشد ؛ مثل مازندران وگیلان که در آنجاها دواب ومال حمل ونقل از قبیل قاطر وخر بقدر کفایت پیدا می‌شود . ولی آرد و قند و چایی وعرق را باید از روسیه آورد زیرا که در آن صفحات همین قدر که کافی به اهالی آنجا باشد یـافت می‌شود وسکنهٔ آنجاها خیلی به دولت خود مطیع ومنقاد هستند و به لشکر دولت خود آذوقهٔ زیاد می‌دهند . نباید اطمینان به آنها کرد بخصوص وقتی که در کوهستان باشیم طرق وشوارع قطعهٔ سواحل دریای خزر که از موقع میدان جنگ دورند خیلی کم وبسیار بد هستند . در امتداد آن قطعه تنها راهی که

شاه عباس کبیر ساخت وحالا هیچ‌گونه مواظبتی در او نمی‌شود موجود است. در این راه غالباً از باتلاق‌ها و رودخانه‌ها باید عبور کرد در چندین جا هم راه کالسکه هست.

راه‌های منحرف که از کوه البرز می‌گذرند دوانزده‌تا هستند که تنها ازچهارتای آن کاروان می‌تواند عبور کند ویکی دیگر که تازه از رشت ساخته‌اند و راه کالسکه است به تفصیل ذیل:

در قطعهٔ واقعهٔ کوه البرزمیانهٔ دریای‌خزر و اردوئی که در آذربایجان مشغول جنگ خواهدبود چند راه است؛ یکی راه آستارا تا اردبیل که هفتاد ورسط است وسی ورسط آن خیلی مشکل‌العبور و چهل ورسطش کالسکه‌رو است. دویمی راه رشت به «ماسوله»[1]. وخراف که یکصد وچهل وپنج ورسط‌است که ابتدا و انتهای آن کالسکه‌رو است. سیمی شوسهٔ رشت تا منجیل که از درهٔ سفیدرود می‌گذرد و امتدادش نود ورسط است و تمام امتدادش کالسکه‌رو می‌باشد. دو قطعهٔ واقعهٔ میان دریای خزر وطهران اول راه خرم‌آباد[2] تا قزوین‌است که یکصد وبیست وهشت ورسط است که در نزدیکی قزوین و سلامبار مشکل‌العبور است.

ثانیاً ـ راه آمل و یزد و قزوین که هشتاد و چهار ورسط امتداد دارد و از پرتگاه‌های مختلف می‌گذرد و راه خوبی نیست.

ثالثاً ـ راه ساری‌گدوك و فیروز کوه طهران است که دویست وپنجاه ویك ورسط امتداد دارد. ابتدای این راه کالسکه‌رو است ولی در ثانی تنگ و مشکل العبور می‌شود.

رابعاً ـ راه استرآباد وشاهرود است که نود وپنج‌ورسط است. این راه بهتر از راه‌های دیگر است.

خامساً ـ راه استرآباد و شاهروداست از راه «راباتی کوزلوك» که نود وپنج

---

۱ ـ دراصل: ماصولا

۲ ـ شهسوار

ورسط طول دارد .

سادساً ــ راه کوتاه عباس آباد تا طهران است که از تنگهٔ کندی‌وان که ما از او اطلاعات کامل نداریم می گذرد .

سواحل دریای حاجی‌ترخان عموماً خیلی درخت‌زار است و رودخانه‌هایی که دارد غالباً سیل از آنها جاری است . تنها درسفیدرود درفاصلهٔ صدوهشتاد ورسط می‌توان کشتی راند وعرض آن درحوالی منجیل هفتاد مطر می‌شود و عمقش بیست‌و چهار پا . در روی منجیل یك پل سنگی هست . آب وهوای این قطعه زمین رطوبی و تابستانش خیلی گرم می‌شود و از این‌جهت مرض تب که مخصوص آنجا است عارض می‌شود . وقت مساعد برای جنگ در آن سامان بهار است . فصل ناسالم آنجاکه عبارت‌ازتابستان باشد ازماه مه تا سپطامبراست وپائیز آنجا خیلی پر بارش است. در زمستان برف وافر می‌افتد وهوای آنجا در کوهستان خیلی‌سخت می‌شود.

برای قشون در صحرا گذراندن در آن سرزمین خیلی ناسالم است زیرا که باتلاق زیاد دارد و منازل آنجا خیلی بد است . قشون را باید در کوهستان نگاه داشت .

وضع جنگ در آذربایجان

مادامی که در ایالت آذربایجان که ایران غالب قشون خود را از آنجا می‌گیرد ما فتح وغلبه نکنیم پیشرفت قشون ما و صدماتی که به طریق دستورالعمل مذکور فوق از طرف دریا به ایران برسانیم نتیجه نداشته و مظفر نخواهیم شد بهترین‌عملیات واقدامات جنگی درعلیه‌ایران این‌است که تدبیری کرده از راه قفقاز حمله به آذربایجان ببریم . اهالی آذربایجان در استعداد به‌خواص نظامی و جنگی تقدم به اهالی سایر ایالات ایران دارند .

حوالی دریاچهٔ ارومی نسبت به سایر قطعات این ایالت آباد ومسکون‌تراست واهالی آنجا اصلاً ترك و تاتار وشیعه مذهب و دشمن عثمانی هستند و قشون زیاد

می‌دهند و به‌دولت خودشان کمال عبودیت و انقیاد را دارند .

قبایل سنی وصحرانشین آنجا این‌طور نیستند . در نزدیکی این‌قبایل طوایف دیگر شیعه مذهب هستند که دولت‌پرستند ولی رزمجو نیستند .

ازجمله قبایل آذربایجان طوایف کرد است که سنی مذهب وغالبشان صحرا نشین می‌باشند که به دولت اطاعت نداشته و حاضرند که به مختصر اشاره شورش نمایند . این طوایف شورش دوست نمی‌توانند طرف اعتماد دولت ایران باشند .

در قطعهٔ واقعه در مشرق دریاچهٔ شاهی که راه‌های خوب ونزدیك به طهران دارد طوایف ترك و تاتار که دولت‌پرست هستند ساکنند ؛ این فقره برای ایران خیلی خوب‌است . طوایف مزبور مخصوصاً به فلاحت و زراعت مشغول می‌شوند وآب وهوای آن سامان مساعد به زراعت و خاکش به‌نهایت حاصل‌خیز است ولی از ترس و واهمهٔ ادارهٔ حکومت و از ترس افواجی که از آنجا عبور داده می‌شود اهالی آنجا هر چه از حاصل زمین خودشان بعد از وضع خوراك خانه باقی می‌ماند می‌فروشند . هرگاه در آن صفحات غله لازم باشد باید در شهرهای بزرگ جست .

در ایالت آذربایجان دواب وخر وقاطر وشتر وگوسفند وغیره کمال وفور را دارند . به‌این‌ملاحظه این قطعه زمین برای لشکرکه مشغول جنگ بهتراست . در مقابل زمین آنجا خیلی مساعد به دفاع است ، وسایل عمدهٔ دفاع ایران در آنجا است .

کوه‌های بلند وممتنع‌العبور آنجاکه از وسط میدان جنگ از مشرق به مغرب می‌گذرد دفاع‌گاه‌های‌محکم را ترکیب می‌کند وبه حملهٔ ما مساعدت ندارند .بعضی راه‌ها وگذرگاه‌های سر بالاً و مشکل‌العبوری هستند که برگشتن از آنها امکان ندارد و راهی هم‌که در میانهٔ دسته‌های قشون اتصال داده شود . پس دولت‌ایران با قشون کافی که سرکردگان خوب داشته‌باشند و چند دسته قشون‌که درصحرا قرار داده‌شود می‌تواند جنگ و حمله‌های مارا خیلی مشکل کند بخصوص در اوایل تا ترکمان چای و اردبیل .

در قطعهٔ اردبیل که در جنوب رود ارس است کوه‌های قره داغ و ساوالان واقع‌هستند که می‌توانند تکیه به اردبیل و اهر وسراب و به تبریز کرده وخط دفاع محکمی بشوند.

شهرهای ایران را دیوارهای خاکی احاطه کرده اند و هر کدام یك خندق دارند ولی اردبیل قلعهٔ خشتی دارد که دیوار دیگری هم اورا احاطه کرده و خندق و دو برج هم دارد. ولی توپ‌ها در انبار تبریز هستند و به بناهای آنجا مواظبت نمی‌شود چنانچه در سنهٔ ۱۸۷۵ طرف جنوبی قلعه خراب شد.

در جنوب خط رودآجی و مصب‌های قره‌سو کوه‌های سهند و بزکوه خط جدیدی برای دفاع ترکیب می کنند که می‌توانند به ترکمان چای و خروف تکیه کنند.

بعد از آنکه قشون ما مجرای قزل اوزن و مخصوصاً قزوین را گذشت راه‌ها خوب می‌شوند.

در قطعهٔ آذربایجان چندین راه خوب برای قشون حمله برهست. راه جلفا تا قزوین کالسکه رو است و بعد از قزوین تا طهران راه باز بهتر می‌شود.

از قفقاز چندین راه به طهران و یا به قزوین که محل تقاطع چندین راه است می‌باشد ولی تنها راه «جلفا» و«شاه‌تخت» تابه «تبریز» و راه «پیله سوار» و «آستارا» تا «اردبیل» طرف توجه می‌توانند بشوند.

وقتی که این دو خط را به همدیگر نسبت بدهیم معلوم می‌شود که راه جلفا و شاه‌تخت امتداد راه قارص و اردهان و تفلیس که غالب قشـون قفقاز در این شهرها هستند؛ می‌باشند. و این راه مستقیماً به تبریز که در ۱۲۸ ورسطی جلفا است می‌رسد و این دو راه بهترین طرق برای حمله بردن و استیلا نمودن ایران است ولی در مقابل این از دریای خزر دورند و تنها در قزوین که در۵۳۹ ورسطی جلفا است نزدیك به دریا می‌شوند.

راه پیله سوار و آستارا در امتداد بادکوبه هستند و ما در وقت صلح در آنجا

هیچ قشون نداریم و این راه از طرف شرقی آذربایجان می‌گذرد و تبریز آزاد است و نسبت به راه‌های دیگر خیلی سخت است. تفضل و برتری این راه به راه‌های دیگر تنها از این بابت است که همیشه در نزدیکی دریا می‌گذرد و منتهای بعدآن از دریا از ۵۸ تا ۷۳ ورسطاست[۱].

از این قرار وقتی که قشون ما از جلفا گذشته به تبریز رسید صدمهٔ زیادی به قشون دشمن رسانیده و هرقدر که به تدریج از خاك ایران متصرف شد و نگذاشت که آذوقه به دشمن برسد قشوق ایران را ضعیف خواهد کرد.

ولی قشون ما تا قزوین یعنی در امتداد ۵۳۹ ورسط باید آذوقهٔ خود را از راهی که می‌گذرد بگیرد.

تبریز و ترکمان‌چای و میانه و زنجان که در سر راه است با آذوقه هستند اما بعکس راه آستارا و پیله سوار و اردبیل آذوقه ندارند و باید به توسط کشتی های ما که در نزدیك ساحل خواهند بود به قشون آذوقه تحصیل کرد ولی وقتی که به منجیل رسیدیم کار سهل می‌شود زیرا که به توسط شوسهٔ رشت می‌توانیم آذوقه حمل کنیم.

هرگاه قشون ما از جلفا حرکت نماید تنها بعد از رسیدن به قزوین آسوده خواهد شد زیرا که آنوقت می‌تواند با رشت راه مخابره داشته باشد.

پس هرکدام از این دو خط تفضلات و برتری را نسبت به دیگری دارد و انتخاب یکی از این دو، بسته به موقع و به وقت شروع و به سایر ملاحظات است.

وضع جنگ در خراسان

خراسان از مرکز قشون و آذوقهٔ روسیه خیلی دور است و از آن جهت در موقع جنگ شروع به عملیات نظامی در آنجا غیر محتمل است.

---

۱ ـ ورست واحد طول معادل ۱۰۶۶ متر (در اصل سند این کلمه همه جا «ورسط» نوشته شده‌است).

تنها طرف غربی خراسان که عبارت از ایالت قدیم استرآباد و قسمت پایینی مجرای اترك و گرگان باشند می‌توانند در صورتی که ما از دریای خزر به استرآباد بیرون بیائیم به ما دسترس باشد. دو رودخانهٔ اترك و گرگان در پایین مجرای خودشان چنان کم‌عمق هستند که نمی‌توانند مانع حرکت دسته‌های قشون که فرضاً از «چکیشلر» به استرآباد می‌روند باشند.

زمین‌هائی که این دو رود آبیاری می‌کنند حاصل‌خیزترین محال ایران است. آب و هوای آنجا خوب ولی جمعیت آنجا کم و تقریباً همه‌اش صحرا نشین است و ثروت طبیعی خاك در حالت طبیعی خود باقی است. کوه بزرگ البرز در جنوب استرآباد منقسم به سه شقه می‌شود که در امتداد مشرق از تمام خراسان می‌گذرد ولی این قسمت تنها در عبور از دو راه که عشق‌آباد را به شاهرود متصل می‌کند محسوس می‌شود. این راه‌ها با وجود اینکه بد می‌باشند و توپخانهٔ صحرائی را تنها در شصت ورسط اول آن می‌توان حرکت داد ولی این حسن را دارند که به یکدفعه ایالت خراسان و طهران را از مابقی ایران سوا می‌کنند.

شاهرود محل تقاطع راه‌هائی است که در امتداد عرض خراسان و طهران به هم وصل می‌شوند. دو راهی که طهران را به خراسان وصل می‌کند یکی راه بزرگ کاروان است که از طهران شروع کرده از شاهرود گذشته با دامنهٔ البرز پیش رفته به مشهد می‌رسد؛ دیگری راهی است که از فیروز کوه و چارده گذشته در چاربند راه استرآباد را به شاهرود متصل می‌کند.

راه اولی کالسکه رو است و غیر از کمی آب و علیق (آن هم نه در همه جا) برای عبور عساکر مانعی ندارد.

راه دویم در همه‌جا برای توپخانه و کالسکه مشکل است با وجود این قشون فتحعلی شاه که توپخانه داشت از این راه گذشت، این راه از قطعه ای که کوه زیادی دارد می‌گذرد و هوای تابستان آنجا خنك و آب و علیق وافر است.

ما همچنین می‌توانیم در پی تصرف اماکن حاصلخیز مشهد و شروان و

بجنورد و مرکز مشهد باشیم که ثروت آنجارا مخصوص خود نمائیم [1] و برای این فقره اشکالات زیادی نیست راه خوبی که حالا در ماوراء خزر هست راه «کوك‌تپه» و شیروان و قوچان و مشهد است. وقتی که افواج ما از گذرگاه‌های کوه‌های واقعه در میانهٔ کوك‌تپه و شیروان گذشتند تا مشهد مانع دیگری را نخواهند داشت وهمیشه در امتداد درهٔ آباد و پرحاصل خواهند رفت.

یك راه شوسه در میانهٔ عشق‌آباد و خراسان از معبر «کودان» و «دوزآدام» و «امامقلی» و «قاطرچین» و «زادران» ساخته می‌شود کم‌تر عرض این راه پنج مطر و سی سانتی‌مطرخواهدبود.

سکنهٔ خراسان خیلی مختلف هستند و غالباً مرکب از کرد و تاجیك و ترك و تاتار می‌باشند.

این طوایف مختلفه نسبت به دولت ایران عموماً یك نوع اهانتی دارند و به دولت روس احترام و اعتنای زیادی دارند چنانچه در موقع جنگی با ایران ما می‌توانیم به دوستی آنها اعتماد داشته باشیم و اگر هم بالفرض به ما کمکی نکنند از ایران هم نخواهند کرد.

اهالی آنجا مشغول فلاحت و نگاهداری دواب می‌باشند. اگرچه در ممالك ایران صاحبان زراعت از محصولات خود کمی را انبار کرده نگاه می‌دارند با وجود این در وقت درو در خراسان ذخایر عمده و زیاد می‌توان تحصیل کرد بخصوص در محل دره‌گز و قوچان و بجنورد و سبزوار و برای حمل آذوقه وغیره بقدر لزوم خر و قاطر و شتر در آنجا یافت می‌شود. در این قطعه مثل سایر قطعات قشون ما باید چایی وقند و عرق را همراه داشته‌باشد زیراکه به خیلی اشکال آنهارا می‌توان در این مملکت بزرگ تحصیل کرد.

اگر چه خراسان در موقع جنگ ما با ایران چندان مساعد به ما نیست

---

۱ - اینهم گوشهٔ دیگر از نقشه‌های خطرناك روسیهٔ تزاری برای تجاوز به ایران.

یعنی برای اقدامات جنگی ما چندان دسترس نمی‌باشد ؛ بعکس این برای رفتن به هرات خیلی اهمیت دارد .

قلت آذوقه و لوازم دیگر در ماوراء خزر و کمی خطوط راه آهن در آنجا مارا مجبور خواهد کرد که خواهی نخواهی به آذوقه‌های مملکت حاصلخیز خراسان رجوع نمائیم ولزومیت خاطرجمع بودن ما از مساعدت این ممکت از جهت ذخیره و غیره مارا مجبور خواهد کرد که اگر دولت ایران به ما خصومت نشان بدهد این مملکت را تصاحب نمائیم و بلکه خط اصلی قشون خودمان را هم در آنجا قرار بدهیم .

وقتی که به مشهد رسیدیم دوراهی داریم که به هریرود و هرات می‌رسند . اولی راه کشف رود که درامتداد مشهد است . راه دویم از کوه البرز می‌گذرد و پنج منزل این راه خیلی سخت است و توپخانه‌های صحرائی به صعوبت می‌توانند عبور نمایند مگر اینکه تعمیرات شود . سوای از این نقطه در میان « کافر قلعه » و «فریموند» و « دره‌جاما» جای آباد ومعموری نیست .

از کوك تپه تا هرات از چهل چهار تا پنجاه منزل باید حساب کرد بدین تفصیل :

از کوك تپه تا شیروان که نود و شش ورسط است از ده تا یازده منزل .

از شیروان تامشهد یکصدوهشتاد ونه ورسط ، از ده تا دوانزده منزل.

از مشهد تا فریموند هفتاد ورسط ، ازهشت تا نه منزل.

از فریموند تا گاوقلعه صدوهفتادوپنج‌ورسط ، از یازده تا دوانزده منزل.

از گاوقلعه تا هرات یکصدوبیست ورسط ، از پنج تا شش‌روز.

روی‌هم ششصدوپنجاه ورسط ، ازچهل چهار تا شصت منزل.

هرگاه این روزنامهٔ حرکت و طی منازل را با روزنامهٔ ذیل تطبیق نمائیم

از مرو تا سرخس یکصدوچهل‌وسه ورسط ، ازده تا یازده روز.

ازسرخس تا هرات سیصدوهفده ورسط، ازبیست ویك تا بیست‌وسه منزل

که روی هم چهارصد وپنجاه ونه ورسط و از سی ویك تا سی وچهار م ل می‌شود .

از مرو تا «داش کرپی» یکصد و نود و چهار ورسط ، از دوانزده تا سبزده منزل .

از«داش کرپی» تا هرات سبصد و شانزده ورسط ، از بیست ویك تا سی‌وسه منزل که روی هم پانصد و ده ورسط از سی وسه تا سی وشش منزل می‌شود . از راه « بابالی سنگلو »

از مرو تا« داش کرپی » یکصد و نود وچهار ورسط ، از دوانزده تا سیزده منزل از راه کوتال .

از «داش کرپی» تا هرات دویست وسی وسه ورسط از پانزده تا هفده منزل که روی هم چهارصد وهفده ورسط و از بیست وهفت تا سی‌منزل‌باشد .

معلوم می‌شود که راه سرخس و مرو و هرات خیلی نزدیك از راه کوك تپه و عشق‌آباد و خراسان وهرات است ولی هرگاه مرو اختیارشود در امتداد مرغاب و هریرود به صحراهای غیر مسکون می‌رسیم و آذوقه و غیره را از هزار ورسط باید تحصیل کرد . ولیکن در صورتی که از مشهد رو به هرات حرکت کرده شود با آذوقهٔ محلیه می‌توان گذران کرد و خطوط جنگ را بهتر محکم کرد . در صورتی که مرو یا سرخس را نقطهٔ اصلیه قرار دهیم به خطوط مخابرهٔ ما از طرف چپ افاغنه می‌توانند صدمه برسانند و از طرف راست ایرانیان ولی اگرنقطهٔ اصلیه خراسان باشد خطوط مخابره ازهرطرف سلامت خواهدشد . ودر این‌صورت هرگاه ایران با ما در مخاصمه است خراسان را از طهران جدا کرده و با راه‌های ذیل پیش می‌رویم :

اولاً از راه‌کوك تپه به شیروان‌نود وشش ورسط ،از ده تا یازده منزل.

از شیروان تا فیروزه هفتاد وهفت ورسط ، از پنج تا شش‌منزل.

از فیروزه تا بسطام دویست و بیست ورسط ، ازهفده تا بیست منزل .

از بسطام تا شاهرود سیزده ورسط، یك منزل که روی هم سیصد و شش ورسط و ازسی و دو تاسی‌وهشت منزل‌می‌شود.

ثانیاً از کوك تپه به شیروان نودو شش ورسط، از ده تایازده منزل.

از شیروان تا سلمقان صد وسیزده ورسط ، ازهشت تا نه منزل .

ازسلمقان تا ترماك هشتاد وسه ورسط ، ازنه تا ده منزل.

از سرطاق تا عشق آباد یکصدوسی ویك ورسط ، از هشت تا نه منزل.

از استرآباد تا شاهرود یکصد ونه ورسط، از ده تا یازده منزل.

روی هم پانصد وسی ودو ورسط ، ازچهل پنج تا پنجاه منزل .

این راه‌ها طولانی ومشکل‌العبور هستند راه اولی دو دفعه ازسلسله کوه البرز می‌گذرد و دویمی سه دفعه ، ولی راه سیمی که در ذیل بیان می‌شود خیلی مناسب و کوتاه است و یکدفعه از کوهستان می‌گذرد و ازآنجا می‌توانیم قشون ایران را که از طهران خواهد رسید مدافعه بکنیم .

از گز تا استرآباد پنجاه وپنج ورسط ، ازسه تا چهار منزل.

ازاسترآباد تا تاج پنجاه وهفت ورسط ، از هفت تاهشت منزل.

از تاج تا شاهرود سی‌وهشت ورسط، از سه تا پنج منزل.

روی هم یکصد وپنجاه ورسط ، از سیزده تاهفده منزل.

راه‌های خوبی که قشون ایران می‌تواند گرفته و مانع از پیش رفتن ما به خراسان باشد اینها هستند :

اولاً ازطهران تا ترماك پنجاه‌وپنج ورسط ، ازسه تا چهارمنزل.

از ترماك تااسترآباد سیصد وبیست وهشت ورسط ، از بیست وهفت تاسی منزل .

از استرآباد تا ترماك‌سی ویك ورسط ، از هشت تا نه منزل.

از ترماك تاسلمقان هشتاد وسه ورسط ، ازنه تا ده منزل.

از سالمقان تا شیروان یکصد وسیزده ورسط ، از هشت تا نه‌منزل.

ثانیاً ـ از طهران تا ترماك پنجاه وپنج ورسط ، از سه الی چهار منزل .

از ترماك تا تاج دویست وهشتاد و پنج ورسط ، از بیست شش تا بیست هشت منزل.

از تاج تا بسطام سی وپنج ورسط ، از دو تا سه منزل.

از بسطام تا فیروز دویست وبیست ورسط، از هفده تابیست منزل.

از فیروز تا شیروان هفتاد وهفت ورسط، ازپنج تاشش منزل.

روی هم ششصدوهفتاد ودو ورسط ، از شصت سه تا هفتادمنزل.

ثالثاً ـ از طهران به شاهرود سیصد و هشتاد ورسط ، از بیست و چهار تا بیست وشش منزل

از شاهرود تا بسطام سیزده ورسط ،یك منزل.

از بسطام تا فیروز دویست وبیست ورسط ، از هفده تا بیست‌منزل.

از فیروز تا شیروان هفتاد هفت ورسط ، از پنج‌تاشش‌منزل.

روی هم‌ششصد و نود ورسط ، ازچهل‌وهفت تاپنجاه وسه منزل.

این راه‌ها طولانی و سخت هستند .

برای اینکه قشون ایران بتواند مانع به ما باشد یك ماه قبل ازما باید حرکت نماید زیراکه ما ازکوك تپه، مشهد را از بیست تا بیست وسه روز می‌توانیم متصرف باشیم و ایرانیان از طهران از پنجاه الی پنجاه و چهار روز می‌توانند به آنجا برسند .

بدین ترتیب از طهران تا شاهرود که سیصد و هشتاد ورسط است از بیست و چهار تابیست شش روز، ازشاهرود تا مشهد که چهارصد و بیست وهشت ورسط است از بیست وشش تابیست هشت روز می‌توانند بیایند که روی هم آن مسافت هشتصد وهشت ورسط و ازپنجاه تا پنجاه چهار روز مدت‌حرکت می‌شود .

این حرکت قشون ایران را ما می‌توانیم صدمه برسانیم درصورتی که قبل از

وقت استرآباد و چارباد و شاهرود را متصرف بوده باشیم و راهی که طهران را به شیروان ومشهد و هرات متصل میکند بگیریم .

صحرای بزرگ کویر حرکت قشون ایران را در جنوب این خط غیر ممکن می‌کند. استرآباد درسه منزلی گز و در بیست هشت منزلی طهران است و چهارباد در شش‌منزلی گز و در بیست هشت منزلی طهران است و شاهرود در سیزده منزلی گز و بیست چهار منزلی طهران‌است .

هرگاه بعکس‌لشکر ایران با ما درجنگ باافاغنه شریك باشند می‌تواند ازراه طهران ونیشابور ومشهد که هشتصد وهشت ورسط، ویاازراه طهران وبوشهروهرات که دوهزار وهفتاد وپنج ورسط است حرکت بکند .

راه اولی خوب‌است ولی دومی که درسنهٔ ۱۸۳۶[۱] توپخانه ازآنجا عبورداده شده به جهت ما بهتر می‌شود زیراکه این‌قشون غیرمنظم ایران آذوقه وغیرهٔ اماکن مجاور به مارا به تاراج نمی‌برند . (پایان)

پس‌ازخاتمهٔ ترجمهٔ گزارش فوق علاءالملك چنین‌افزوده است.

این فقرات باید خیلی محرمانه بماند اگرطلوع کرد پاپی می‌شوندکه بدانند ازکجا بنده فهمیده است. اینها مجمل کتابچهٔ زالاطاروف است که درمجمع خاص درحضور برادر امپراطورکران دوك ولادمر و غیره خوانده است باعجله باخطوط مختلف ترجمه وعرض شد .

۱ ـ مطابق۱۲۵۲ق سالی که محمدشاه قاجار به تسخیر غوریان و هرات رفت.

گزارش چهارم

این گزارش را علاءالملك به صورت یادداشت به خط خود نوشته و بوسیلهٔ وزارت‌خارجه برای امین‌السلطان (اتابك) فرستاده و از اقدامات جمال‌الدین افغانی (اسدآبادی) در پترزبورگ و عنوان مجعولی که او برخود بسته سخن رانده، تاریخ این کاغذ ظاهراً قبل از سفر اخیر جمال‌الدین به ایران بوده و در حدود ۱۳۰۶ق می‌باشد .

هو- شیخ‌جمال‌الدین در پطربورغ ومسکو و تفلیس و مکاره شهرت می‌داده است که حضرت اجل اشرف به‌او مأموریت داده‌اند رفته مسیوغرس را دیده بگوید که اگر آنها چاره بیندیشند و به حضرت اشرف همراهی نمایند عمل بانك انگلیس را به‌هم می‌زنند و به هرجا که رسید به‌بنده این‌صحبت را کردند. به همه‌گفتم اگرحضرت اجل سفارشی و رجوعی به وزیر امورخارجهٔ روس داشته باشند از شیخ نزدیك‌تر و امین‌تر آدم دارند و بهتر می‌دانند که وزیرخارجه به هرکس‌مداخله به هرقسم صحبت نمی‌دهد وانگهی فرض محال محال نیست فرضاً چنین فرمایش از حضرت اشرف به شیخ شده‌آدم امین این چیزها را برای خود اسباب شهرت قرارنمی‌دهد ویقیناً دروغ است . با مسیو « زناویف » هم‌که ملاقات و صحبت شد به مناسبتی‌گفت جمال‌الدین چند دفعه خواست نزد من بیاید مرا که فرصت صحبت با این قبیل اشخاص نیست. لابدأ آخر روزی خواستم ، از وزارت خارجه مأموریت می‌خواست از طرف ما مأموریتی چیزی ندارد ، ما نمی‌توانیم این‌جور اشخاص را مداخله به بعضی صحبتها بدهیم ، مقصودش چه بود ؟ گفتم بنده او را خوب نمی شناسم تردد هم نزد بنده نداشت‌از دور شنیده‌ام‌مرد سیّاح[1] است .

برای‌اطلاع خاطر مبارك عرض مراتب را لازم دید عرض دیگر اینکه میرجعفر نامی‌هست دست‌پروردهٔ مستشار ، به پطربورغ افتاده است و لابدکرده‌اند مأموریت

۱- در متن سند « صیاح ».

مکاره را به او رجوع کرده آدم درست نیست از هر کس اسم او را برده تحقیق بفرمائید عرض می کند چطور آدمی‌است، باشیخ راه پیدا کرده مبادا دربارهٔ اوخواهشی نماید و حضرت اشرف قبول فرمایند که ابداً صلاح نیست بنده لابداً از دورها اورا راه می‌برد. الامر الاجل مطاع

هو

شیخ جمال الدین و ملکم و مسیو و قطبیس و امثال اینها [پیدا شده]

در حضرت اجل اشرف ها و به مأموریت ملکه انداخته رفته

مسیو عوس را دیده میگویند که اگر اینها چاره نکنند نشسته

و بحضرت اشرف امیر اتابک [مقاصد] عهد نامه انگلیس را

بهم میزنند و بعد چاره رسید به بقیه اهل صحبت را که در

همه گفتم اگر حضرت اجل سفارش و رجوع بدربار امور

خارجه روس و انگلیس را از شیخ نزدیکتر و [؟] من نزدیک

آدم دارند و تقدیر شده است در دربار خارجه بهتر [؟]

مداخله در قسم صحبت نمیکنند و انگلیس قرض میکند [؟]

میل نیست فرصت خلاص فرمایش از حضرت اشرف

بیشتر شده آدم [؟] اهل خبر ما را کفر [؟] .

[illegible]

آخر روزی خواستم از وزارت خارجه مأموریت
منحوب است از طرف ما مأموریتی چیزی ندارد ما نمی‌نویسیم
اینجور اشخاص را مداخله بعضی صحبتها بدهیم مخصوصاً شخصی که
گفتم بنده او را خوب نمی‌شناسم تردد هم از نزد بنده
ندارد از خود شنیده‌ام مرد صالح است
بعد اطلاع خاطر مبارک عرض مراتب را لازم دید
عرض دیگر آنکه میرجعفر مأمور است ولی سه روز داده
مثل پیطرپور انبار آن سه و لابد گمرک است ما موانش
مکاتبه را باد رجوع کند آدم درست نیست
از هر کس اسم او را برده تحقیق نموده‌اند قرض می‌کند
چطور آدم است بالاخره راه پیدا کنند ما دادیم دوباره
او خواسته است از حضرت اشرف قبول بفرمایید
ما ابداً جرائم نیست بنده لابد آن را از درجا
او را راه می‌برد الامر الاقدس مطاع

گزارش پنجم

این نامهٔ محرمانه را علاءالملك شخصاً به امین‌السلطان نوشته و از مناسبات میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله با روس‌ها و نگرانی انگلیس‌ها از روی کار آمـدن او سخن رانده است ، میرزا یحیی خان مشیرالدوله برادر میرزا حسین خان سپهسالار می‌باشد،وی از ۱۳۰۳ تا اوائل ۱۳۰۵ وزیر خارجه بود .

۱۴ جمادی الاولی ـ هو ـ خیلی محرمانه است تصدقت شوم از قراری که فهمید گویا به مشیرالدوله در مسائل خارجه باز مداخله داده می‌شود و از این جهت به غایت انگلیس‌ها دلتنگ هستند. می‌گویند معزی‌الیه جاسوس و درمنفعت دولت و وطن خود بی قید است اگر جزئی نفع شخصی داشته باشد تماماً را فدای خود می‌کند.

روس‌ها که به‌آن شدت رنجیده و در پاره‌ای مقام‌ها بودند به‌هزارتدبیر خارج و داخلی ملایم گردیده راه مسالمت را پیش‌گرفتند؛ حالا اگر انگلیس‌ها بدگمان بوده رم بخورند شاید نقشی بزنند که درآینهٔ تصور هیچ‌کس نباشد علی‌الخصوص که مشیرالدوله در نزد روس‌ها هم‌آن اعتبار را ندارد. خود مسیو غرس درعزل او که به پاره‌ای حرف‌ها به‌میان‌آمد به بنده گفت گلهٔ ما از این‌است که چرا ما مطلع‌نشدیم وبه‌اسم انگلیس‌ها تمام شد وگرنه ما می‌دانیم اوآدم «لژر» سبك و «انکاپابل»است؛ یعنی استعداد این کار را ندارد. این هم تفصیلی که از او در روزنامهٔ روس نوشته‌اند جهت اطلاع مراتب را عرض و روزنامه را فرستاد اگر صلاح دیدید زودتر به‌عرض خاك‌پای اقدس‌همایونی روحی‌فداه برسانید. الامرالعالی مطاع [1]

محمودالطباطبائی

۱ــ دربارهٔ تمایلات‌سیاسی‌میرزایحیی‌خان‌مشیرالدوله و خصوصیت او با روس‌ها، یك‌نامه ازسفارت انگلیس ویك‌گزارش ازاتابك و یك دستخط از ناصرالدین‌شاه درصفحهٔ ۱۵۰و۱۵۱و ۱۵۴و۱۵۵و۱۶۰ کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه پیوست‌گزارش بالا چاپ‌شده‌است.

Call No. ٧٩٤ ٢١٣ ٥٩١٤ Date 12.4.55

Account No. ~~1350~~ 7

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

۱۴ جمادی الاولی

خیلی محرمانه است

تصدقت شوم

از قراری که فهمیده گویا مشیرالدوله و بعضی

خارجه باز مداخله داده میشود و از اینجهت بعضیات انگلیسیها [illegible]

میکوشد که معزی الیه جاسوس و در منفعت دولت و وطن خود بیدار [illegible]

اگر چه نفع شخصی داشته باشد [illegible] خود میکند روسها [illegible]

رنجیده و در باره [illegible] بوده اند بعد از تدبیر خارج و دخل [illegible] کردیده

راه مسالمت را پیش گرفته اند حالا اگر انگلیسیها [illegible]

رم بخورند شاید نقش برزنند در آینه تصور هیچ [illegible]

علی الخصوص مشیرالدوله و فرزند روسها آن اعتبار [illegible]

خود مسیو غرس و عزل او در باره حرفها بمیان آمد [illegible]

که ما در اینجا است هرچه ما مطلع نشدیم و باسم انگلیسیها [illegible]

و گرنه ما میدانیم او آدم ([illegible]) نیست و [illegible]

[illegible]

Call No. .... Date 12.4.55

Account No. ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

گزارش ششم

این گزارش را علاءالملک بصورت یک نامهٔ خصوصی برای اتابک نوشته و از مخالفت وزارت خارجهٔ روسیه با اتابک و از دادن نشان به وزیرمختار روسیه وبعضی مطالب شخصی خود یادکرده است .[1]

۱- تاریخ این کاغذ ۱۳۰۸ق می‌باشد زیرا بتسوف وزیرمختار روسیه که دراین‌نامه به او اشاره شده درنیمهٔ دوم سال ۱۳۰۷ به‌ایران آمد.

٤ جمادی الثانی - تصدقت شوم امروزها الحمدلله تعالی اقلام و زبان‌ها و افکارساکت است. چند روز قبل براین به مناسبتی با مسیو زناویف در شأن حضرت اشرف امجد ارفع روحی‌فداه صحبت می کرد . این قدرها مقرشد که ما نمی‌توانیم بگوئیم‌شاه با ما دشمنی می کند معلوم‌است گله ازجناب امین‌السلطان درباطن به کجا راجع بود وآنوقت‌ها اعلیحضرت امپراطوری خیلی در باطن رنجش‌داشت و من گمان نداشتم که باز به آنطورها خوش‌بگذرد . بعد صحبتهای مفصل شد. امیدوارم به مرور مطلب به همه معلوم شده و دانسته‌اند که حضرت اشرف در حفظ منافع ولینعمت خود و ایران بوده ؛ دشمنی با کسی‌ندارید.

اگر به مناسبت به مسیوبتسوف[1] حالی بشود که زحمت و تلاش‌های حضرت اجل را درحفظ دوستی‌فیمابین به اینجا نوشته خواهش نشان جدید نماید برای‌آرام نمودن‌قلوب مخالفین‌ضرری نخواهد داشت ؛علی‌الخصوص از قراری که در روزنامهٔ پطربورغ[2] خواند به بتسوف نشان مکلل به الماس مرخمت شده‌است . حضرت اشرف محتاج این چیزها نیستند ولی برای پیشرفت امور و تقویت و آرامی قلوب خارج و داخل این‌چیزها درمقام خود اسباب است.

روس‌ها رسمشان براین‌است بدون‌اطلاع مأمورین خودشان به خارجه بی‌خبر

۱- دراصل «بدصوف» نوشته شده است.

۲- دراصل سند «پطرزبورغ» است.

از آنها نشان و امتیاز نمی‌دهند وگرنه حاجت به این عرض نبود. حتی قونسول تبریز[۱] دربارهٔ جناب جلالتمآب اجل اکرم امیر نظام[۲] نشان استدعا کرده بود باز به وزیر مختار خودشان نوشته تحقیق‌نموده اطلاعات‌خواستند؛ بدون تصدیق و اطلاع وزرای مختار خودشان کار نمی کنند.

اینکه در تلغراف رمز اعلام فرموده بودند به‌مسیوغرس[۳] تلغراف تهنیت عید فرستاده‌اند و به «پاپوف» تبلیغ دوستی حضرت اشرف را نماید افتخار از اطلاع آن حاصل نمود این وضع‌ها خیلی خیلی خوب است هرقدر اسباب تحبیب زیاد بشود البته بهتر است. پاپوف همیشه احوال می پرسد آدم «لور»[۴] و بسیار با حقوق و باصفت است. کلیهٔ شهدالله تعالی هر کس که اطلاع به مکارم اخلاق‌عالی رسانیده همیشه ذکرخیر می کنند و توصیف می‌نمایند؛ مسیوغرس و پاپوف و وزیرجنگ و چند نفر دیگر از معتبرین و سفرای کبار را به فردا شب دعوت کرده خواهند آمد با عیال خودشان. مردم را بیست چهارنفر بیست چهارنفر به فرقه دعوت می نماید! نهارخانه بیشتر از این را وسعت ندارد. در زیر سایهٔ حضرت اشرف همه نظر دیگر درحق فدوی دارند. در هیچ عصر سفرای ایران به این درجه با وزرا و اعیان روسیه مخالطت نداشته حق هم به طرف آنها بوده است که در دل امید و ذوقی نبوده است شاید هم بنده آخرین باشد.

باقی این‌مطلب را امید دارد حضوراً به عرض برساند. هر روز منتظر اجازهٔ شرفیابی خود است به اعلیحضرت امپراطور هم عرض کرد که اجازهٔ سفر موقتی به

۱- «پتروف» که بیش ازبیست وچند سال کنسول روس درتبریز بوده‌است.

۲- حسنعلی خان امیرنظام گروسی که درآن زمان پیشکارکل آذربایجان بود.

۳- مسیو کرس وزیر خارجه.

۴- مقصود ازکلمه «لور» معلوم نشد همان «لر» است یاآنکه اصطلاح روسی یا لاتین می باشد.

وطن‌خواسته منتظرجواب مرحمت آیت‌است .

از قراری‌که از تبریز نوشته‌اند همشیره خیلی ناخوش‌است مستدعی است‌که اجازه مرحمت فرمائیدآمده دیداری از اقوام بکند و مخصوصاً زیارت وجود مبارك به‌قدری مستولی شده‌است‌که اگر اجازه مرحمت‌نفرمائید بسیاربسیار ملالت حاصل خواهد کرد و وجوداً به حق خدا خیلی ناخوش است بدون حرکت از پطربورغ نمی‌تواند قوتی پیدا بکند . الامرالاجل مطاع .

محمودالطباطبائی.

Call No.......... Date....12. 4. 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, the book is kept beyond that day.

تصدقت شوم

امروزها الحمد لله تعالی اقدس [illegible]

چندروز قبل برای نمایش مسیو [illegible] از شأن حضرت اشرف [illegible] از جناب

اینقدرها متفرق شده نمی‌توانیم بگوئیم شاه بابا دشمنی میکند معلوم است که از [illegible]

این انعطاف و باطن کمی راجع بود و انواع اعلیحضرت امپراطوری [illegible]

بخشش [illegible] کمال بدانیم [illegible] ما نظورها خوش نگذرد [illegible]

امیدوارم امروز مطلب همه معلوم شده و دانسته‌اند حضرت اشرف [illegible]

منافع ولی نعمت خود را به دشمنی با کسی ندارند [illegible]

اگر مناسبت مسیو [illegible] صورت حاصل شود در رحمت [illegible]

و حفظ [illegible] نوشته خواهش [illegible]

بعد آرام ممنون قلوب مخالفین ضرری نخواهد داشت [illegible]

از ممالکی که در روزنامه [illegible] خوانده [illegible] شاه [illegible]

مرحمت شده است حضرت اشرف [illegible]

ولی برای پیشرفت امور و تقویت و آرامی قلوب [illegible]

عهد و شاه اند، دیباپوق تبع وی حضرت اشرف بوده ۹۲ افتخار از تعلیم الاصل بود

این وضع‌ها خیلی خوبست هر قدر اسباب تمکین زیاد شود البته تغییرات یا وقت ایشه لی

احوال می‌رسید آدم بود و بسیار با حقوق و صفت است که تکلیف شده اینها

هر کس که اطلاع به مکارم اخلاق عده رسانیده همیشه ذکر خیر کیتسه و توصیف ملت

سیورغس و پاپوق و وزیر خارجه و چند نفر دیگر از معتبرین و شعرای کمال

نفر و ایشان دعوت کرده خواهد آمد با عیال خویشان مردم را که اینجا بود

بیست چهار نفر تخمیناً دعوت شده به نهار که بیشتر اینها را و بعضی دارد و اینجا

در زیر سایهٔ حضرت اشرف همه طور دیگر وجهی عمومی داده یکشنبه

عصر شعرای ایران با این درجه با وزرا و اعیان روز یکشنبه حالت

حق الطاف اعلیحضرت است که در دل است و دو دعا نموده

شاید شده آخر باشد تا این مطلب نبود است دارد

حضور را عرض رسانیده هر روز منتظر اجازه تشرف‌یابی حضور

با حضرت امیرالمؤمنین عرض کرده که اجازه شود موقع برای تشرف

منتظر جواب مرحمت آیت است از قراریکه از ایران

همشیره جمع ناخوش است مستدعی است که اجازه مرحمت

آمده و دیداری از اقوام بکند و مخصوصاً زیارت و خوشحالی

بعد از تشویق شده است هر از اجازه مرحمت بلکه بسیار بسیار

[illegible]

گزارش هفتم

این گزارش‌را نیز علاءالملك شخصاً برای اتابك نوشته و حاوی بعضی خبرهای سیاسی است و اشاراتی از همکاری جمال‌الدین و ملکم دارد و از تحریکات خارجی برضد ایران و لزوم اصلاحات داخلی کشور سخن گفته است، از فحوای مطالب آن پیداست که مربوط به سال ۱۳۰۹ می‌باشد.

تصدقت شوم- مدت‌هاست غیراز دستخط مختصر تعلیقه‌ای از حضرت مستطاب اجل زیارت نکرده‌است اگرچه می‌داند خیلی مشغول‌هستید و شوراهای محرمانه می شود و به‌عقیدهٔ خارجی‌ها در تدبیر اصلاحات داخله صرف اوقات می‌شود ولی چطور و چگونه خبرندارد. اگراز نامساعدتی بخت و دوری‌مسافت لزوم اطلاع خود را از مجاری حالات و خیالات اولیای دولت علیه نتوانسته است به حضور مبارک مبرهن نماید ولی خود شك ندارد که اطلاعات فدوی شخصاً وعموماً مفید است .

اولاً اینکه مرقوم فرموده بودید احضار آخوند تبریز حالا صلاح نیست[1] انکار ندارد که موقع این کار قدری گذشت ولی وقتی احضار خواهید فرمود، تازمان مستقبل مطلب را چطور ثابت نماید؟

قدری سلیقهٔ ملاً اعلی که ضعف نفس غلبه دارد وقدری هم‌مکاتبه و مراسله‌جات آخوند حضرت مستطاب عالی را از این خیال منصرف نمود. جهة سیم هم مخالفت منافقین بود حالا میانهٔ او واقوامش نقار افتاده‌است، سرش به‌ترکهٔ وارث مشغول‌است.

از فوت مشیرالدوله[2] وموسوم شدن معین‌الملك[3] به جای او خبردارد هردوخوب

۱- حاج میرزا جواد مجتهد متنفذ تبریز که درواقعهٔ رژی یکی ازپیشقدمان مردم‌تبریز درایجاد غوغا و مخالفت با دولت بود و درشعبان ۱۳۱۳ق درگذشت ، درتبریز چهل‌روز برای او عزاداری کردند .

۲- مقصود میرزا یحیی‌خان‌مشیرالدوله است‌که نزد روس‌ها نسبت به‌اتابك تفتین‌می‌کرد.

۳- معین‌الملك شیخ‌محسن خان‌است‌که لقب مشیرالدوله گرفت وازسال۱۳۰۹ تا۱۳۱۷ وزیرخارجه بود و درسال ۱۳۱۷ درگذشت.

است معین آدم بدی نیست بطور ارادت راه خواهد رفت.

مسیو غرس محرمانه به « بد سوف» اشاره کرد که به حضرت مستطاب عالی دوستی نماید، شیطان که به درک واصل شد[۱] من بعد قدری آسوده خواهید شد.

با جناب جلالت مآب اجل آقای امین‌الدوله[۲] که صفا حاصل شده مهربانی می فرمائید از آن طرف هم آسودگی حاصل انشاالله امیدوار است قدری حواس[۳] رسیدن امور معضله مملکت را بگذارند داشته باشید ولی باید فکر عمیق وعمده کرد وگرنه عوض نمودن القاب واشخاص به درد دوا نمی کند.

کسی به لندن می‌رفت به او سپرده بود از حالات بعضی اطلاع کامل حاصل نماید. این روزها برگشته بود می گفت شیخ جمال هم آنجاست و در همسایگی ملکم اوطاق مختصری دارد؛ ملکم به فارسی و او به عربی چیزها نوشته به مردم می‌فرستند. وشیخ علت اخراج بلدشدن خود را ازحضرت مستطاب عالی می‌داند و خیلی مفلوك است می گفته است سوارها که مواظب بیرون کردن من ازطهران بودند هرچه داشتم گرفتند حتی چاقوی جیبی را هم درآوردند. در کرمانشاهان حاکم آنجا چهل تومان پول ویك عبا به‌من‌داد.[۴] به بصره رفتم وآنجا به یکی از شیوخ عرب راه پیدا کرده در قایق او را از بصره گریزانده پول وعبائی به‌من‌داد؛ در سی و دو روزه آمدم به‌لندن.

در باطن با ملکم خوب نیست ولی درفساد همدست هستند؛ و روزنامهٔ جدیدی اختراع خواهندکرد. عبدالحسین خان هم که زن انگلیسی گرفته به ایران مراجعت کرده از او نباید غفلت کرد که یقیناً مکاتبه با حضرات خواهد داشت ومضمون گوی

۱- مقصود میرزا یحیی خان مشیرالدوله است که نزد روس‌ها نسبت بـه اتابك تفتین می کرد

۲- میرزا علیخان‌امین‌الدوله درآن زمان رئیس دارالشورای دولتی وازمدعیان‌صدارت ورقیب سرسخت اتابك بود.

۳- دراصل «هواس» نوشته شده است.

۴ -حاکم کرمانشاه زین العابدین خان حسام‌الملك همدانی بوده است که بعداً لقب « امیرافخم» گرفت .

غریب است دیگر چگونه از او اطمینان حاصل شود راه او را حضرت اجل بهتر می‌دانند[۱]. حرف شیخ و ملکم سر مویی مؤثر نمی‌شود اگر فکری به‌محکمه‌های عدلیه و به ساختن طرق تجارت و ربط و نظمی و حسابی رسماً فی‌مابین ادارهٔ مذهبی و دولتی بشود و گرنه سعی‌ها عبث و آسودگی و اختلال حواس بسته به حدوث اتفاقات یومیه خواهدبود. آن وقت دامن زدن آنها به آتش افروخته البته مؤثر می‌شود علاج این امرهم که خیلی با مزاج‌ها که می‌دانید مخالفت دارد به دست بیاید تا خدا چه بخواهد و چه بشود؟

در باب کالسکه و درشقه (درشکه) و غیره که تلغراف (تلگراف) فرموده بودید فی‌الفور به قونسول «وارشولی» سفارش داد مشارالیه نیز انجام و به حضور مبارك عرض تلغراف منتظر جواب بوده‌است؛ البته جواب مرحمت فرموده‌اید تا از آن قرار رفتار نماید.

این عریضه را عرض کرده بود که تعلیقهٔ مبارك که متضمن راپورط (راپرت) به خط مصباح رسید زیارت نمود. اولاً گمان دارد که این گله‌ها بقیهٔ افسادها باشد که مشیر ذخیره به حضرات گذاشته رفت. [۲] من‌بعد بهتر می‌شود ولی کلیهً نکتهٔ کار همان‌است که درعریضهٔ دیگر عرض کرده است. از اینجا پاپی‌نیستند و نمی‌شوند و حالت ها خوب است نیتشان هم آن است که اظهار کرد اگر در آنجا قوت قلب شان داده شود ابداً آن گله‌ها اثر نخواهد داشت و چون هرگز مشیرالدوله عوض ندارد وکسی جای اورا نمی‌تواند بگیرد و مادر فاحشهٔ زمانه به این زودی‌ها آن جور ولدالزنا تولد نخواهد کرد [۳] حالت‌ها خیلی تفاوت خواهدنمود. این گله وشلتاق‌ها و اظهار رنجش برای آشتی است اسباب آشتی چه چیزاست او را خود بهتر می‌دانید. فرضاً اگر امروز حضرت اجل خود را کنار بکشید و دیگری پیش بیاید اگر آن

۱ـ دانسته نشد کی بوده است.

۲ـ و ۳ ـ همان میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله پسر میرزا نبی خان قزوینی و برادر میرزا حسین‌خان سپهسالار است‌که قبلاً از او نام برده‌شد.

دیگری مرام حضرت را داد فبها والا همان گله‌ها از سر شروع خواهد شد وحتی اگر امروز هر چه می خواهند به آنها بدهند یك سال ساکت هستند بعد تمناهای دیگر به میان می آید و توقعات تازه خواهند نمود [1] . چهل سال است صاحب‌کار با اینها سر و کله می زند بر ذمهٔ اوست خیر خواه خود را شناخته از همهٔ صدمات حفظ نماید ولی چون از بزرگ و کوچك جز خدا، حافظی و حارسی نداریم امید که خود حفظ فرماید [2] .

یك هفته نمی شود که به ارباب کل حضرات صحبت‌های خوب مخلّدکرده و پاره مطالبی را مسجل نمود مطلب هم برخودشان واضح است ومیان حق وناحق تمیز می دهند اما زور می‌گویند. مبطل‌جمیع حقوق است فدوی با عجلهٔ تمام منتظر زیارت دستخط دیگر است ببینند حالت ها عوض شده یا باز مثل اولی است. عجالةً در اینجا صحبت تازه‌ای نخواهد کرد منتظر زیارت دستخط دیگر خواهد شد . حضرات هر کس را پیدا بکنند آن قدر وساطت او در امور مضر نمی شود . مشیرالدوله مایهٔ دیگر بود و مراقبت غریبی داشت و جسارت زیادی او و مرحوم سپهسالار وقتی به‌مرور عداوت امین‌الدوله را به قلب حضرات انداخته بودند . درثانی به حضرت اجل پا پی شده بود اثر افسادهای اوست که زود محو نشده ولی اعتقاد فدوی این است به مرور محو بشود .

حضرت اجل مدظله‌العالی هم از قبیل معین قدیم [3] و امثال او به این کارها مداخله ندهند همینکه مداخله نمودند می شود جلو آنها از دست در برود به خیالات خام افتاده در حضور همایونی اسباب انجام خیالات نفسانی برای خود فراهم بیارند.[4]

۱ـ از مفاد این گزارش چنان بر می آید که روس ها در تاریخ تنظیم گزارش با اتابك سر مخالفت وخصومت داشته‌اند تا جائیکه او شاید فکر کناره‌گیری بوده‌است .

۲ـ علاء الملك دراینجا تلویحاً ازناصرالدین شاه گله کرده‌است.

۳ـ همان شیخ محسن خان است که درآغاز این گزارش از او یاد شد .

۴ـ صمیمیت وحسن عقیدهٔ علاءالملك نسبت به اتابك از این‌گزارش بخوبی پیداست .

کاش پاره ای خواهش ها مختصر را از حضرات نمی کردند و بی جهت مرهون [1] منت نمی‌شدیم ولی چه‌فایده، اولاً نمی شودجسارت کرده عرض نمود و اگر عرض هم بشود قبول نیفتاده مثل رژی اسلامبول که تفصیل را علیحده عرض کرد [2]. الامرالاجل مطاع

محمودالطباطبائی

۱- در اصل سند ، مرحون

۲- از رژی اسلامبول مقصود قرار دادی است که دولت ایران برای صدور توتون و تنباکوی ایران از طریق خاك عثمانی با دولت مزبور منعقدکرده بود .

Call No.......... Date....12.4.55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

تصدقت شوم) مراحمات عزیز و دستخط مهر تعلیقه از حضرت مستطاب اجل

زیارت شد شکر است اگرچه بیرون هیچ مشغول است و شوراهای محرمانه میشود و بعضی

خارجها در تدبیر اصلاحات و اغلب صرف اوقات میشود ولی جلو [illegible] میگیرند

خبر ندارد اگر از ما ساعه‌ای تحت دوری مسافت از دوام الملک خبر را از چی دارید

حالات و خیالات اولیای دولت علیه نوشته است بحضور مبارک میرسانم

ولی خود تنگ ندارد و ملاحظات قدری شخصاً دعوت مفیده است

او تند سکه مرقوم فرموده بودید احضار آخوند تبریزی حالا صحیح نیست انکار ندارد

که شروع ایالت قدری گذشت ولی احضار خواهید فرمود تا زوال مستقبل سلطنت را

حفظ نمایید [illegible] قدری سلیقه [illegible] ضعف نفس عمده دارد و قدری

مکاتبه و مراسلات آخوند حضرت مستطاب را از خیال منصرف نمود

جهت [illegible] تا مخالفت با تعلق بود حالا [illegible] او و اقوامش نقار افزوده است

ریش بزرگه وارث مشغول است

در فوت [illegible] الدوله و [illegible] شدن [illegible] یک [illegible] او [illegible] دارد [illegible] خوب

یعنی آدم به [illegible] بطور [illegible] راه خواهد رفت میشود ولی

محرمانه [illegible] انشاءالله [illegible] حضرت مستطاب [illegible] شده

و [illegible] واحد [illegible] قدری [illegible] خواهید شد

[illegible]

[illegible]

مردم گرسنه و شیخ ملت اخراج بلد شدن خود را از حضرت مستطاب عالی [illegible]

و قتل [illegible] است شگفت است سوار را [illegible] مطلب برون کردن و از طهران بوده

ارچه دانم گرفته حق حاجی قوام جیب را در آورده‌اند و در گرفتن مال حاکم [illegible]

پول دیگر [illegible] از بصره رفتم و آنجا [illegible] از شیوخ عرب راه پیدا کرده و در قایق [illegible]

از بصره گریزانده پول حاجی [illegible] داد و در [illegible] روزه آمده [illegible]

در باطن با حکم خوب نیست ولی در [illegible] دست [illegible] و در روزنامه [illegible]

اخراج خواسته‌اند که [illegible] الحلیس خان [illegible] انگلیس گرفته [illegible]

ارزو [illegible] فقط که [illegible] با حضرات خواهد [illegible]

غریب است [illegible] [illegible] راه او را حضرت [illegible]

و [illegible] شیخ [illegible] موثر نمیشود اگر فکری [illegible] عدلیه [illegible]

طرق [illegible] و ربط [illegible] اداره [illegible]

و [illegible] و [illegible] و اعتدال [illegible] بسته [illegible]

[illegible] خواهد بود آنوقت [illegible] انشاالله [illegible] موثر شود

[illegible] امر [illegible] باید

تا خدا چه خواهد و چه شود [illegible]

فی الفور [illegible]

عرض [illegible] جواب [illegible] الله جواب مرحمت فرمایید

[illegible]

[illegible]

این کلمه رشته قهرها و اظهار رنجش برای آشتی است اسباب آشتی چه چیز است او که خود

بهتر میداند فرضاً اگر امروز حضرت حق خود را کنار بکشد و دیگری بنشیند باید

اگر آن دیگری مرام حضرات را داد قهرها والله اعلم کلمه ها از سر نو خواهد

رفت اگر امروز هرچه میخواهند بآنها بدهند یک سال ساکت نشسته بعد تقاضای

دیگر بمیان بیاید توقعات تازه خواهند نمود

چیزی که میدانست صاحبکار را اتهام که هر چه در ذمه اوست خود خواه خود

شناخته از همه صدمات حفظ نماید ولی چنین از بزرگ و کوچک جز منت

حافظ و یاری ندارم امید که خود حفظ فرماید

گفتگو نشود [illegible] باب [illegible] حضرات صحبتهای خوب خواهند کرد [illegible] مطالب

صحبت نمود مطلب [illegible] واضح است و [illegible] حق [illegible]

آغاز و [illegible] مبلغ جمیع حقوق است

فردی بالجمله تمام خطر زیارت [illegible] دیگر است [illegible] عوض شده [illegible]

[illegible] است [illegible] صحبت تازه [illegible]

حضرات [illegible] پیدا کنند انقدر وساطت [illegible] نمیشود

[illegible] دیگر بود و رقابت غریبی داشت و [illegible]

[illegible] مرحوم [illegible] وقتی [illegible] عداوت [illegible]

حضرات انداخته بودند [illegible] شده بود

اطراف [illegible] نشده ولی اعتقاد [illegible]

[illegible]

Call No.......... *Date*... 12. 4. 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last [date] stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day the book is kept beyond that day.

گزارش هشتم

این گزارش را علاءالملك شخصاً به اتابك نوشته ، دربارهٔ ملکم و قرار داد لاتاری و بعضی مطالب مربوط به سیاست انگلیس و روس و ایران و روس و عثمانی را یاد آور شده است .

۱۲ صفر ۱۳۰۸ تصدقت شوم سابق ترجمه فرستاده بود که در لندن مجلس کرده در باب کونسسیون [1] پارهٔ حرف ها به اشاره و تصریح در حق همه نوشته بودند[2].

گلهٔ او را از ایلچی کبیر انگلیس کرده توضیحات خواسته بود؛ مشارالیه به لورد سالسبری نوشته بود [3]. این روز ها لورد سالسبری محرمانه نوشته بود که این مجلس به جهت به هم خوردن کونسسیون لاطاری بوده است که ملکم گرفته و به دیگران فروخته بود چون ما به آووکاهای [4] دولتی خود که وکلای شرعی باشند و سه نفر از معتبرین بودند این کونسسیون را دادیم ملاحظه کرده ببینند آیا موافق قانون انگلیس است یا نـه و مسئولیت تبعهٔ انگلیس در این باب چیست و به چه

۱- کنسسیون (امتیاز)

۲- وقتی ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان در اسکاتلند بود ملکم از شاه اجازهٔ تأسیس یك کمپانی لاتاری در ایران گرفت ، این اجازه ظاهراً به نام کاردوال تبعهٔ فرانسه و منشی سفارت ایران در لندن ومعناً برای خود ملکم بود واستفاده از اجازه مشروط بر آن بود که شاه پس از بازگشت به ایران و رایزنی با روحانیان به ملکم اطلاع دهد ، روحانیان تأسیس کمپانی لاتاری را همانند قمار خلاف شرع دانسته و اتابك به دستور شاه لغو آن اجازه را به ملکم تلگراف کرد ولی ملکم با آزمندی و شتاب متن قرار دادی را به اسم کاردوال تنظیم کرد و به نام وزیر مختار ایران آن را تصدیق نمود و با واگذاری آن از دو کمپانی انگلیسی چهل هزار لیره استفاده کرد و به دستور شاه و اتابك اعتنا ننمود به همین مناسبت از مقام و امتیازات خود عزل شد و به مخالفت با ناصرالدین شاه و اتابك برخاست . (اسناد مربوط به این قرار داد را درکتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه ببینید .)

۳- Lord Salisbory نخست وزیر انگلستان .

٤- Avocat وکیل دعاوی

اندازه است .

آووکا ها این کونسسیون را بر خلاف قانون انگلیس یافته و از آن طرف در طهران دولت ایران اظهار کرد که این کونسسیون بدون ملاحظه از اعلیحضرت همایونی گرفته‌اند و بر خلاف مذهب و شریعت اسلام است پس گرفته از قوت انداختند . آنهائی که پول داده خریده‌اند متأثر شده‌اندکه چرا به یك چیز بی‌اصل آنها را فریب داده ؛ فروخته ، پولشان را گرفته‌اند ، جمع شده از این‌حرف ها زده‌اند. ودر روزنامهٔ تایمز [۱] هم به طور خوب دوباره عذرمجلس سابق را خواسته اظهار کرده بود ،کمپانی در صدد استراد پول خود خواهد در آمد .

تفصیل را ایلچی‌کبیر به بنده اظهار و کاغذ لورد سالسبری را نشان داد و از حضرت اشرف امجد ذکر خیر کرده بود . بنده خواستم سواد یا عین آن کاغذ را گرفته حضورمبارك بفرستم بی اجازه نتوانست بدهد به لرد سالسبوری [۲] تلگراف [۳] کرده اجازه خواست درجواب نوشته بود که ، آن کاغذ محرمانه برای این است که مضمونش را به وزیر مختار ایران بیان نمائید . چون بقدری که لازم است در طهران به وزیر اعظم [۴] اطلاع داده شده دیگر سواد دادن لازم نمی باشد .

مراتب را برای اطلاع خاطرمبارك عرض نمود . اخبارات جدید نیست دو فقره ترجمه بود ارسال حضور مبارك نمود .

بعضی تصدیع ها که در عرایض سابق خود به حضور مبارك داده نمی داند به چه اندازه برخفت عقل این بنده دلالت خواهدکرد . هنوز به جوابی سر افراز نشده مجدداً عرض می کند در راه قفقاز فرمایش فرمودید که بنده به آن شرط که می فرمودید سایرکارها را واگذار و امری اختیار فرمایند . پروتست کرد.[۵] چنانکه آنوقت هم عرض‌نمود حالا نیزعرض می کندکه به شرط نگاهداری

۱ـ دراصل سند «طمس» نوشته شده است.
۲ـ دراصل لورد سالسبری.
۳ـ دراصل سند تلغراف.
٤ـ امین السلطان (اتابك) .
۵ـ Protest واخواست واعتراض در اصل سند «پروطست» نوشته شده‌است .

تمام امور حالیه در دست خودتان یا مثل در دست خودتان آن یکی کار را باید دردست خود داشته باشند.

حالا موقع است که به این مسئله زود تر صورت می دادند خیالات آسوده و همهٔ آب ها صاف می‌گشت ولی دیگر تأمل و ملاحظه چیست ؛ البته حکمت آن درحضور مبارك است [۱].

این روزها باز کشتی زره پوش جدیدی به‌آب می انداختند همه را دعوت به تماشای آن با لباس نیم رسمی کرده بودند. بنده نیز رفته بود. اعلیحضرت امپراطوری اظهار مرحمت فرموده و دست دادند. مجلس خوش گذشت در وزارت خارجه هنوز منتظرهستند که مقاصد شان به‌کجا برسد. ولیعهد روس دیگر به اسلامبول نمی رود زیرا که سلطان قدری کار را منظم گرفته واین فقره برخلاف کشیش های قرق که هم مذهب روس ها هستند شده است و خلیفهٔ قرق ها امر داده تمام کلیساها را بسته‌اند، چون ولیعهد اگر رفت باید جلو او خاچ صلیب سازند و به‌کلیسا برود وشاید مسیحی ها به عرض و داد روند وتکلیف به‌گردن وارد می‌شود لهذا به اسلامبول وقدس جلیل نمی رود ولی به سایر ممالك از هندوستان و چین و غیره خواهد رفت.

الامر الاجل مطاع، برای زیارت وجود مبارك و دست‌بوس حضرت اشرف روحی فداه خدا می داند چه قدر انتظار بهار را دارد و امیدوار است اجازه مرحمت خواهند فرمود.

محمودالطباطبائی

۱ـ این قسمت از گزارش علاءالملك دلالت‌دارد که میان او و اتابك قول و قرارهائی بوده وظاهراً اتابك وعدهٔ وزارت خارجه یا مقام‌دیگری به او داده بوده است.

Call No.

Date 12.4.55

Account No.

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last [date] stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

۱۲ صفر ۱۳۰۹

[illegible]

سابق ترجمه و تعلیم بود در لندن ملکم خان در باب ... تصدیق شود

کونسیول پاره وقتها اشاره و تصریح و حق العمه نوشته بوده
که او را از ایلچی کبیر انگلیس که توضیحات خواسته بود اشاره بموارد سابق
نوشته بود این بوده سابق محرمانه نوشته بود در این مجلس ... نهم خوردن
کونسیول لاطاری بعجات در ملکم گرفته و بدیگران فروخته بود چون
با آو وکلاهای دولتی خود و وکلای شرعی باشند و نه هنوز از معنی ... بودند
این کونسیول لو داده ام در خط که بر هیئت اما موافق قانون انگلیس است
و مسئولیت تبعه انگلیس در این باب چیست و تا چه اندازه است ظاهر
آورده‌اند این کونسیول را بر خلاف قانون انگلیس یافته و از
در طهران دولت ایران اظهار کرده این کونسیول بدون حق
از اعلیحضرت ها پس گرفته‌اند و بر خلاف مذهب در بعث اسلام
پس گرفته از قوت اند چونکه اهالی نسخه پول داده خریده اند
تا اثر شده است در اینجا یک جزء اصلی اهالی فریب داده
فروخته پولش را گرفته اند جمع شده از نوع ... بود
و در روزنامه طمس اطوار خوب دوباره عذر ... ملکم سابق
خواسته اظهار کرده بود کمپانی در صدد استرداد پول خواهد آمد

[illegible]

بعضی تقدیمها در ورق اتقیای حضور مبارک داده نمیداند که اندازه

رخصت قصد این بنده و دولت خواه کجا است تا بجای سرافراز شده

مجدداً عرض میکند و در راه قفقاز و قشون روسیه بنده با شرط [illegible] نموده

سابق [illegible] واگذار و امری اتفاق افتاده بود طبیعت کرد [illegible]

عرض نمود حالا نیز عرض میکند به شرط آنکه والاحضرت امور حالیه

دولت خواهان باشند و دولت خواهان آن طرف [illegible] باید

دولت خود داشته باشند حالا موقع است [illegible]

صورت [illegible] به خیالات ولیعهد [illegible]

دیگر باشد و ملاحظه حیثیت [illegible] حکمت آن حضور مبارک

این روزها باز کشتی زره پوش جدیدی آب ساختند [illegible]

تماشای آن [illegible] نموده [illegible]

امر [illegible] ولیعهد دولت داده [illegible]

و وزارت خارجه [illegible]

و ولیعهد روس و دیگر [illegible]

[illegible] کشتیها [illegible]

در این مذهب روسها [illegible]

تمام ممالک آراسته [illegible] ولیعهد [illegible]

بلوا و خارج [illegible]

گزارش نهم

این گزارش را علاء الملک دربارهٔ سرقت کتاب های مدرسهٔ سپهسالار محرمانه به اتابك نوشته و تاریخ آن قبل از ۱۳۰۹ می باشد . زیرا مشیرالدوله را که در این نامه نام برده میرزا یحیی خان است که در جمادی الثانی ۱۳۰۹ ق درگذشته است .

محرمانه ـ تصدقت شوم سپهسالار مرحوم [1] چهارده هزار تومان پول داده کتابخانهٔ مرحوم اعتضادالسلطنه [2] را با کتب متفرق برای مسجد ناصری [3] خرید که در میان آنها نسخ های خیلی نادر و پر قیمت هست که در حقیقت این جور کتابخانه شکوه مملکت و دولت می باشد .

حالا از قراری که به یقین پیوست مبلغی از آن کتب را در طهران برده فروخته‌اند و چند جلد هم آورده در تبریز به فروش رسانیده اند . دیگر نمی داند این کار به اطلاع جناب اشرف مشیرالدوله می شود یا اینکه دزدیده به این طورها می فروشند [4] .

آن کتب که در تحویل میرزا حسن خان منشی اسرار بود بنده که در طهران حضور داشت به موجب سیاهه تحویل آدم های جناب اشرف مشیرالدوله نمود . البته صورت آن سیاهه را منشی اسرار باز دارد و یك صورت هم در نزد خود مشیرالدوله است . اگر امر همایونی علاقه گیرد آن کتب را باز دید نمایند هم

۱ـ میرزا حسین‌خان سپهسالار .

۲ـ علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه نخستین وزیر معارف ایران.

۳ـ مسجد ناصری همین مسجد سپهسالار است که ازسی وچند سال‌پیش اسم ناصری‌را از روی آن برداشتند .

۴ـ مشیرالدوله همان میرزا یحیی خان برادر میرزا حسین خان سپهسالار است که در دوگزارش از او یاد شد . میرزا حسین خان چون فرزندنداشت پس‌از درگذشت سرپرستی امور ترکه واموال او ازجمله کارهای مربوط به مدرسهٔ سپهسالار به عهدهٔ وی قرارگرفت وبسیاری ازکتاب های خاص مدرسه در زمان او فروخته شد .

معلوم خواهد شد که چه تلف شده وهم البته من‌بعد به دست شخص امینی که بی‌قید و لاابالی نباشد می سپارند که همچو خزینه بی جهت حیف و میل نشود و هر قدر به‌این امر زودتر توجه‌بشود کم‌تر آن کتب به تلف خواهدرفت–الامر الاجل‌العالی مطاع .

محمودالطباطبائی

محرمانه

نقد قرض شد   سهم الدوله مرحوم چهارصد هزار تومان

پول داده که کتابخانه مرحوم اعتضاد السلطنه را که کتب متفرقه است

برای مجمع خصوصی خریده که در میان آنها نسخه‌های نفیس در دو فقره است

که در حقیقه افتخار کتابخانه سلطنتی مملکت و دولت است

و بعد از تفکیک قسمتی بزرگ از آن کتب را در طهران

[illegible] فروخته [illegible] در [illegible] بمجلس [illegible]

دیگر نمیدانم این کار با اطلاع جناب اشرف مشیرالدوله شده

یا اینکه در ده [illegible] بنظر ما منفرد شده آن کتب را در کجای

میرزا حسن خان [illegible] بعد که در طهران حضور داشت

برحسب [illegible] توجهات جناب اشرف مشیرالدوله نمود [illegible]

البته صورت آن کتب را [illegible] ابتیاع [illegible] دارد

در کتابخانه مشیرالدوله است. اگر [illegible] اعلام کرد

آن کتب را [illegible] [illegible] [illegible]

و هم [illegible] [illegible] شخص [illegible] که [illegible]

Date...12.4.55....

Call No..........

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

گزارش دهم

تلگراف رمزی است از علاءالملك که به وسیلهٔ وزارت خارجه کشف شده و مذاکرهٔ خودرا با مسیوکرس وزیر خارجهٔ روسیه (درموضوع مداخلهٔ سفارت روس در تحریك روحانیان و مردم برضد قرارداد رژی) گزارش داده است .

هو

استخراج تلگراف رمز از پطرزبورغ

به‌جناب اشرف اعظم امین‌السلطان ـ تلگراف رمزجنابعالی رسید به‌مسیوغرس ابلاغ کرد بسیار دلتنگی نمود که به‌ظن و گمان مأمورین امپراطور را نمی‌توان تهمت زد. راست است ماتصدیق رژی را نداشتیم ولی بی‌طرف بودیم[1]. مأمورین سفارت چگونه می‌توانند محرك علما بشوند. هرچه که به «شپیسر» و «عرب»[2] نسبت می‌دهند دلیل صحیح دارند رسماً بنویسند از وزیر مختار تحقیق شود. نصیحت مارا دولت ایران نشنیده این طور اتهام و نسبت را به روس‌ها می‌دهند.

۱ـ قرارداد رژی در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ ق (۵ مارس ۱۸۹۰) بین دولت ایران و «ماژر تالبوت» تبعهٔ انگلیس برای انحصارخرید وفروش دخانیات ایران بسته شده به موجب این قرارداد سالیانه پانزده هزار لیره حق امتیاز به اضافهٔ یك چهارم از سود خالص کمپانی عاید دولت ایران می‌شد. حقوق زارع و فروشندهٔ توتون (خرده فروش) هم تأمین گردیده به بازرگانان توتون و تنباکو نیز حق داده شده بود در ظرف شش‌ماه با کمپانی شریك شده از سهام کمپانی خریداری نمایند یا نمایندگی کمپانی رژی را بپذیرند.

روحانیان و جمعی از بازرگانان توتون و به پیروی آنها گروهی از مردم شهرهای بزرگ ایران به مخالفت با قرارداد برخاستند. عمال سفارت روس هم مخالفان را تقویت و تحریك می‌کردند سرانجام قرارداد در هفتم رمضان ۱۳۰۹ (۵ اپریل ۱۸۹۲) لغو شد (اسناد این قرارداد در بخش اول کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده است).

۲ـ اشپیسر کاردار و عرب صاحب دبیر سفارت روس

انگلیس‌ها هم از من می‌پرسند که علما در ابطال انتظام[۱] به سفارت شما رجوع کرده‌اند؟ از وزیرمختار سئوال کردم نوشته برای دولت ما صلاح نیست که ایران بی‌نظم باشد.[۲]

محمود

۱۱ شهر جمادی‌الثانیهٔ ۱۳۰۹

---

۱ - باید «امتیاز» صحیح باشد.

۲- اسناد دخالت روس‌ها درقیام ضد رژی در بخش اول اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده و این جواب مسیو کرس یك جواب سیاسی بوده است.

هو

استخراج تلگراف رمز از پطربورغ

بجناب اشرف اعظم امین السلطان   تلگراف رمز جنابعالی رسید

بمسیو گیرس اطلاع کردم بسیار دلتنگی نمود در باطن و لکن مأمورین امپراطور را

نمی‌توان تهمت زد راست است با تصدیق سندی را نداشتیم ولی با طرف

بودیم مأمورین سفارت چگونه می‌توانند محرک علما بشوند هرچه بیشتر وجوب

نسبت میدهند دلیل صحیح دارند رسماً بنویسند که بزحمت تحقیق تعقیب

نصیحت ما را دولت ایران نشنیده بطور اتهام و نسبت را بر دو سفارت

انگلیس هم لازم می‌بینند که علما در ابطال انحصار بسفارت شما رجوع

کرده‌اند از وزیر مختار سؤال کردم نوشته برای دولت با صلاح نیست

ایران بنظم   محمود   ۱۱ شهر جمادی الثانیه ۱۳۰۹

Call No.......... Date....12 : 4 : 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

گزارش یازدهم

این گزارش را علاءالملك در ربیع‌الاول سال ۱۳۱۰ هنگامی که از روسیه به عنوان مرخصی به ایران آمده و در تبریز اقامت داشته شخصاً به امین‌السلطان (اتابك) نوشته و چند گزارش میرزا اسحق خان شارژدافر سفارت ایران در روسیه را برای اطلاع اتابك فرستاده است .

۱۲ شهر ربیع‌الاولی ـ تصدقت شوم امیدوار است که بکلی رفع درد چشم گردیده است . معلوم است وقتی که مکاتبه با کل ممالك ایران را با خط خود بفرمایند کدام دیده است طاقت اورا بیارد . حقیقتاً این چند سال وضعی پیش آمد که اعضاء وجوارح و روح در زحمت وعذاب هستند . خداوند تعالی این زحمات فوق‌الغایهٔ بندگان اجل اکرم را که قسمت هیچ وزیری تا حال نشده بود در زیر سایهٔ بلند پایهٔ همایونی انشاالله تعالی بی‌اجر دنیا و آخرت نخواهد گذاشت . این مسئله را بهتر از همه خود بندگان عالی می‌دانند زندگی همه در آسایش وجود مقدس بندگان همایونی است که در صرف تمام وجود خود در این به سایر چاکران سرمشق باید بدهید .

الحمدلله تعالی قدر خدمات عالی نیز مجهول نیست . خداوند من‌بعد را نیز در خدمتگزاری یاری خواهد فرمود .

از معتمد السلطان میرزا اسحق خان شارژدافر پاره‌ای راپورت‌ها رسیده بود برای اطلاع خاطر مبارك ارسال حضور نمود[۱].

۱ـ میرزا اسحق‌خان تبریزی در آمریکا و چند کشور اروپائی از طرف دولت ایران مأموریت داشت در زمان مظفرالدین شاه لقب مفخم‌الدوله گرفت . در آغاز دوران مشروطه و شروع جنگ جهانی اول در روسیه با سمت وزیرمختار ایران انجام وظیفه می‌کرد. التیماتوم روس‌ها و اخراج مستشاران امریکائی (شوستر و یارانش) و فجایع روس‌ها در مشهد و تبریز و مداخلهٔ نظامی روس‌ها در ایران تمام در زمانی بود که او به عنوان نمایندهٔ سیاسی ایران‌در روسیه انجام وظیفه می‌کرد و کوچك‌ترین قدمی برای حفظ حقوق ایران برنداشت یا نتوانست بردارد .

ناخوشی در روسیه خیلی تخفیف پیدا کرده از قراری که می‌نویسند در تمام روسیه تا حالا قریب سیصد هزار نفر فوت شده است حالا در هر شهر یکی و دونفر اتفاق می‌افتد . خداوند این بلا را از هرجا زودتر رفع فرماید .

دیروز در رکاب مستطاب حضرت والا ولیعهد[۱] دامت شوکته‌العالی به شهر واردگردیده حضرت معظم‌له در نزدیکی شهر در سراسیاب که عمارتی دارد نزول اجلال فرمودند . همه متفقاً مشغول در تحبیب و الفت آخوند و اصلاح ذات‌البین هستیم[۲]. این روزها خیلی سخت ناخوش است امید بطوری که رای همایونی علاقه پذیرفته برای همه آسودگی حواس حاصل شود . الامرالاجل مطاع .

محمودالطباطبائی

۱- مظفرالدین میرزا (بعداً مظفرالدین شاه) .
۲- همان حاج میرزا جواد است که در گزارش هفتم از او نام برده‌شد و این سند نشان می‌دهد که با ولیعهد نیز اختلاف داشته است .

۱۲ ربیع الاول

تصدقت شوم امیدوارست که بکلی رفع درد چشم گردیده باشد است

معلوم است وقتی که مکاتبه با کمال ملک یعنی را با خط خود نمی‌شد که کدام دیده است در نهایت

طاقت او را ندارد حقیقتاً این چه حالت ضعیفی است پیش آمده اعضاء و جوارح و ارواح را

و عذاب است خداوند تا این حالت فوق العاده به کمال [illegible]

رفت [illegible] وزیر [illegible] حال شده [illegible]

و با دولت نخواهد گذاشت این شغله را بهتر از همه [illegible]

[illegible] زندگی همه [illegible] وجود [illegible]

تمام وجود خود [illegible] به سایر کارها [illegible] باید [illegible]

قدر خدمات [illegible] مجهول نیست خداوند [illegible]

در حقیقه [illegible]

یعنی [illegible] خاطر مبارک [illegible] حضور نمود با خوشی [illegible]

تخفیف [illegible] قرارگاه [illegible] و تمام [illegible]

نفرت شده است [illegible]

خداوند این [illegible] از هر جا زودتر رفع فرماید

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

Call No. ۲۹۷-۱۳۳ ۹۹۱۴ Date 12-4-55

Account No. 6807

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, the book is kept beyond that day.

پیوست گزارش یازدهم

شرح زیر یکی از راپورت‌های میرزا اسحق‌خان شارژدافر ایران در روسیه بوده که در گزارش علاءالملك به آن اشاره شده است

مارك سفید برجسته

شیروخورشید

سفارت دولت علیه ایـران در پطرزبورغ .

هو - نمرهٔ ۳۰ - ۱۸ صفر ۱۳۱۰

مسیو غرس وزیر امور خارجه چنانکه عرض کرده است چندی است در «اقص لوبن» خاك فرانسه مشغول معالجهٔ مزاج است . جناب مسیو کارنو رئیس جمهور فرانسه و وزیر امور خارجهٔ فرانسه برای حضور در مانورهای آن حدود رفته بودند با مومی‌الیه ملاقات‌کرده اظهار دوستی و یگانگی نموده‌اند .

در پولیطیك فرنگستان کمال آرامی حاصل است هر دولت مشغول اصلاح نواقص داخلیه خودش است و در این ضمن اسباب دفاع حقوق خودرا مهیا می‌کند و قشون خود را با اسلحهٔ جدیده مسلح و در فنون جنگ تکمیل می‌کند .

چیزی که اسباب اضطراب اوهام است مسائل افغانستان و پامیر است .

در این دونقطه روس‌ها اقدامات مؤثرانه می‌کنند و در کارندکه اهالی آنجا را به‌خودشان جلب نموده و نقاط اهم آنجا را که برای استیلای هندوستان لازم

دارند به تحت تصرف خود بیاورند . انگلیس‌ها هم در مقابل اقدامات در علیه آنها می کنند ولی در این حدود روس‌ها قوی‌تر و با تسلط هستند . حالا هم که در داخلهٔ افغانستان بعضی اغتشاشات هست موقع را غنیمت شمرده در پامیر بعضی نقاط را بی‌صدا و ندا متصرف می‌شوند تا عاقبت امور به چه منجر شود . محض اطلاع جسارت کرد .

اسحق

هو

نمره ۳۰
۱۸ صفر ۱۳۱۰

مسیو ریبو وزیر امور خارجه چنانکه عرض کرده است چندی است در اوقات [illegible]
خاک فرانسه مشغول معالجه مزاج است جناب مسیو کارنو رئیس جمهور فرانسه
و وزیر امور خارجه فرانسه حالیه حضور در مانورهای آنجا رفته بودند با
موسی الیه ملاقات کرده اظهارات دوستی و یگانگی نموده‌اند
در پولیتیک فرنگستان کمال آرامی حاصل است هر دولت مشغول اصلاح
و اوضاع داخله خودش است و در این ضمن اسباب دفاع حقوق خود را مهیا
می‌کند و قشون خود را با اسلحه جدید مسلح و در فنون جنگ تعلیم می‌کند
چیزی که اسباب اضطراب اذهان است مسئله افغانستان و پامیر است
در این دو نقطه روس‌ها اقدامات مؤثرانه می‌کنند و در کارند که اهالی
آنجا را بخودشان جلب نمایند و نقاط مهم آنجا را بطور استیلا
هندوستان هم دارند به تحت تصرف خود بیاورند انگلیسی‌ها در مقابل
اقدامات در علیه آنها می‌کنند ولی در این حدود روس‌ها قوی‌ترند
و با نقاط معتد حالا هم در داخله افغانستان بعضی اغتشاشات
است موقع را غنیمت شمرده در پامیر بعضی نقاط را [illegible]

ملاحظه شد [illegible]

Call No.......... Date...12.4.55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, The book is kept beyond that day.

گزارش دوازدهم

علاءالملك در سال ۱۳۱۶ کسب مرخصی نموده برای درمان میرزا عبدالرحیم قائم‌مقام تبریزی عازم آلمان و فرانسه شد. همزمان با ایام اقامت وی در فرانسه یك روزنامهٔ پاریسی مقالاتی راجع به تغییر ولیعهد ایران (محمدعلی‌میرزا) انتشار داد. مخالفان علاءالملك انتشار آن‌شایعات را به او نسبت دادند و ذهن ولیعهد را به او بدگمان نمودند.

این گزارش را علاءالملك در برائت از آن اتهام به خط خود از اسلامبول به ولیعهد نوشته و از غارت خانهٔ خود به دست اوباشان تبریز شکایت کرده است، این‌نامه صراحت لهجهٔ اورا نیز حکایت می‌کند:

قربان خاکپای مقدس والایت بروم بعد از این مقدمه بدبختی که در مد نظر گماشتگان حضرت والا روحی فداه بدون هیچ تقصیر به بنده رو داد هیچ گونه دستخط مرحمت وعنایت که موجب تسلی و تشفی و امیدواری باشد یا اقدامی در تلافی و تعمیر خسارت فوق از طاقت بشود ظهوری نکرد چاکر نیز همه را در این مدت به سکوت و انتظار گذرانید و اسباب محرکی هم به‌عرض عرایض و اظهار چاکری نیافت و حال آنکه خدا داند چه خدمتی به‌حضرت والا روحی فداه کرده است و مستحق این‌گونه صرف‌نظر و مسکوت عنه بودن نبود تا اینکه از این سفر پر زحمت و خسارت که برگشت وارد اسلامبول شد شخصی که از تبریز به عزم زیارت مکهٔ معظمه آمده حرف غریبی و تازه ذکر کرد که سبب جسارت به عرض این عریضه‌گردید . حضرت والا که وارث تاج و تخت یك مملکت بزرگ است باید اخبارات و افسادات مفسدین را خیلی‌خیلی به احتیاط بپذیرند[1] و به‌گوش کمال تفکر و تعقل وهوش خدادادی استماع فرمایند . چیزی که منطقی نیست ؛ صغرا وکبری صحیح ندارد و به عقل وبرهان صورت امکان نمی‌تواند پذیرد ازنوکرهای مجرب‌کارآزموده اصول وقوانین دولتی را بلد بوده مباشرت چنین چیز را نپذیرند. راوی این طور ذکر نمود که عرض شده چاکر رفته‌ام در پایتخت‌های فرنگستان اقدامات در باب تغییر ولیعهدی دولت علیه می‌کنم و موجب تغیر خاطر مبارك شده و این حرف لغو را از ملاعبن تبریز در یك روزنامهٔ پاریسی که فعله‌ها می‌خوانند

---

۱ - علاء الملك چندجا در این نامه (پذیرفتن) را (پزیرفتن) نوشته است .

نویسانده بودند که طرف اعتنا نشد .

اولاً ـ دولی که مداخله و شرکت معنوی در ایران دارند روس است و انگلیس. بنده که در پایتخت آنها نبودم و در مملکت آلمان که دولت مشروطه بوده و در فرانسه که جمهوری است این صحبت‌ها مناسبت ندارد و موجب خنده و دلیل خفت عقل گوینده می‌شود .

ثانیاً ـ دول فرنگستان حرکات و افعالشان از روی یك معنی و مقصود است . مثل ایران نیست پنج نفر دهن به دهن داده از زید خوب بگویند از بقالی به مقام والیگری برسانند یا بد بگویند از درجهٔ والیگری پایین آورده خاك‌نشین نمایند .

مگر دول فرنگ کارشان تمام شده است که برای تفنن و تفریح اسباب مشغولیت فراهم بیارند ؟ برای چه به چه جهت ؟ چگونه می‌شود این امر مهمی را به خاطر چند نفر خوشگو یا بدگو آلت تفنن قرار بدهند. در فرنگستان به اهمیت دیگر و به نظر عمیق به کارها علی‌الخصوص به این جور مطالب نظر و ملاحظه می‌کنند و بی‌مناسبت به هرچیز مداخله نمی‌کنند و به ملاحظات و قرار و مداری که فیمابین خود دارند نمی‌توانند به هرچیز انگشت برسانند .

حضرت والا را قسم به یگانگی خدا می‌دهم قدری به دقت در اخبارات و افتراها که بعض ملاعین که حسد و دشمنی آنها را می‌دانید به ما می‌بندند نظر فرمائید که حضرت والامقام منیع دارند باید همه را امیدوار کرد .

دل مبارك را از نوکر و قلب شکستهٔ نوکر را از حضرت والا روحی فداه نباید بگذارید سرد بشود که حفظ مملکت بسته به وجود نوکرهای مجرب است . بی‌آدم و نوکر کارها این‌طور می‌شود که الان هست از بنده وغیره می‌گذرد ، خانه داشتم خراب کرده و اندوختهٔ پنجاه ساله را در آن واحد بدون هیچ جهت به باد فنا دادند و ابداً کسی در خیال دادخواهی و استرداد مال و تلافی نشد نه حرفی زدم نه شکایتی کردم و نه مثل بعضی با همهٔ قدرت دست به بعضی وسایل دیگر که مردم می‌زنند زدم . بالاتر از این از یك بشر چه توقع می‌توان کرد ؟

چه بکنیم ؟ کجا برویم ؟ که مفسدین ما بیچارگان را آسوده بگذارند ؟ چه

ناحسابی به کی کرده‌ایم ؟ جز صدق و حسن خدمت ماها به خانوادهٔ سلطنت که به بعضی خوش نمی‌آید .

چاکر از کسی نه توقع دارم نه تمنا، نوشته‌ام هرچه دارم بفروشند به قروض بدهند خود نیز هرجا باشم خانه‌زاد هستم اگر از دستم برآمد خدمت وجان نثاری خواهد نمود .

چیزی که مستدعی است این است که مادّه و افعالی را که دلیل و براهین بر خیرخواهی و جان نثاری است آنهارا کنار گذاشته به‌تهمت و افتراهای لغو وهوایی اعتنا نفرمایند .

اندکی که تحمل شد خودبخود افترا و تهمت معلوم می‌شود فردا محک امروز است . مگر اطلاع ندارند دست جناب اجل امجد قایم‌مقام سرطان شده بود و آخر بریدند و پای مرگ میان بود ممکن نبود بنده ایشان را در این موقع تنها بگذارم[۱]. باز آن طوری که باید خوب نشده‌اند بندهٔ چاکر به واسطهٔ کارها که بسختی رسیده بود مراجعت نمودم و به چاکری همیشه حاضر است سر،سرکار حضرت والاروحی فداه سلامت جان و سر در پای مبارك مقدار ندارد تا به مال چه برسد .

الامر الاشرف الوالامطاع

محمود الطباطبائی

۱ـ میرزا عبدالرحیم خان قائم‌مقام تبریزی(منسوب علاءالملك) دراواخر دورهٔ ناصری از رجال آذربایجان بوده از ۱۳۰۹ تا آغاز۱۳۱۳ (ق) حکومت و پیشکاری کل آذربایجان را داشت در دهم صفر ۱۳۱۳ در تبریز اغتشاشی روی داد قائم مقام قادر به دفع اغتشاش نشد و خانهٔ خودش هم به تاراج غارتگران رفت ، ناچار مستعفی شد و در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه درگذشت .

Call No. ٢٩٧ ـ ١٣ ۵۹۱۴ Date 12 : 4 : 55

Account No. ~~...~~ 81

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

قربان خاکپای مقدست [illegible]

بعد از عرض معذرت به بدخطی [illegible] حضرت [illegible]

بنده [illegible] هیچ گونه [illegible] مرحمت و عنایت [illegible] موجب تشویق و امیدواری باشد [illegible] اقدامی در تهیه [illegible] تعمیر [illegible]

طاقت [illegible] [illegible] صورت [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] به جهت تجارت [illegible]

[illegible] به سبب تجارت [illegible] عریضه کردید

حضرت [illegible] تاج و تخت یک مملکت بزرگ است باید تجارت و [illegible]

[illegible]

[illegible]

چنین چیزها را بپرسند

[illegible] در [illegible] اقدامات در باب تغییر [illegible]

[illegible] روزنامه [illegible]

[illegible] ایران [illegible] روس [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] دولت مشروطه [illegible]

[illegible] دول فرنگستان [illegible] ولایات [illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] دول فرنگ [illegible] مشغولیت [illegible]

برای [illegible] آلت [illegible] فرنگستان [illegible]

از بنده و غیره میلرزد فقط نه داشتم جواب بگویم دانه دخته نیاه ساله را در آن واحد بردن هیچ جهه بیاد فقط داده و امرا

کس در خیال داد خواهی و استرداد مال دقیقه شده نه و فع زدم نه شکایت کردم و نه نشد بعضی ها به همه قدرت دست بعضی باهم

دیگر همه مردم می زنند زدم با لکه از اهل از یک شهر چه توقع می توان کرد به که هم نگذاردم به شغل بم مها کارها را بعضی مگذارند

چه انها با یکی که خواهم بر صدق وحسن خدمت شما نه نفوذ سلطنت که بعضی خوش نمی آید

جا که از کسی نه توقع دارم نه تهمت نوشته را هرچه دارم نوشته بگو ودعوض خود بنده خود نیز هرجا باشم فدا و بنعوا قسم

اگر از دستم برآید خدمت وجان نثاری خواهد نمود چرکه سرمنشق است اهل است بنده دو و فعل را ده بینی درین راه الهی

بر خیر خواهی وجان نثاری است الان را که که راکه نشسته به تهمت در افزا ی نفوذ شما الیه بعضی نفوذ شنیده اند که به تحقیق شده و برگرد

افراد تهمت معلوم شود فرد ا همکه امروز است

که اطلاع بدارانه دست خاب امیر اعراقه سلطان شده بود و افوره بدره و بهای بزرگ جان بود مکتوب نوشته

دین را ورایم موقع خود کرادام با انظار که بند خوب شوند بنده که بد بطه کارها را بهتر رسیده بود هر جهت سه ا

دیگر هرگز همیشه حاضر است برای حضرات اللهٔ ویرو هر فردا خدمت جانی و سردرید یا مبارک بقدر مقدور بنده هر جهت

الامر الاقدس الوالاعلی

[signature]

گزارش سیزدهم

این گزارش را علاءالملک دربارهٔ یك واقعه و یك اختلاف مرزی ایران وعثمانی از اسلامبول برای اتابك (که درهنگام تنظیم گزارش به اتفاق مظفرالدین‌شاه در لندن بوده) فرستاده و از سهل‌انگاری وزارت خارجه و اقدامات خود سخن رانده است .

تاریخ تنظیم گزارش دوماه قبل‌از ورود مظفرالدین شاه و اتابك و همراهان به اسلامبول بوده و متن گزارش به خط یکی از منشیان سفارت ایران در اسلامبول تحریر شده و علاءالملک شخصاً آن را امضا کرده‌است .

مارك سفيد

شیروخورشید

سفارت‌دولت علیهٔ ایران در اسلامبول

۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸

دوفقره امرعظیمی درسرحد رو داده است یکی در جائی موسوم به «حمیدیه» که هنوز به‌تفصیل آن را ازتبریز ننوشته‌اند و نه در «وان»[۱] مأمور داریم که به او رجوع نماید. «حسین پاشاخان» که مأمور وان شده می‌گفته مدتی در تفلیس بود درآنجا ازطهران پول خواسته و ازآنجا رفته ومعلوم نیست بالفعل کجاست؟

باری، یکی قتل طاهرخان است با همراهان او، عثمانی‌ها می‌گفتند او تجاوزکرده است درخاك عثمانی کشته‌اند و دلیلش وجود نعش و قبر آنهاست در خاك عثمانی. فدوی جواب داد که مشارالیه اشقیا راکه رفته درخاك ایران چپاول کرده و رمه آورده به‌خاك عثمانی می‌گذراندند تعاقب کرده بود و در عقب آنها شاید داخل خاك عثمانی شده بوده است پس باید تحقیقات مشترکه نمود، راضی نمی‌شدند و مراسلهٔ چند رد و بدل شد عاقبت راضی نمودم. نوشته بودند ازوان مأمور به‌تحقیقات مشترکه کردند بنده هم تلگرافاً به جناب مستطاب وزیر امور خارجه[۲] اطلاع دادم که مأمور ایران راهم روانهٔ وان نمایند ولی‌متأسفانه ازحکومت

۱ـ ازشهرهای دولت عثمانی (ترکیه) در مرز آذربایجان.

۲ـ وزیرخارجهٔ ایران در این هنگام میرزانصرالله خان مشیرالدولهٔ نائینی بوده‌است.

آذربایجان قناعت به اخبار این‌حادثه به حضور مبارك نموده دیگر نه تفصیلی و نه راپرتی فرستاده‌اند و نه تعقیب می‌کنند اثر این کار بزرگ‌از انظار محو شده.

فقرهٔ دیگر مسئلهٔ «سومار» است[۱] که یقیناً مال وملك دولت علیه‌است. والی به‌واسطهٔ آبی که ازخاك ایران به «مندلیج» می‌رود تدارکی نماید جمعی از عشایر و عساکر فرستاده حاصل آنجا را پامال کرده‌اند و ادعا می‌کنند آنجا از اراضی متنازع فیه است. در این ماده هم سخت ایستادگی کرده راضی نموده‌است‌که قرار به تحقیقات مشترکه بشود. صدر اعظم منتظر کاغذی است که باید از والی بغداد برسد قرار اورا هم خواهد داد.

بنا به خواهش وزارت‌خارجه درطهران‌سفیرانگلیس وروس هم می‌خواستند اظهاری نمایند بنده مانع شدم زیرا که این فقره آخرالدوا است آنطور که باید تعقیب نموده مذاکره نمایند. چنانکه از روی تجربه چند بار دیده است نمی‌کنند و سهل است این فقرات را بهانه‌کرده مطالب متفرقهٔ خودشان را می‌گذرانند برای ما نه‌کشتی جنگی می‌آورند نه توپ و تفنگ، اینها جری‌تر می‌شوند[۲].

ولی به صدر اعظم گفتم[۳] چنین تصور نکنید به اظهارات من اهمیت ندادید من رفتم سفیر انگلیس یا روس‌آمد آیا شما ترجیح می‌دهید با آنها در این باب گفتگو نمائید؟ من خودم را کنار می‌کشم، به هر طوری بود به تحقیقات مشترکه راضی کردم ولی غیر از مطالبات بنده و مکاتبات وزارت خارجه وسفارت‌کبری و یا توسط سفیرانگلیس وغیره‌کار دیگری باید‌کرد‌که حضرات را قدری به هیجان‌آورد آن را هم حضوراً به عرض می‌رساند هرطور صلاح بدانید مختارید.

محمودالطباطبائی

---

۱ - «سومار» از بخش‌های مرزی ایران وعثمانی در قصرشیرین.

۲ - این قسمت از نامه غرور ملی علاءالملك را می‌رساند زیرا وساطت روس و انگلیس راکه وزیرخارجه (میرزا نصرالله‌خان‌نائینی) پیشنهادکرده اونپذیرفته است.

۳ - خلیل رفعت پاشا

۲۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸

در فقره امر عظیمی در سرحد رو داده است یکی در جای موسوم به [illegible] به تفصیل آن را از تبریز

نه نوشته‌اند و نه در دوران مأمور داریم با رجوع تمام حسین خان مأمور آن شد [illegible] در تعاقبش بود

در آنجا از طهران پول خواسته و از آنجا رفته و معلوم نیست الان در کجاست بایستی [illegible]

ظاهر فلان است، همراهان در عثمانیها میکشند و تا دو روز گذشته است در خاک عثمانی گرفته‌اند

و [illegible] وجود [illegible] و قبر آنها است در خاک عثمانی قدری خراب داده [illegible] اتفاق را

در رفته در خاک ایران چپاول کرده و رسم آورده که خاک عثمانی [illegible] تلف کرده بود.

در عقب آنها [illegible] در خاک عثمانی شده است پس باید تحقیقات مشترکه بشود

راضی نمی‌شدند و مرا [illegible] چند روز [illegible] شد عاقبت راضی شدند نوشته [illegible]

مأمور به تحقیقات مشترکه کردند بنده هم [illegible] سلطان [illegible]

که مأمور ایران [illegible] هم روانه [illegible] ولی [illegible] از حکومت [illegible]

قناعت [illegible] این حادثه [illegible] بزرگ [illegible] تفصیل [illegible]

و نه تعقیب می‌کنند [illegible]

فقره دیگر [illegible] است [illegible] دولت علیه [illegible]

آنچه که از خاک ایران بمنزله پنج مرتبه زیادتر که تا بحال جمعی از اعراب از عرب کردستان خاصه عثمانی آنها را

پامال کرده لذا ادعا می‌کنند آن اراضی متنازع فیه است در این قسمت هم سرحد الستیلا کی

کرده راضی نموده است در قرار تحقیقات شرکه بشود صدراعظم منتظر کاغذی است باید از

والی بغداد برای قرار دوره هم خواهد داد تا جواب اش وزارت خارجه در طهران سفیر انگلیس

و روس هم نخواسته اظهاری نمایند سنه‌ها نمی‌شود زیرا که این فقره ذکر شده است نظر

که باید تعقیب نموده در اگر نمایند چنانکه از روی تجربه چند بار دیده است نمی‌کنند و اظهارات

این فقرات را بهانه کرده مطالب متفرقه خودش را اسعد را نه برای ما نه کشتی جنگی بسا و زیر

نه توپ و تفنگ اینها جزئی‌تر می‌شوند ولی بصدراعظم گفتم چنین تصور نکنند که اظهارات

بی اهمیت مانده من رفتم سفیر انگلیس با روس آمده تا ترجمه بدهند با آنها در این باب گفتگو نمایند

که خودم را کنار بکشم هر طوری بعد تحقیقات شرکه راضی کردم ولی غیر از مطالب شنیده

دیگر مکاتبات در وزارت خارجه و سفارت کبری با توسط سفیر انگلیس و غیره کار دیگری

باید کرد در حضرات روسی تا بهیچ باب آورده آن را هم حضور بعرض می‌رساند امر طور

صحیح به خط محتاج ... محمود

پیوست گزارش سیزدهم

یادداشتی است به خط میرزا نصرالله خان مشیرالدولهٔ نائینی (وزیر خارجه) در بارهٔ تجاوز عثمانی در بخش « سومار » و « ایوان » کرمانشاه، او این یادداشت‌را برای اتابك فرستاد. و از مداخله دادن سفارت روس و انگلیس در این موضوع یاد کرده است.

نمره ۲۴۴۲

۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸

هو- در باب سومار و اقدامی که از عثمانی‌ها به عمل آمده به توسط تلغراف مراتب را به عرض رسانید و دیروز جواب هم زیارت کرد، آنچه باید درطهران اقدامات بشود از مذاکرات با سفارتخانه‌ها[1] وسفارت عثمانی وتلگراف به اسلامبول و غیره‌همه بعمل آمده است، ذره‌ای فروگذار نشده است حالا باید منتظر شدکه جواب چه خواهد رسید.

شارژدافر روس به پترزبورغ[2] تلگراف کرده و از وزارت خارجهٔ روس به سفیر اسلامبول تلگراف کرده‌اند. سفارت انگلیس همینطور به لندن تلگراف کرد، به اسلامبول تلگراف کرد. الان در اسلامبول مشغول هستند و باید در این باب اهتمام و ایستادگی بشود که چرا عثمانی‌ها چنین اقدامی بی‌مقدمه کردند و قشون

۱- در متن سند «سفارتخانها». ۲- در متن سند «پطرزبورغ».

دولتی به خاك «ایوان»[۱] کرمانشاهان فرستاده و بصدد خسارت به سکنهٔ «سومار» برآمدند و ترضیهٔ کامل این رفتار خواسته شود. الامرالاشرف‌الامجد مطاع (پشت کاغذ مهر مشیرالدوله).

۱ــ «ایوان» از روستاهای بخش گیلان غرب درخاور بخش سومار.

نمره ۲۴۴۲
۵ ربیع الثانی ۱۳۱۸

در باب [illegible] راقم [illegible] در عثمانیها [illegible]

تا به حال تصرفات در باب بعضی [illegible] در روز

جواب اظهارات که

آنچه باید در طهران اقدامات بشود از اینکه [illegible]

با سفارت انگلیس سفارت عثمانی [illegible]

رعایای ایشان [illegible] است زیاد [illegible]

حالا باید منتظر شد که جواب [illegible]

[illegible] بکنم

سایر [illegible]

[illegible]

[illegible] سفارت [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

Call No. ۲۹۷ ۔ ۳۱۳ ۔ ۹۹۱۴ Date 12:4:55

Account No. ~~[illegible]~~ 67

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

گزارش چهاردهم

ترجمه شرحی است که روزنامهٔ « نورورمیا » دربارهٔ وضع بازرگانی ایران و رقابت اقتصادی روس و انگلیس در کشور ما نوشته و علاءالملک ترجمهٔ آن را پیوست متن روسی مقاله که از روزنامه جدا شده برای وزارت خارجه فرستاده است . خط متن ترجمه از میرزا اسحق خان (مفخم الدوله) شارژدافر سفارت می باشد .

شرح ذیل را روزنامهٔ نوووُرمیا (عهد جدید) به تاریخ ۲۶ مارس ۱۸۸۶ مطابق ۲۴ رجب ۱۳۰۵ در نمرهٔ ۴۳۳۷ می‌نویسد .

امروزها « درموندولف »[۱] به طهران رفت . نباید فراموش کرد که مشارالیه به‌کارهای مصر باکمال‌جدکفایت به خرج‌داد ودرسال ۱۸۸۵ به مأموریت مخصوص به اسلامبول فرستاده شد . بودن اودرپایتخت ممالک سلطان مصادف شد با حوادثی که در فلبه (پایتخت روم ایلی شرقی) اتفاق افتاد که برای روسیه این‌قدر مایهٔ دردسر شده . مأموریت این‌گونه مرد باکفایت پولتیک‌دان[۲] به سفارت ایران به‌نظر می‌رساند که دربار لندن مصمم شده است که به کارهای ایران بادقت نگاه کند و به نفوذ پرزور روس کسر برساند.

« ولف » از آن اشخاصی نیست که نشسته و خمیازه بکشد و دست‌هایش را روی هم بگذارد البته درمنافع دولت خودش سعی‌ها خواهد کرد .

منافع انگلیس همیشه درایران با منافع روسیه در نقطهٔ مقابل‌هم واقع شده . تعیین ولف را باید مربوط بر تدابیری که انگلیس‌ها در سرحد شمالی هندوستان به‌کار می‌برند دانست .

بعد از آنکه در ماوراء خزر به کشیدن راه‌آهن درمیانهٔ بحرخزر و آموداریا شروع شد حکومت هندوستان هم از طرف خود با امیر افغانستان در باب کشیدن

۱- سرهنری درودموندولف وزیرمختار دولت انگلیس . ۲- درمتن سند «پولیطیک».

راه‌آهن از «حاجی عمران» و قندهار شروع به گفتگو نمود معلوم است که مقصود اصلی انگلیس‌ها امتداد راه مزبور از «قندهار» تا «هرات» بود و از طرف دیگر به استحکام قلعه‌جات طرف شمال غربی هندوستان اقدام شد، انگلیس‌ها در اعمال خودشان منظورهای مختلف دارند به واسطهٔ راه‌آهن و ازدیاد قوت نظامی خیال انگلیس این است که نفوذ خودرا در افغانستان شمالی زیاد بکنند وهرات را هم از مد نظر دور نگذارند. بعد از رسیدن به این آرزو به انگلیس‌ها ممکن خواهد شد که درمشرق ایران هم نفوذ بهم رسانند و مخصوصاً به این مرام وقتی نایل‌خواهند شد که راه‌آهن علیحده از وسط بلوچستان بکشند.

ایران با شانزده کرور جمعیتش علاوه براهمیت پولیتکی[1] ازبرای انگلیس‌ها یك تجارتخانهٔ معتبری است. در این اواخر قیمت مال‌التجارهٔ که به ایران وارد می‌شود ازصدملیون قران ومال‌التجارهٔ که از ایران به خارج می‌رود ازشصت ملیون قران متجاوز است.

در باب مال‌التجارهٔ که به ایران وارد می‌شود به انگلیس‌ها ما رقیب شده‌ایم مال‌التجارهٔ ما به‌ایران به واسطهٔ بنادر بحرخزر، انزلی ورشت وغیره وارد می‌شود وهمچنین‌ازتبریز که‌تاحال‌تجارتخانهٔ‌ایران‌است واز آنجا به‌همهٔ ایران‌راه‌های تجارت وصل است می‌باشد وحالاکه حکمرانی ما در ولایت ماوراء خزر برقرار شده از آنجا بلاواسطه با خراسان معاملات تجارتی می‌کنیم.

مال‌التجارهٔ انگلیس یك حصه‌اش از راه آناطولی و یك حصه‌اش از بندر بوشهر و بندر عباس حمل به ایران می‌شود. تجارت انگلیس از راه خلیج فارس مخصوصاً بعد از بسته شدن ترانزیت راه قفقاز زیادتر شده است.

از برای تجار انگلیس و روس عمدهٔ مال‌التجاره عبارت از قند و اسباب‌های فلزی و مال فتوره و پشمی می‌باشد. با وجود رقابت انگلیس بنا به رأی عموم اشخاصی که از ایران اطلاع خوب دارند عجالةً حالت تجارت ما در طهران بهتر از تجارت انگلیس است و ممکن است که به تجار انگلیسی تفوق کنیم و از برای

۱ـ در متن ترجمه «پولیطیکی» نوشته شده است.

آنکه تجارتخانهٔ ایران را بکلی در دست داشته باشیم به تجار ما خیلی لازم است که کمال دقت را داشته و ترک عزم ننمایند و همچنین ملاحظهٔ این مسئله به صاحبان کشتی‌های تجارتی بحرخزر لازم است. ومأمورین دیپلماسی[1] ماراهم لازم است که کمال تقویت را به تجار ما بکنند. به جهت نیل به این مرام تجار ما باید در شهرهای عمدهٔ ایران تجارتخانه‌ها[2] باز کنند و به صاحبان کشتی لازم است که قیمت بیمهٔ مال‌التجاره راکم‌تر کنند.

کونشین[3] که دربار فروش و در طهران تجارتخانه باز کرده سرمشق خوب برای سایر تجارما می‌باشد. رواج تجارت انگلیس عجالةً در جنوب ایران زیاد می‌باشد.

چند سال قبل انگلیس‌ها در نزد دولت علیهٔ ایران اقدامات به‌کار بردند که اجازه بگیرند کشتی‌های آنها در رود کارون[4] تاشوشتر[5] تردد بکنند ولی‌مساعی آنها به جائی نرسید. امید انگلیس‌ها باز به‌کشیدن راه‌آهنی بزرگ باقی است واحتمال کلی دارد از مأموریت های « ولف » یکی هم این باشد و اگر این راه به توسط انگلیس‌هاکشیده شودآن وقت باید جمیع تجارتخانه‌های ایران را منحصر به‌انگلیس دانست. از این قرار ایران با وجود کمال بی‌نظمی به جهت امورات تجارت خیلی اهمیت دارد و در وقتش این اهمیت زیادتر خواهد شد.

تا حال پنجاه یك اراضی ایران زراعت‌می‌شود و تا حال درایران راه منظمی که به جهت رواج تجارت خیلی لازم است نیست، واضح است بعدازهمهٔ مطالب فوق ایران از برای انگلیس‌ها خیلی اهمیت دارد، با وجود این لازم است که ما دست خودمان را بسته از دور نگاه نکنیم خیلی جای تعجب می‌شود اگرمابگذاریم غیر از روس دیگری در تهران نفوذ داشته باشد.

جمیع ممالك شمالی ایران‌که بهترین مملکت‌ها است با ممالك متصرفهٔ ما محاط می‌باشند. ازهمه‌کس پیشتر اعلیحضرت شاه باید باما به‌دوستی رفتارنمایند.

۱- در متن ترجمه، دیپلوماسی نوشته شده ۲- در متن ترجمه «تجارتخانها» نوشته شده ۳- بازرگان روسی‌که تجارتخانهٔ اودرطهران و بارفروش (بابل) معروف و پررونق بوده است. ٤- و ۵- کارون وشوشتر درمتن ترجمه «قارون» و «ششتر» نوشته شده است.

انگلیس هیچ چیز نمی‌تواند به ایران بدهد ولی روسیه به‌کمال سهولت مشهد و تبریز رامی‌تواند تصرف بکند[1] .

در پشت گزارش با خط قوام‌الدوله نوشته شده‌است (ترجمه واصل روزنامه‌ای است که از پطرزبورغ خواسته بودیم) .

۱ - این اظهار روزنامهٔ رسمی نووورمیا باگزارش شورای سالیانهٔ نظامی روسیه که پیوست گزارش سوم این کتاب چاپ شد بی‌رابطه نیست .

شرح ذیل را از روزنامه نوویه ورمیا (عهد جدید) بتاریخ ۲۶ مارس ۱۸۸۶

مطابق ۲۴ رجب ۱۳۰۵ در نمره ۴۳۳۷ می‌نویسد

امروزها در موقع ولف بطهران رفتن نباید فراموش کرد که مشارالیه کارهای مخصوص

مصر با کمال جد کفایت نموده‌اند و در سال ۱۸۸۵ با مأموریت

باسلامبول فرستاده شده بودن او در پای تخت ممالک سلطان

مصادف شد با حوادثی که در فلبه (پای تخت روم ایلی شرقی) اتفاق

افتاد و برای روسیه آنقدر مایه دردسر شده مأموریت اینگونه مرد

باکفایت و پلتیک دان بسفارت اعلی منظر رسانه طهران و لندن

مقصود شده است کارهای ایران با دقت نگاه کند و نفوذ

روس کمتر بشود ولف از آن اشخاص نیست که نشسته خمیازه بکشد

و بتماشای بیهوده بگذراند البته در منافع دولت خودش سعیها خواهد کرد

منافع انگلیس همیشه در ایران با منافع روسیه در نقطه تعارض دائم

شده. تعیین ولف هم باید مربوط بتدابیری که انگلیسها در سرحد

شمالی هندوستان بکار میبرد دانست

بعد از آنکه در ماوراء خزر کشیده شدن راه آهن در کناره بحر خزر

و آمد و ارها شروع شده حکومت هندوستان هم از طرف خود با ایران و افغانستان

در باب کشیدن راه آهن از جانب عمران و قندهار شروع بگفتگو نمود

معلوم است مقصود اصلی انگلیسیها امتداد راه مزبور از قندهار تا هرات بوده

و از طرف دیگر با استحکام تقویت طرف شمال غربی هندوستان اقدام

شده انگلیسیها در اعمال خودشان منظورهای مختلف دارند بواسطه

راه آهن و ازدیاد قوت نظامی خیال انگلیس است نفوذ خود را

در افغانستان شمالی زیاد بکنند و هرات را هم از نظر نگذارند

بعد از رسیدن باین آرزو بانگلیسها ممکن خواهد شد در مشرق

ایران هم نفوذ بهم رسانند خصوصاً باین مرام وقتی نائل خواهند شد

که راه آهن عمده از بلوچستان بکشند

ایران با شانزده کرور جمعیتش علاوه بر اهمیت پولتیکی برای بعضی

انگلیسیها یک تجارتخانه معتبری است در این اواخر قیمت مال التجاره

با ایران وارد می‌شود از صد میلیون قران و مال التجاره از ایران

بخارج می‌رود از شصت میلیون قران تجاوز است در باب

مال التجاره که بایران وارد می‌شود بانگلیسیها رقیب شده‌ایم

های التجاره ما با بعضی بواسطه ها در بحر خزر از راه دشت غیره وارد روس می‌شود
و همچنین از تبریز که تا حال تجارتخانه ایران است و از آنجا به همه اطراف ممالک
تجارت وصول است جا به جا شده و حالیه که حکمرانان ما در ولایت ماوراء خزر
برقرار شده از آنجا بعد بواسطه با فرمانان مساعدت تجارت را بکنیم
مال التجاره انگلیسی یک حصه‌اش از راه آناطولی و یک حصه‌اش از
بندر بوشهر و بندر عباس حمل بایران می‌شود تجارت انگلیس از راه خلیج فارس
مخصوصاً بعد از بسته شدن ترانزیت راه قفقاز زیادتر شده است
از بعضی تجار انگلیسی در روس عمده مال التجاره عبارت از قند و اسبابهای
ملزومی و مال خورده و لیمی می‌باشد با وجود رقابت انگلیس بنا برای
عموم اشخاصی که از ایران اطلاع خوب دارند عجالتاً حالت
تجارت ما در طهران بهتر از تجارت انگلیس است و ممکن است
که با تجار انگلیسی تفوق کنیم و از برای اینکه تجارتخانه ایران را [illegible]
در دست داشته باشیم به تجار ما خیلی لازم است که کمال دقت
داشته و ترک عزم ننمایند و همچنین بحفظ این مسئله اصحاب آن
کشتیهای تجارتی بحر خزر لازم است و با نوری و بیلوهای بالنده

لازم است که کمال تقویت بعمل آید که تجار بار بکشند بجهت نسبتی با این مراتب تجار را

باید در شهرهای عمده ایالت تجارتخانه‌ها باز کنند و لباسجات کمتر

در قیمت بیمه مال التجاره کمتر کنند

کمپانی که در بارفروش و در طهران تجارتخانه باز کرده بر حسب خوب

برای سایر تجار نمونه باشد رواج تجارت انگلیس عمدتاً در جنوب ایالت

زیاد باشد

چند سال قبل انگلیسیها در نوروزیش عمده ایالت اقدامات کرده‌اند که بعد از اجازه

بگیرند کشتیهای آنها در رودخانه کارون با کشتی تردد بکنند و مساعی

بجائی نرسید امید انگلیسیها بازگشته راه آهن بزرگ که قیمت

و احتمال کم دارد از مأموریتهای دولت تمام این باشد و اگر این راه

شرایط انگلیسیها کشیده شود آنوقت باید جمیع تجارتخانه‌های ایالت بسوی

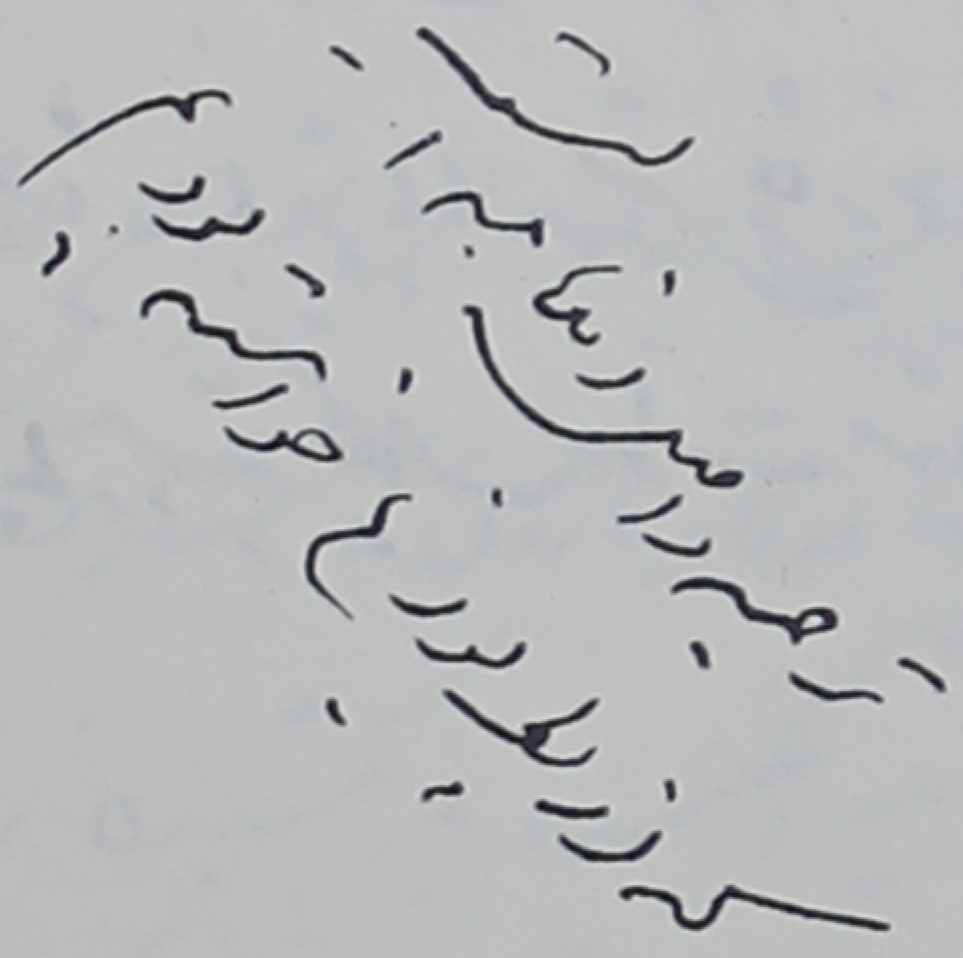
منحصر باشد و دست از اقتدار ایالت با وجود کمال لطف بجهت

امورات تجارت خیلی اهمیت دارد و در وقتش این اهمیت

زیادتر خواهد شد تا حال میانه یک اراضی ایران زراعت می‌شود

و تا حال در ایالت راه نظمی بجهت رواج تجارت خیلی لازم

نیست واضح است بعد از همه مطالب فوق افغان از برای انگلیسیها
خیلی اهمیت دارد با وجود این لازم است ما دست خود را
بسته از هر اقدامی نکنیم خیلی جای تعجب می‌شد اگر ما بگذاریم غیر از روس
دیگری در طهران نفوذ داشته باشد. جمیع ممالک شمالی ایران که
بهترین ملکهاست با ممالک متصرفه ما محاط می‌باشند از همه کس
بیشتر اعلیحضرت شاه باید با ما همدستی و قرار نماید. افغانها هیچ حین نمی‌توانند
با ایران بجنگند ولی ما روسیه بکمال سهولت مشهد و تبریز را می‌توانیم
تصرف کنیم.



گزارش پانزدهم

ترجمهٔ یك مقاله از روزنامهٔ نوورِیمیا دربارهٔ انجام پیشنهادهای دولت روس و قضاوتی منصفانه درموضوع کشتی‌رانی کارون ، این ترجمه ازطرف علاءالملك با متن روزنامه به وزارت‌خارجه فرستاده شده‌است

تاریخ این‌مقاله همزمان با آغاز مسافرت سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا بوده است (۱۳۰۶ ق) .

ترجمه از روزنامهٔ نووریمیا نمرهٔ ۴۶۹۱

قضیه‌کارون نزدیك بود که دوستی قدیم روسیه وایران را تغییر بدهد.

پرنس دولغوروکی دراول این‌سال هنگام رفتن‌طهران دستورالعمل مصلحانه بابعضی تکالیف باخود برد که به قبول‌شدن‌آنها ازطرف دولت‌ایران به خسارت‌هائی که به واسطهٔ افتتاح رودخانهٔ‌کارون به تجارت روسیه واردشده بود تلافی می‌گشت. چون مصلحانه بودن تکالیف روس‌دلیل بود براینکه روسیه غیرازنیکی‌وخیرخواهی همسایهٔ خود منظور دیگری ندارد دولت ایران باکمال میل آنها را قبول نمود.

پرنس دولغوروکی از طرف دولت ایران خبر رسمی‌گرفت که اعلیحضرت شاه خواهش‌های روسیه را قبول نمود.

تکالیف روس عبارت از فقرات ذیل می‌باشد.

اولا ـ ازحالاتا مدت پنج سال دولت ایران درخصوص راه‌های‌آهن ایران هر قرارنامه‌که بخواهد با رعایای دول خارجه ببندد پیش ازآنکه آن قرارنامه را امضا بکند شرایط آن را به دولت روس اطلاع خواهد داد. اگر در میان روس‌ها کسی پیداشودکه به شرایط قرارنامهٔ مزبور راضی‌شده وطالب ساختن‌آن راه بشود دولت ایران روس‌ها را به سایرین تقدم داده و ساختن راه آهن مزبور را به شرایط که دیگران می‌خواهند به روس‌ها خواهد داد.

ثانیاً ـ دولت ایران ازآستارا تا اردبیل راه شوسه درست می‌کند.

ثالثاً ـ مرداب انزلی را به‌کشتی‌های روس باز می‌کند.

رابعاً ـ راه شوسهٔ مشهد و عشق‌آباد را تمام می‌کند.

خامساً ـ از رشت تا طهران راه شوسه درست می‌کند.

بعد از آنکه از راضی‌شدن دولت ایران به تکالیف مزبور فوق رسماً به پرنس دولغوروکی خبر داده شد ازطرف اعلیحضرت شاه به‌پطرزبورغ تلگراف واظهار شدکه چون شاه خیال سفر فرنگستان را دارند می‌خواهند به روسیه هم‌آمده پیش از سلاطین تاجدار فرنگ از امپراطور روس همسایهٔ با اقتدار خود دیدن بکنند.

از پطرزبورغ در جواب تلگراف مزبور به توسط پرنس دولغوروکی از شاه‌به‌آمدن روسیه‌دعوت‌شد. درتلگراف دعوت‌نامه‌ذکرشده که چون‌میل‌اعلیحضرت شاه به آمدن روسیه علاوه برچیزهای دیگرکه همه دلیل آشکار بود بر اینکه دولت ایران می‌خواهد دوستی قدیمی روس را حفظ بکند دلیل واضح به دوستی ومحبت اعلیحضرت شاه نسبت به روسیه است. روسیه باشعف و شادمانی تمام ناصرالدین شاه را مهمان خود خواهد دید.

شاه بعد از دوهفته تمام از طهران حرکت کرده از راه تبریز وتفلیس و ولاد قفقاز به پطربورغ خواهدآمد.

اعلیحضرت ناصرالدین شاه‌راوزیراول ایشان امین‌السلطان که در این اواخر در اصلاح ذات‌البین‌دولتین روس و ایران کمال‌جدرا به عمل آورد همراهی خواهد کرد.

ایرانی‌ها رودخانهٔ‌کارون را بـه‌کشتی‌های عموم ملل به جهت این بازکردند که حمل نقل امتعهٔ خودشان را بااین وضع سختی واشکال راههای تجارت‌که حالا درایران هست فی‌الجمله‌آسان بکنند وهرگز خیال نداشتندکه به این وسیله‌به روسیه بد بکنند.

هرکس بخواهد بـه درستی این مطلب یقین نماید نظری به شرایط آزادی کشتی‌رانی کارون بیندازد. شرایط مزبور اختیارات آزادی کشتی‌های خارجه را خیلی محدود می‌سازد.

اگرچنانچه قلم ایرانی‌ها را دست انگلیس‌ها متحرك می‌کرد هرگزاین‌شروط

به این سختی نوشته نمی‌شد[۱].

ایرانی‌ها می‌گویند که سلّمنا انگلیس‌ها از فقرهٔ افتتاح کارون بی‌خبر نبودند دیگر بعد از قبول شدن خواهش‌های روس جهت ندارد که روس‌ها به دوستی و خیرخواهی خودشان نسبت به ایران عود نکنند. به حساب خودمان هم به واسطهٔ قبول شدن تکالیف ما به خسارت‌های حقیقی ویا موهومی که به سبب افتتاح کارون به تجارت ما وارد شده بود به وجه احسن تلافی می‌شود.

وقتی که کار این طور است اعلیحضرت ناصرالدین شاه در مملکت روسیه همان پذیرائی واحترامات راکه در دوسفر اولی دیده بودند بازخواهند دید.

۱- در اینجاکه پای انصاف درمیان بوده اجازهٔ کشتیرانی کارون را چنانکه بوده‌است تعبیر کرده‌اند.

Call No.......... Date....12.4.55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped date above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

ترجمه از روزنامه نوورمیا ۴۶۹۱

قضیه کارون نزدیک بود که دوستی قدیم روسیه و ایران را تغییر بدهد

پرنس دلغوروکی که در اول این سال هنگام رفتن طهران دستورالعمل محرمانه با بعضی مطالب با خود برد که بقبول شدن آنها از طرف دولت ایران بجهت زحماتی که بواسطه افتتاح رودخانه کارون بتجارت روسیه وارد شده بود تلافی گشت چون محرمانه بودن مطالب روس دلیلی بود برای اینکه روسیه غیر از نیک و خیرخواهی همسایه خود منظور دیگری ندارد دولت ایران با کمال میل آنها را قبول نمود پرنس دلغوروکی که از طرف دولت ایران جواب میگرفت از اعلیحضرت شاه خواهش کرد روسیه را قبول نمود

مطالب روس عبارت از فقرات ذیل میباشد

اولاً از حالا تا مدت پنجسال دولت ایران در خصوص راههای آهن ایران هر قرارنامه که بخواهد با رعایای دول خارجه ببندد پیش از آنکه آن قرارنامه را امضا بکند شرایط آنرا بدولت روس اطلاع خواهد داد اگر در میان روسها کسی پیدا شود که بشرایط قرارنامه مزبور راضی شده و طالب ساختن آن راه بشود دولت ایران روسها را بر دیگرین تقدم داده و ساختن راه آهن مزبور را بشرایطی که دیگران میخواهند بروسها خواهد داد

ثانیاً دولت ایران از آستارا تا اردبیل راه شوسه درست میکند

ثالثاً مرداب انزلی را بکشتی روس باز میکند

رابعاً راه شوسه مشهد و عشق آباد را تمام میکند

خامساً از رشت تا طهران راه شوسه درست میکند

بعد از آنکه از راضی شدن دولت ایران بمطالب مزبور فوق رسما بپرنس دلغوروکی خبر داده شد

از طرف اعلیحضرت شاه. پطربورغ ملکاف و اظهار شد هرچون شاه. خیال سفر فرنگستان را دارند میخواهند
بروسیه هم آمده. پیش از سیاحت ممالک تا به دربار فرنگ. امپراطور روس همسایه با اقتدار خود دیدن
بکنند از پطربورغ در جواب ملکاف مزبور بتوسط پرنس لغورد که از شاه. به آمدن روسیه دعوت شد
در ملکاف دعوت نامه ذکر شده که چون میل اعلیحضرت شاه. به آمدن روسیه علاوه بر چیزهای دیگر
که همه دلیل آشکار بود براینکه دولت ایران میخواهد دوستی قدیمی روس را حفظ بکند دلیل واضح
بدوستی و محبت اعلیحضرت شاه. لهذا بروسیه است. روسیه با شعف و شادمانی تمام ناصرالدین شاه
را مهمان خود خواهد دید شاه. بعد از دو هفته تمام از طهران حرکت کرده از راه تبریز
و تفلیس و ولایات قفقاز پطربورغ خواهد آمد
اعلیحضرت ناصرالدین شاه. را وزیر اول ایشان امین السلطان که در این اواخر در اصلاح ذات البین
وثیق روس و ایران بکمال جدیت بعمل آورد همراهی خواهد کرد
ایرانیها رودخانه کارون را بکشتی های عموم ملل تجارتی باز کردند که حمل و نقل امتعه خودشان را با این
وضع سخت و مشکل راههای تجارت که حالا در ایران هست فی الجمله آسان بکنند و هرگز خیال
نداشتند که با این وسیله بروسیه بد بکنند هرکسی بخواهد بهتر این مطلب یقین نماید نظری بشرایط
آزادی کشتیرانی کارون بیندازد شرایط مزبوره اختیارات آزادی کشتیهای خارجه را خیلی محدود میکنند
اگر چنانچه قلم ایرانیها را دست انگلیسیها تحریک میکرد هرگز این شروط با این سختی نوشته نمی‌شد
ایرانیها میگویند در سلطنت انگلیسیها از فقره افتتاح کارون بیخبر نبودند دیگر بعد از قبول شدن خواهشهای
روس جهت ندارد در روسها بدوستی و خیرخواهی خودشان نسبت با ایران عود نکنند بسبب خودمان هم بواسطه
قبول شدن تکالیف ها بجز راههای حقیقی و یا موهومی که بسبب افتتاح کارون بتجارت ها وارد شده بود بوجه احسن تدارک شد
و تبیکه کار اینطور است اعلیحضرت ناصرالدین شاه. در مملکت روسیه همان پذیرائی و احترامات را که در سفر اول
دیده بودند باز خواهند دید

پیوست گزارش پانزدهم

پیشنویس تلگرافی است به خط امین‌السلطان (اتابك) خطاب به علاء‌الملك ـ راجع به مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا و بازدید روسیه و موافقت با چند تقاضای امپراتور روسیه چون مفاد آن با نوشتهٔ روزنامهٔ نوور یمیاتقریباً مطابقت دارد در اینجا چاپ می‌شود.

پطر ـ به جناب میرزا محمود خان وزیر مختار ـ اعلیحضرت همایون در کمال عزم و میل خیال سفر پطر و از آنجا به فرنگستان دارند وهیچ تردید ندارند وموقوف هم نخواهد شد. ملتزمین رکاب هم چهل نفرند، یعنی ازهمه جهت حتی نوکرهای مردم هم جزو همین عدد است، دهم شعبان از طهران حرکت خواهد شد. دوازدهم رمضان که اول ماه می روسی است وارد سرحد جلفا خواهند شد و از آنجا تا پطر هم البته ده روز بیشتر نخواهد شد. همین تفصیل را رسماً به جناب دالغوروکی هم اظهار کرده‌ایم و گویا ایشان هم به پطر تلگراف کرده‌اند و هنوز جواب به‌ایشان نرسیده است.

این است که به شما ابلاغ می‌کنیم که فوراً جناب وزیر خارجه را ملاقات نموده این مراتب را اطلاع بدهید و جواب تحصیل نموده تلگراف نمائید که لازم است.

واضح است که در این دفعه در خاك روسیه از دفعات سابق بیشتر و بهتر

به وجود همایون خوش خواهد گذشت . اظهارات پرنس دالغوروکی هم در باب راه‌آهن و آزادی رودخانه‌ها و مرداب انزلی و راه شوسهٔ انزلی و غیره چون از طرف اعلیحضرت امپراطور بود قبول‌شد اطلاع داشته باشید و اگر درآنجااظهاری بکنند بگوئید که پذیرفته شده است[1] و یقین دارم که اولیای دولت روس قدر این موافقت‌های اعلیحضرت همایونی را خوب خواهند دانست .

جواب را هرچه زودتر بدهید بهتر است زیرا که وقت تنگ است و فرصتی برای حرکت باقی نیست .

امین‌السلطان

---

۱ - با توجه به راپورت نظامی محرمانه پیوست گزارش سوم این کتاب ، دلیل تمایل شدید ناصرالدین شاه را به مسافرت روسیه و قبول بعضی خواهش‌های آن دولت را برای‌ایجاد راه‌های تجارتی درمناطق شمالی ایران می‌توانیم تشخیص بدهیم .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Call No. ۷۹۷ ۳۲۱ ۹۹۱۴

Date 12.4.55

Account No.

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. If The book is kept beyond that day.

فهرست اعلام

Call No.......... Date....12 : 4 : 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

K UNIVERSITY
Acc No ....
Date

T K UNIVERSITY LIB.
Acc No 156995
Date 26-2-79

Call No.......... Date.....12 : 4 : 55....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if The book is kept beyond that day.

972
908
570
1950

Call No. A [illegible] *Date*

Acc. No. [illegible]

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of *.06 P.* will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

Call No. ....
Date ....12.4.55....
Account No. ....

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

ریال